

# وقف کتبات ایران



نقاش

میردخت مصطفوی رجبالی

119055

RF K  
M915  
C.2

فهرست مندرجات

# فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
مقدمه	۵-۱
پیشگفتار	۱۲-۶
فصل اول	
نذر و نیاز در ایران قبل از اسلام	۲۰-۱۳
اشوداد - نیاز	۲۲-۲۱
گهنبار یا گاهان بار	۲۷-۲۲
خیرات و مبرات	۳۱-۲۸
خیرات برای کفاره گناهان	۳۳-۳۲
نگهداری آتش و حیوان	۳۴-۳۳
فصل دوم	
وقف پس از ظهور اسلام	۵۶-۳۵
فصل سوم	
تعریف وقف	۶۳-۵۷
انواع وقف	۶۵-۶۴
اصطلاحات وقف	۴۸-۶۶

الف

### فصل چهارم

قوانین و مقررات اوقاف	۸۵-۱۱۳
آئین نامه شورای عالی اوقاف	۱۱۳-۱۱۵
آئین نامه طرز انتخاب و نحوه هیأت امضاء	۱۱۶-۱۲۰

### فصل پنجم

خدمات اجتماعی اوقاف	۱۲۱-۱۳۴
---------------------	---------

### فصل ششم

هنر و زیبایی در موقوفات و آمار	۱۳۵-۱۴۳
ادب و فرهنگ	۱۴۴-۱۴۷
آمار موقوفات	۱۴۸-۱۵۰

### فصل هفتم

موقوفات عظیم بنیاد پهلوی	۱۵۱-۱۵۵
وقفنامه بنیاد پهلوی	۱۵۷-۱۶۸

والباقیات الصالحات خیر عند ربك ثواباً و خیر أملاً

دریغ و آه که خیرات و سبرات بر اطلاق روی بتراجع نهاده است ، خوبی و نیکوکاری از این جهان رخت بر بسته است ، همه در اندیشه امروز ، از فکر آینده بدور افتاده ، همه لذت ها و خوشیهای آتی را برامن و آسایش آتی مزیت و برتری دهند ، نه در اندیشه اعقاب و اخلاف خود ، و نه در فکر بشریت و آسایش نوع خود ، نهایت آمال و آرزوی خود را نیل به خوشیهای آتی دانند ، نه از انسانیت بهره و نه از تعاون و کمک به همشوع خود طرفی بر بسته اند ، اموال و ثروت آن نیک مردان و خوش خویانی که همواره کمک به نوع را

وجه همت خود قرار داده اند و هستی خود را در راه بقاء و پایداری نوع فنا کردند. بمانند لشکر تاتار و پیدادگران مغول به چپاول و یغما بردند و در زشت ترین راه ها بمصرف رساندند لاجرم مردان نیکوکار و خیر روزگار را بدین وی اعتقاد کردند و تو خود دانی که چه قدر فرق است بین آن نیک مردان خدا که با دلی پاک و نیتی خالص نتیجه کار و کوشش زندگی خود را با داشتن اعقاب و اخلاف در مسیری قرار دهند که خیر و خوشی جامعه انسانی است، در راه دانش، در راه بینش در راه خدمات عمومی، در راه اطعام فقراء و مساکین در راه معابر و مساجد و بین آن از خدا بی خبران و آنانکه ز انسان و انسانیت بسی بدورند که بدون پروا و واهمه و بدون توجه و نظر واقف، اصل و فرع آن را در مصارف شخصی به بدترین وجهی مصروف دارند و خود را برگزیده و نماینده نوع انسانی معرفی کنند و بقول لسان الغیب حافظ شیرازی:

گوئیا باور ندارند روز داوری کاین همه عیب و دغل در کار داور میکنند جامعه انسانی باید بداند که هر نوع عمل نادرستی که انجام دهند و هر نوع تخلف و تجاوزی که با اموال موقوفه روا دارند انعکاسی سخت و بد در روح و افکار مردم خیر و نیک اندیش دارد و حس نوع دوستی و خدمت به خلق را که یکی از اساسی ترین ارکان جوامع انسانی است نابود میکند و این همان چیزی است که اصالت مدنیت ملی را بخطر می اندازد، حس تعاون و کمک باعضاء و پاره های جامعه را می میراند چه آنکه هیچ کسی راضی نخواهد بود که پس از رنجها و زحمات بسیار و مرارت بی شماری که مصروف داشته و اندوخته تحصیل کرده و حاصل آنرا بعنوان باقیات صالحات گذارده تا مردم تهی دست و یا مردم

دانش طلب از ثمره آن بهره مند گردند با چشم خود ببینند که طعمه یغماگران شود و بطور قطع همین گونه اعمال عنیف غیر انسانی است که آدمیان را از گردش بکارهای خیر و اعمال نیک باز داشته و بیزار کرده است، مردمی با قلبی پاک و مالا مال از عشق و دوستی آل پیامبر اندوخته خود را بعنوان نذورات در ضریح های مشاهد مشرفه و مقابر متبرکه ریزند، باشد که در راهی مصرف شود که روح و روان امام و امامزاده بدان خوشنود و راضی باشد، لکن با کمال تأسف و تأثر مشاهده میکند که خرج زینت آلات عیالات و استحکام و بنای قصور زیبای متولیان امر و متصدیان میشود و چه بسا از این هم بدتر بمصارف عیش و نوش شبانه و روزانه آنان میرسد آری این است وضع مصارف خیرات و میرات و باز این است علت اینکه مردمان کلا و طراً بدین امر بی رغبت و بی میل شده اند و حاضرند اموال بی کران و بی حساب خود را در هراهی مصرف کنند بجز راه خیر و عام المنفعه.

باری میدانیم که مساله تعاون و کمک به هم نوع و افراد بی بضاعت و پا بست کردن اموال در راه امور خیریه یکی از سبرزترین و جالب ترین مسائل اخلاقی ادیان و مذاهب گوناگون جهان انسانی است زیرا اساس زندگی اجتماعی بر تعاون است و اساس مذاهب و ادیان آسمانی بر تأمین سعادت و ایجاد همبستگی های اجتماعی است بدیهی است که جامعه های متمدن انسانی در روزگاران باستان از این خصیصه بنحو کامل تری برخوردار بوده است و باز روشن است که سرزمین پارس یکی از سرزمین های کهن و قدیمی است که مرکز مدنیت جهان بوده است و همچنانکه سایر شئون مدنیت برای نخستین دفعه از سرزمین

و ملت ایران شروع شده و متدرجاً شکوفان و بارور شده است و سرمشق و نمونه ملت‌ها و بلاد دیگر واقع شده است خیرات و مبرات و نیکوکاری و انسان‌دوستی از این سرزمین سرچشمه می‌گیرد و در طول زمان ببلاد و ممالک دیگر سرایت میکند و از همین رو است که سرکار علیه‌عالیه، فاضله بارعه خانم مینودخت مصطفوی رجالی که یکی از زنان عالمه این کشور است عنوان کتاب خود را که در وقف می‌نگارد « وقف در ایران » بر میگزیند، گو اینکه مبحث مهمی از آنرا بوقف در اسلام اختصاص میدهد، وی با برگزیدن این عنوان، بدین معنی اشاره میکند که مسأله وقف در دین اسلام از مسائل امضائی است نه تأسیس و تأیید و امضای همان امری است که در ادیان و مذاهب ایران معمول بوده است و قرن‌ها قبل از اسلام بدان عمل میشده است.

و قهراً دین مبین اسلام که انتخاب‌کننده همه مسائل مفید اخلاقی و اجتماعی است این موضوع را با علاقه کامل پذیرفته و امضاء کرده است.

در هر حال این کتاب بطوریکه ملاحظه میشود علاوه بر اینکه حاوی نکات و دقایق فقهی وقف است شامل تاریخچه وقف و خیرات و مبرات در ایران و اسلام است در این کتاب مسأله اوقاف و اثرات اجتماعی آن تا آن اندازه که لازم و ضرور بوده است بطور خلاصه ذکر شده است، مؤلف کتاب با تبصری کامل که در این قسمت داشته‌اند انواع مختلف اوقاف و صدقات و خیرات را بر شمرده‌اند و باین نکته اشاره کرده‌اند که اوقاف در هر عصر زمانی بحسب مقتضیات آن زمان و نیازمندیهای جامعه برقرار میشده است و نموده است که ایرانیان در قسمت خدمات اجتماعی و آنچه مربوط باخلاقیات و احساسات و

عواطف انسانی است پیش‌قراول و پرچم‌دار بوده‌اند. جنبه‌های مفید و مثبت تذورات را بنحوی منطقی و قابل قبول توجیه کرده‌اند از کتب مذهبی ایران باستان شواهدی بسیار آورده است که محققانه و مستند است سپس به همین امر در مذهب اسلام اشارت کرده‌اند و آیات و روایاتی چند ایراد کرده است و تعاریف و حدود بزرگان اسلام را آورده‌اند رشته اندیشه خدمت به خلق را که در ایرانیان پالسرشت وجود داشته و با تار و پود آنان سرشته شده است با نوع فکر اسلامی و اندیشه‌های عالیّه او متناسب و سازگار دانسته‌اند پیوستگی آندو را نموده‌اند، نمونه‌ای از کارهای خیر و اوقاف و موقوفاتی که بوسیله مردمان ایران در طول تاریخ انجام شده است ذکر کرده‌اند، بسیاری از مسائل فقهی مربوط را ایراد کرده‌اند که بطور قطع محققان را بکار آید، سپس پاره از قوانین و مقررات مربوط به اوقاف و نحوه اداره املاک سوقوفه را بمناسبت مقام آورده‌اند.

امید است که خداوند بایشان توفیق عنایت کند تا در آینده با وقوف کاملی که دارند فهرست جامعی از کلیه موقوفات که از صدر اسلام تا عصر حاضر بوسیله ایرانیان انجام شده است از موقوفات مدرسه نظامیه و ماقبل و مابعد آن گرفته تا کنون تهیه و بطور مستقل و یا به ضمیمه کتاب حاضر نشر دهند.

سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران

## پیشگفتار

زندگانی بشر هر روز رو به کمال می‌رود، دانشمندان با دستیاری ثروتمندان در این فکر هستند که بتوانند مشکلی از مشکلات بشر را حل و فصل نمایند و بدین‌منظور وقت و پول خود را صرف تجسس‌های علمی می‌کنند تا بتوانند آرزوی بشر را که وصول به کمال است جامه عمل بپوشانند، بطوریکه در زندگی روزمره بهر چه نظر کنیم جلوه‌ای از آن را خواهیم دید. کوچکترین آن ساده و آسان کردن زندگی است از نظر تهیه‌های احتیاجات اولیه زندگی و بزرگترین آن پرواز به کره ماه است و دست یافتن به کرات آسمانی.

## وقف در ایران

( در این میان جمعی هم در فکر بهبود زندگانی دیگران هستند و هم سعی خود را معطوف بر آن داشته‌اند که از جنبه‌های مادی صرف‌نظر کرده صرفاً برای رضای خدای متعال، دامن همت بکمر بزنند تا درماندگان را دستگیری و یاری نمایند. بیماران را به بیمارستان بفرستند، یتیمان را در محل امنی نگهداری کنند، شکم‌های گرسنه را سیر نمایند، برهنگان را بپوشانند یا ایجاد کار برای بیکاران کنند و غیره. در دنیای متمدنی غرب بعد از جنگ جهانی دوم که همه جا ویران شده بود جوانان بی‌شماری از بین رفته و کشته شدند و بقایای جنگ جز خرابی و ویرانی و یک‌عده معلول و فقیر و یتیم و پیر و ناتوان نبود، جمعی باین فکرافتادند که باید یاری آنان که احتیاج به کمک دارند، شتافت و چون مردم آن دیار حتی زعمای قوم عادت زیادی باینکار نداشته‌اند و از طرفی جنبه مادی عموم بازماندگان از جنگ بسیار ضعیف بود از طرف دیگر برای آنکه نفس امر برای رضای خدای متعال انجام می‌گردید عده‌ی روحانی دست، بکار اینگونه اقدامات زده‌اند و سالها بطول انجامیده است تا نتوانسته‌اند دیگر مردمان را به نیکی کاریکه در پیش دارند مستحضر سازند و احساسات آنان را چنان برانگیزانند که هر کس بقدر توانائی خود در کار نیکی که در محل او شروع شده کمکی مادی یا معنوی بنماید.

جنگ برای مردم جز نکبت و بدبختی، فقر و تهیدستی، فلاکت و بیچارگی بیار نخواهد آورد و پس از خاتمه هر جنگ عده‌ای معلول،

جمعی مفلوک، دسته‌ای فقیر و برخی یتیم یا اسیر باقی میمانند که محتاج نگهداری و دستگیری هستند که باید از آنها پذیرائی شود تا خرابیهای جنگ را چه از نظر مادی و معنوی و چه از نظر اقتصادی انسانی ترمیم و جبران کنند و برای این منظور راه حل عاقلانه آنست که افراد باقیمانده و سالم بشکرانه سلامت خود و همچنین برای نگهداری استقلال میهن خویش یاری دیگران بشتابند.

بدین واسطه اگر بگوئیم مبدأ و منشاء و انگیزه‌ی اصلی کارهای خیر در اروپای فعلی، جنگ دوم جهانی بوده است گزاف نگفته‌ایم. در اروپای بعد از جنگ این عمل را روحانیون انجام داده‌اند بدین طریق که هر مرد روحانی بنا بطرز تفکر خود راهی در پیش گرفته و از آن راه به کمک محتاجان شتافته و مدت زیادی وقت صرف کرده تا توانسته است عده‌ای را با فکر خود موافق سازد و از آنان بانحاء مختلف کمک بگیرد تا بتواند به یاری درماندگان بشتابد. پیدایش این فکر در روحانیان اروپا نیز انگیزه‌ای جز تعلیمات حضرت مسیح علیه السلام نداشته است، بنابراین وقتی دقیقاً باینگونه کارهای خیر و نیک نگاه کنیم ملاحظه میکنیم که باز انبیا هستند که در نهایت معنویت امور مادی بشر را اداره میکنند و در چنین مواقع خطیری دادرس انسان ناتوان هستند.

دین مبین اسلام که اکمل جمله‌ی ادیان است از این جهت نیز بر دیگر آنان مزیتی دارد و آن ایجاد موقوفات برای چنین روزگاری است.

پیشگفتار  
اسلام بود که خود وقف کرد و این کارنیک را بدیگران آموخت و از صدر اسلام به بعد عده‌ای به پیروی از بزرگان دین مبین در کنار و گوشه جهان اسلام، از مال خود قسمتی یا همه را وقف کردند تا درماندگان از آن استفاده نمایند، و مخصوصاً ایرانیان که همیشه طرفدار کردار نیک، گفتار نیک، پندار نیک بوده‌اند در این مورد نیز دنبال کارنیک را گرفته و ثروت سرشاری از خود برای بدیگران باقی گذاشته‌اند. در ادوار گذشته علاقه مردم به خیرات و مبرات از طریق وقف بسیار بوده و گاهی بعضی پیشرفت مینموده که تصور یکنوع رقابت و هم چشمی را در اذهان بوجود میآورد است.

در این رهگذر باید گفت که سهم امراء و شاهزادگان بیش از دیگران بوده مثلاً بیشتر املاک اطراف اصفهان پایتخت وقت ایران توسط بزرگان صفویه خریداری و به حیطة وقف درآمد است تا جائیکه بقول شایع ملکی باقی نماند تا خیراندیشان دیگر نیز در این امر ارزنده اجتماعی شرکت کنند و با جبار به شهرهای مجاور و دور دست روی میآوردند و املاکی را خریده، وقف میکردند، چنانکه حتی بعد از صفویه هم در بعضی از شهرهای ایران مانند طبس خراسان کلیه املاک و خانه‌های مسکونی وقف بوده است.

چون گذشتگان خیر اندیش چنین تصور میکردند که بر اثر عقاید دینی و مذهبی کسی حاضر نخواهد شد دست به موقوفات گذاشته



و آنها را بصورت املاك شخصى درآورد ، در فكر ضبط و ثبت آنها بصورت امروز برنيامدند و بهمان وقفنامه هاى معمولى ( كه البته يكتوع ثبت بوده ) اكتفا كردند و با اينكه قسمتى از عوايد سرشار اين موقوفات صرف فرهنگ ، بهداشت ، عمران و آبادى مملكت از قبيل راه سازى پل سازى ساختن آب انبار ، مسجد ، مدرسه وغيره ميشد باز بودند افراد آزمنديكه دست تظاول به املاك وقف دراز كردند و آنها را بنام خود يا افراد خانواده خود تصاحب نمودند .

[دولت هاى وقت هم شايد بعلت نبودن دفاتر ثبتى نسبت به ضبط اين ثروت عظيم مى كوتاهى كردند و باين ترتيب املاك وقفى به تدريج يابه علت پايان يافتن دوره وقف ( مانند محبوسه ها ) و بابت سوء نيت بصورت املاك شخصى درآمد و آنچه باقى مانده امروز در دفاتر دولتى ثبت و ضبط گردیده و در سازمانى بنام سازمان اوقاف متركز شده و تحت كنترل دولت قرار گرفته است تا هم در حفظ آنها اقدام شود و هم در مصرف درآمد آنها نظارت گردد .

بنابدايل فوق آمار صحيحى از مقدار رقيات وقفى گذشتگان در دست نيست و نميشود ادعا كرد كه در حال حاضر هم صورت جامع و كاملى از موقوفات موجود در دست است .

نبودن آمار صحيح نمى تواند املاك اين قرار گيرد كه مردم كشور ما از وجود اين قبيل ذخاير مادى و معنوى بى اطلاع بمانند و اقدامات ارزنده بى كه اجداد پاك نهاد ما در طول قرون و اعصار

گذشته ، قرون كه هنوز از صليب سرخ و سازمان هاى خيريه جهاني كوچكترين اثرى نبود ، از طريق معاضدتهاى اجتماعى بعمل آورده اند بطاق فراموشى سپرده شود . روى اين اصل بايد سازمان اوقاف بهتر و بيشتر از امروز در فكر نگهدارى موقوفات معلوم و پيدا كردن املاك و رقيات وقفى كه در حال حاضر بعلت عدم اطلاع پاره بى از مردم مخفى و پنهان مانده است جهد بليغ بنمايد .

در اين زمينه بايد اذعان كرد كه پس از اجراى قانون اصلاحات ارضى و واگذاردن املاك مزروعى به زارعين مأمورين اصلاحات ارضى در بدست آوردن املاك موقوفه اي كه از آنها حتى نامى در سازمان اوقاف نبوده است سهم بسزائى داشته اند و توانسته اند تقريباً تمام املاك مزروعى را آمارگيرى نمايند و سازمان اوقاف صورت بدهند و آمارهاى موقوفات را تا حد زيادى تكميل كنند .

سازمان اوقاف كشور نيز در پيدا كردن و ثبت و ضبط اينگونه موقوفات جهد بليغ كرده است ولى باز هم ميتوان تصور كرد كه ممكنست تعدادى موقوفه باشد كه هنوز دولت از آن بى اطلاع است و شايد اجراى آخرين مرحله اصلاحات ارضى باعث تصرف آنها و بحيطه وقف در آوردن آنها بشود .

در اينجا بيمورد نيست گفته شود كه اشخاصى دامن همت بكر زده و تا آنجا كه توانسته اند در مورد موقوفات كتابهاى برشته تحرير درآورده اند و در آنها نام پاره بى از موقوفات را ذكر



کرده‌اند که زحمات آنان قابل تمجید است .  
 کتبی که تا حال درمورد وقف نوشته شده بیشتر مربوط به وقف در اسلام بوده است و حال آنکه اجداد زردشتی مانیز بخیرات و مبرات عادت داشته و آثاری از خود یادگار گذاشته‌اند که در هیچ یک از کتب مذکور نامی از آنها برده نشده است . از اینرو در این رساله فصلی اختصاص به نذر و نیاز در ایران قبل از اسلام داده شد زیرا با وجود آنکه این آثار بصورت وقف در اسلام نیست ولی از نظر نفس امر قابل ملاحظه است .  
 همچنین در این رساله کوشش شد تا حتی الامکان این نوشته ساده و روشن باشد و تا آنجا که مقدور بود سعی شد طرز وقف طوری پرشده‌ی تحریر درآورده شود که هم خدمات عام‌المنفعه‌ای که از طریق موقوفات در سرزمین ما شده بیان شده باشد و هم اینکه چون هنوز نوع دوستی در جامعه ایرانی پایدار است و گاه‌بگاه افراد نیکوکاری پیدا میشوند که از صمیم قلب دارایی خود را برای نگهداری ایتام و تربیت آنها یا معالجه بیماران فقیر و نظیر آن اختصاص داده و مال خود را وقف میکنند ، در ترتیب و تنظیم رساله روشی اتخاذ شده باشد که تاحدی مورد استفاده آنان واقع شود .

مینودخت مصطفوی رجالی

آبان ماه ۱۳۵۱

## فصل اول

نذر و نیاز در ایران قبل از اسلام

در قرون اولیه زندگی انسان بر روی زمین ، بشریکه نه دین داشت و نه بآئین پایبند بود ، از عواملی میترسید و وحشت داشت و عوامل دیگر را حیات بخش میدانست و همیشه از پدیده های وحشت زا فرار میکرد و آن دیگری را دوست میداشت . بنظر میرسید که بمرور زمان از این دو عامل برای خود خدایانی ساخته و مورد پرستش قرار داده باشد .

بشر اولیه از ترس عوامل وحشت و در عین حال دوری از آنها

یا برای جلب عوامل حیات بخش و تقریب بآنها بفکر خود، دست بکارهایی زده تا از ترس و هراس او کاسته شود. از آنجمله جادوگری آموخته تا بدینوسیله پدیده‌هایی از زندگی را که تصور میکرد به ضرر او است، بخود جلب کند و کم‌کم از این پدیده‌ها مظاهری ساخته و بمرور از این مظاهر رب‌النوع و آلهه بوجود آورده که گاه تعداد آنها بسیار زیاد بوده و پرستش کرده است.

بشر اولیه از نظر حفظ ذات خود برای هر یک از عوامل یاد شده مظهری قائل شده است که بعداً آنها را آلهه یا خدا نامیده و پرستیده است و برای جلب نظر خدایان نعمت و پرهیز از غضب خدایان وحشت اعمالی را انجام میداده که از آنجمله قربانی بوده است و برای انجام قربانی مراسمی در نظر میگرفته و معابد مختلف و قربانگاه‌ها میساخته است عده‌ای نیز در معابد و قربانگاهها بخدمت مشغول میشده‌اند که بعداً حکومت معبد یا قربانگاه با آنها بوده است و کار معبد داری یا باصطلاح امروز تولیت معابد بآنها رسید که کثیف‌ترین اعمال در آنجا رایج شد و در واقع معابدی که از روی خلوص نیت بوجود آمده بود مرکز فساد اخلاقی و فحشا گردید!

۱ - معبد آنرودیت که دختران بایستی قبل از ازدواج بآنها میرفتند و مستحصن میشدند تا مردی هر که باشد با پرداخت پولی هر قدر باشد آنها را بخود بخواند و پس از آن دختر حق ازدواج داشت و این عمل را که معبد «ژنای مقدس» نام‌گذاری کرده بودند.

در ایران باستان بخلاف همسایگان آنزمان، توجه معطوف به مبدئی‌سوی آنچه گفته شد، بوده است؛ مخصوصاً با ظهور زرتشت و دستورات آسمانی او ایرانیان متوجه خدای یکتا بوده‌اند.

زرتشت پیامبر باستانی ظهور کرد و برای هدایت و راهنمایی اجداد و ماجراغ دانش خود را برافروخته و فراراه ایرانیان قرارداد و او امر و نواهی صادر کرد که از آنجمله نذرو نیازها، پیشکش‌ها، اشوداد<sup>۱</sup> و غیره است که صرفاً جنبه تقرب بخدا را داشته است.

در ایران باستان وقف بمعنی امروز وجود نداشته بلکه امور خیر بعنوان نیاز و پاره‌یی از آنها بدون توجه باجر و پاداش دنیوی یا اخروی انجام می‌یافته است و اگر امروز ما موقوفاتی را بنام زردشتیان در کنار و گوشه ایران می‌بینیم به تقلید از اسلام بوده است زردشتیان در مواقع خاصی مال خود را وقف میکردند تا از غضب آن جلوگیری بعمل آورند و بعلاوه مال آنان بین خودشان باقی بماند و بتصرف مسلمین درنیاید زیرا در مواقعی که یکی از افراد خانواده، اسلام آورده و مسلمان میشد بطور کلی ماترک او دیگر بغیر مسلمان تعلق نمی‌گرفت بنابراین وقف در آئین ایران باستان سابقه‌ای چون آئین مقدس اسلام ندارد ولی آنچه از کتب و نوشته‌های زردشتیان برمیآید مسلم است که خیرات و مبرات بنحو احسن و شایسته‌ای مرسوم بوده است و در کتب دینی زردشتی ذکر شده است.

۱ - اشوداد بمعنی بخشش در راه دین و خدا است.

اولین نکته جالبی که از این نوشته ها بچشم میخورد دستور بزرگ پیشوای دینی زردشتیان در مورد پندار و اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک است که « اندیشیدن » را یک نوع پیشکش دانسته است . در « یسنا » موقعی که از پیشکشهای مختلف نام میبرد ، اندیشه نیک را از آنجمله می شمارد و مثلاً پیشکشهای خوب یا نذر و نیازهای خوب بدرگاه اهورا مزدا ، اندیشیدن برای انجام دادن کارهای جهانی یا زندگی است <sup>۱</sup>

باید دید که اندیشه نیک چگونه ممکن است پیشکش بدرگاه اهورامزدا باشد. پیدا است که بر اثر اندیشه نیکو، گفتار و کردار انسان نیکو خواهد بود و از جهتی اعمال نیکو ، کار و کوششی است که انسان بایستی برای بهتر کردن زندگی بنماید و چون اقتصاد آن عصر زراعت و کشاورزی بوده یکی از کارهای مورد توجه دیانت زرتشت قرار گرفته است . بدین مناسبت جهد در بارور ساختن زمین و بهتر نمودن محصول بایستی یکی از طرق تقرب بخدا باشد و بایستی آنرا یکنوع نیاز بدرگاه بی نیاز دانست زیرا موقعیکه زمین آبادان گردید، برزگر از کشت آن استفاده میکند، مردم فقیر از خوشه های اضافی خرمن، حیوانات از کاه و علوفه ی آن و مرغان از دانه های بازمانده از درو . بنابراین فکر آبادی بخاطر نتایج حاصل از آن که رفاه جانداران دیگر میباشد مستحسن شمرده شده و آنرا یکنوع « پیشکش » بدرگاه خدا

۱ - بررسی یسنا - تألیف سرگرد اورنگ صفحه ۳۴۲ - سطر ۱۲ چاپ تهران

نامیده است .

درهات چهارم تکه ی یک ذکر شده است که : « ..... همه اینها را میدهم و میبخشم و پیشکش میکنم . » این جمله را نویسنده ( بررسی یسنا ) اینطور تفسیر کرده است .

« سخنان این بخش درباره نذر و نیاز دادن »  
 « بدرگاه خدا با بجهان زندگی پیشکش نمودن و »  
 « ارمان فرستادن است . آنچه در این تکه یاد شده »  
 « و از سوی سراینده یسنا پیشکش میشود بدو گونه »  
 « است : یکی از راه اندیشه و گفتار و کردار و برتری »  
 « و دیگری برخی قروضه های دیگر معنوی است . جوهر »  
 « دیگر از این چیزها نیست که بتوان آنها را »  
 « بدیگران بخشید ، مانند خوردنیها و آشامیدنیها »

از این تفسیر یسنا چنین برمیاید که در ایران باستان نذر و نیاز و صدقات جاریه بدو صورت انجام میگرفته است :

نخست آنکه هر فرد باید برای ستایش پروردگار خود دارای اندیشه ی نیک ، گفتار نیک و کردار نیک و قبلاً گفته شد که یسنا اندیشیدن را برای انجام کارهای جهانی و زندگی یکنوع پیشکش خوب یا نذر و نیاز خوب بدرگاه اهورامزدا دانسته است . بنابراین اندیشه نیک ، کردار نیک و گفتار نیک جنبه نذر و نیاز را پیدا میکند.

دوم آنکه پیشکش ها و بخشیدن آنها ( نذر و نیازها ) را از جهت

عنصر مادی آن در نظر گرفته و برای مثال خوردنیها و آشامیدنیها را ذکر کرده است .

خوردنیها و آشامیدنیها یا دانه هائست که از زمین حاصل میشود یا گوشت و شیر حیوانات خواهد بود . بنابراین نوع دوم نذرونیازها یا بزبان یسنا پیشکشها بایستی زراعت و دامداری باشد یا نان و گوشت (خوردنیها) یا شیر (آشامیدنیها) تا آنها را بتوان پیشکش داد و این مطلب از عبارت زیر :

«... در اینجا راهنمایی میکند که از جانداران»  
 « سودمند نگهداری نمایند و آنها را به نیکی »  
 « پیوراند و یکسانی که نادانند بدهند و ببخشند »  
 « تاهمه مردم از سود این جانداران برخوردار گردند. »

کاملاً مستفاد میشود که یکی از کارهای نیک، پرورش دام است، نه تنها بمنظور استفاده شخصی بلکه دستور دینی این است که حیوانات سودمندی مانند گاو و گوسفند را خوب نگهداری کنند و خوب پرورش دهند، سپس از آنها باشخاص فقیر و یتوا ببخشند تا همه مردم از نفع این حیوانات بهره مند گردند و این بخشش بصورت نیاز انجام میگرفته است .

با توجه بمطالب بالا باید دانست که در ایران باستان کارهای

۱ - بررسی یسنا چاپ تهران نوشته ی سرگرد اورنگ صفحه ۳۴ سطر

۲۱ بعد .

خیری که امروز ما از آن بنام وقف یاد میکنیم مسلماً وجود داشته متنها به سه صورت زیر انجام میگرفته و هنوز در بین زرتشتیان رواج دارد.

یکم اشوداد      دوم نیاز      سوم گهنبار

### اشوداد

اشوداد مرکب از دو کلمه «اشو» و «داد» است. «اشو» بمعنی «در راه دین» و «داد» از فعل دادن و بمعنی بخشیدن است . بنابراین، این کلمه را میتوان بخشیدن در راه دین یا بخشش در راه خدا معنی کرد. این بخشش صرفاً بمنظور تقرب بخدا بوده و مال مورد بخشش ممکن است ملک، جامه، خوراکی و غیره باشد و بدین طریق انجام میگرفته که شخص بخشنده، مال خود را یا به سویدان میبخشیده یا برای مصارف خیریه زیر نظر سویدان قرار میداده و یا اینکه شخصاً آنها را بین مستحقین و یتوایان تقسیم مینموده است .

### نیاز

نیاز عبارت از اینست که وسایل و لوازم معبد و پرستشگاهی را خریداری و در اختیار پرستشگاه بگذارند، مثلاً فرش، چراغ و غیره را تهیه کرده و به معبد تقدیم نمایند .

### گهنبار یا گاهان بار

در ادیان مختلف مذکور است که خدا دنیا را در شش روز آفرید و زرتشتیان عقیده دارند که اهورا مزدا دنیا را در شش هنگام آفرید و برای این شش هنگام شش جشن گرفته میشود که مدت هر جشن پنج روز است و چهار روز اول مقدمه جشن بوده و روز پنجم مقدس و محترم است این شش هنگام عبارتست از نیمه‌ی اردیبهشت پانزدهم تیرماه، سیام شهریور، سیام مهرماه، بیستم دیماه و آخر اسفند هر سال<sup>۱</sup>

باین ترتیب در سال شش مرتبه و هر مرتبه پنج روز جشنی برگزار میشده که گهنبار نام دارد و در این جشنها پس از انجام دادن مراسم دینی، خوردنی و آشامیدنی بین نیازمندان تقسیم میشود و در ضمن نام در گذشتگان را نیز ذکر مینمایند.

در کتاب «سدر»<sup>۲</sup> که برگزیده‌ی از نوشته‌های زند و پازند است و از پهلوی به پارسی ترجمه شده و در واقع کتابی است در مورد

۱ - جشنهای ایران باستان نوشته سرگرد اورنگ صفحه ۳۰ بعد.

۲ - کتاب «سدر» در خصوص تعلیمات دینی زرتشتیان نوشته شده و از پهلوی به پارسی ترجمه گردیده این کتاب دارای یکصد قسمت است که هر قسمت را «در» بمعنی باب نامیده است.

تعلیمات دینی زرتشتیان در مورد داد و دهش مطالبی ذکر شده است که ما در اینجا قسمتی از آن را نقل میکنیم و یا مضمون عبارت را ذکر مینمائیم.

بطور کلی در کتاب مذکور در مورد داد و دهش که ما از آن به خیرات و میرات یاد میکنیم نکات جالبی ذکر شده است. مثلاً بخشش به مستحقین، برای کفاره گناه، برای نگهداری آتش، برای در گذشتگان و اموات، حتی برای نگهداری حیوانات و در همه جا برای خیرات و داد و دهش قائل به پاداش و ثواب گردیده و ثواب خیرات را آنقدر بزرگ دانسته که اگر کسی دیگری را وادار به خیرات کند نیز دارای اجر و پاداش خواهد بود.

یکی از نمازهای زرتشتی بنام «بتاهووتبرو»<sup>۱</sup> میباشد که از نمازهای بسیار ارجمند و پرارزش بوده و در آن دستوراتی برای زندگی این جهان و دنیای باقی داده شده و بهمین مناسبت برای آن ثواب بسیار قایل هستند، در آخر این نماز آمده است که «دونیروی پادشاهی و خدائی از آن کسی است که درویشان را یاری دهد» این نماز سرود است و دارای سه بند میباشد.

مترجم «سدر» تفسیری بر نماز مذکور بدین مضمون نوشته است که در بند اول نماز، دونیرو را برای آبادانی کشور لازم دانسته: یکی نیروی جهانی یا پادشاه عصر است و دیگری نیروی

۱ - سد در نوشته‌ی سرگرد اورنگ صفحات ۳۴ و ۳۵.



معنوی با اولیای دین و مردمان دانشمند. این دو نیرو بهم وابسته است و از طرف عموم افراد بایستی گرامی داشته شوند. در بند دوم نماز میگوید «بخش فرشته، فرشته بهمن<sup>۱</sup> از آن کسی است که از روی اندیشه پاک تنها برای خدا کار کند.....» که منظور از اندیشه نیک و کردار نیک است بدون ریا و آرزوی خلوص نیت و فقط بمنظور تقرب بخدا و در بند سوم نماز میگوید «بخش پادشاهی ایزدی و کمک و نیروی اهورامزدا برای کسی است که بینوایان و درویشان را یاری کند و به بندگان خدا خدمت نماید».

که در اینجا منظور از بخشش پادشاهی ایزدی و نیروی اهورا-مزدا همان اجر و ثواب و پاداش است که در نتیجه کمک به بینوایان عاید کمک کننده میشود زیرا در بند دوم متذکر بوده است که امور خیر بایستی برای رضای خدا و خالی از ریب و ریا باشد. علاوه بر اینکه دین باستانی ایران، مردم را به داد و دهش و خیرات و کارهای نیک دستور میدهد و برای آن پاداش قائل است برای کسانی که دیگران را تشویق و ترغیب بخیرات کنند نیز قائل با جرو ثواب شده است. در بیست و دوم از کتاب «سدر» در این باره چنین مینویسد:

۱ - بهمن یکی از فرشتگان بزرگ است که در کار مردمان خیراندیش کمک مینماید.

«اینکه جاوون گوئی<sup>۱</sup> مانند آنستکه کسی  
«بزشن<sup>۲</sup> یزدان میکند پس بایسته بود که پیوسته  
«برای موبدان و دستوران و ارزانیان<sup>۳</sup> جاوون  
«گوئی کنند چه در زند با دوخت<sup>۴</sup> گوید  
«هرکس جاوون گوئی کند واز بهر ایشان چیزی  
«از مردم بگیرد و  
«بی کم و کاست برساند چنان باشد که از  
«خواسته خوشتن بآنها داد، باشد و یزدان مینوی  
«اماده<sup>۵</sup> کنند و هسانگونه برای کسی که داده  
«است کرفته<sup>۶</sup> برآورد کنند، برای آنکس  
«نیز که به داد و دهش کردن وادار نمودن هسانجور  
«کوفه بنویسند.»

و از این عبارت چنین برمیآید که ثواب تشویق کنندگان با سور خیر برابر با ثوابی است که خود نیکوکاران و خیرخواهان میبرند.

۱ - گفتگو کردن برای داد و دهش است عبارت دیگر (جاوون گوئی)  
تشویق دیگران است بخیرات و بخشش به نیازمندان و دستگیری از درویشان و در واقع میانجی کارهای خیر بودن است.

۲ - نیایش و ستایش پروردگار

۳ - مستحقین و نیازمندان

۴ - تفسیر با گزارش از بخشی از او است.

۵ - حساب و شماره کردن.

۶ - ثواب.

حال باید دید که کتب دینی زرتشتیان، داد و دهش و خیرات و مبرات را به چه نوع اشخاص اختصاص داده است.

آنچه در کتاب (سدر) مذکور افتاده است این داد و دهشها بایستی اختصاص به مستحقین و مخصوصاً در گذشتگان و اموات داشته باشد لیکن در ضمن بعضی از دستورات، بخشش برای نفس خود و کفاره گناهان را نیز تجویز کرده است. در عین حال برای نگهداری آتش و فروزان بودن آن و همچنین نگهداری بعضی از حیوانات مفید نیز خیرات را لازم دانسته است ما در اینجا قسمتهائی از این دستورات را ذکر میکنیم.

#### دادهش برای نیازمندان و مستحقین:

برای اطعام مساکین و بخشش به مستحقین در چند باب از کتاب «سدر» دستوراتی داده شده است در بیستم از کتاب مذکور چنین مینویسد:

«اینکه بر بهدینان ۱ بایسته است که»  
 «پیوسته چیز خوردنی به ارزانیان ۲ بدهند زیرا»  
 «در دین گوید چون کسی را چیزی بدهی تا بخورد،»  
 «هر کار تیکه که در سیری کند آنکس که نان»

«یا دیگر خوردنی باو داده باشد، همچنان بود»  
 «که بدست خویش کرده است و اگر گناهی کند»  
 «آنکه خوردنی باو داده بی گناه باشد ولی باید»  
 «بهدین و ارزانی بود.»

در این دستور دینی دو نکته جالب توجه است یکی اینکه (پیوسته چیز خوردنی به ارزانیان بدهند) که منظور اطعام مساکین است و وقتی برای آن تعیین نشده است بنابراین هر زرتشتی در هر موقع به بینوائی برخورد کند بایستی او را سیر کند و نکته دوم انحصار کردن اطعام بر بهدینان است و غیر بهدین را مشمول این عنایت ندانسته اند.

#### در جای دیگر مینویسد:

«اینکه چون دادی و دهش کند، باید که بارزانیان»  
 «کند و اندیشیدن این کس که کس که این چیز»  
 «بدو میدهم ارزانی است با نه ۱»

در این باب دستور صریح بر اینست که حتماً باید به مستحقین داد و دهشی کرد و در موقع اطعام با هرگونه بخششی دیگر باید یقین داشت که اطعام شونده بینوا و نیازمند است.

در شصت و پنجم «باب ۶۵» از کتاب «سدر» پس از آنکه دستوراتی در خصوص سپاسداری و نیکی میدهد و از مردم ناسپاس

به بدی یاد می‌کند بپاد دین زرتشت را بر چهار رکن استوار می‌داند و توضیح می‌دهد که :

« چند چیز است که میباید به دینان در خویش بدید »  
 « آوردن و آنها را شیوه خود سازند یکی رادی کردن »  
 « بارزانیان ، دوم راستی کردن ، سوم بر همه »  
 « کس مهربان بودن چهارم یکدل و راست بودن و »  
 « دروغ از خویش باز داشتن و این چهار خوی بنیاد »  
 « دین زرتشت است »

که بنا باین دستور بذل و بخشش به بینوایان یکی از ارکان چهارگانه دین ایران باستان محسوب میشود و چون رکن دین است هر فرد زرتشتی موظف بانجام آن میباشد .

#### خیرات برای درگذشتگان :

در دیانت زرتشت ، پیمبر باستانی ایران ، دستوراتی برای یاد کردن از روح در گذشتگان و انجام اعمالی که باعث شادی آنان باشد صادر کرده و مقرر داشته است که در مواقع معین از سال بیاد روان مردگان باید بود .

۱ - رادی بمعنی سخاوت و بخشش و کرم .

در باب ششم از کتاب «سدر» در اینخصوص اینطور نوشته است :

« اینکه چند کوفه ۱ است که چون کنند مژده ای ۲ »  
 « بزرگ ببینند و اگر نکنند بر سر چیتودیل ۳ باد افرا ۴ »  
 « گران بستانند ، یکی گهنبار ۵ است ، دوم »  
 « فروردیان ۶ بجای آوردن است ، سوم یاد کردن »  
 « از روان پدران و مادران و خویشاوندان »  
 « است ..... »

در این باب شش مورد را نام میبرد که زرتشتی باید آنرا انجام دهد و آن شش مورد عبارت است از گهنبار ، فروردیان ، یادآوری روح مردگان ، نیایش سه مرتبه در روز ، سه مرتبه نماز در هر ماه و در شبها ، یکبار نماز بجا آوردن در مواقع مخصوص از سال ، که مورد نظر ماسه دستوراوول است که جنبه خیرات و مبرات دارد و بهر حال هرگاه کسی این دستورات را انجام ندهد بر پل صراط معطل میماند تا کیفر گناه خود را ببیند و مهمتر آنکه اگر کسی باین دستورات عمل ننماید هر چند کارهای نیک بسیار بکند جبران گناهان را نکرده و حتما باید کیفر ببیند و این اعتقاد ، با این شدت وحدت سبب میشود که مسلماً هر فرد زردشتی اقدام بخیرات برای روان

۱ - ثواب - ۲ - مزد و پاداش ۳ - پل صراط - ۴ - کیفر - ۵ - شش جشن بزرگ که بیاد آفرینش جهان در شش هنگام گرفته میشود ۶ - فروردیان ده روز بآخر سال و نوزدهم فروردینماه است که در این ایام بیاد روح درگذشتگان خیرات میکنند .

مردگان بنماید . البته در کتاب «سدر» دستور آمده است که اگر اقدام باین شش امر بنماید پاداش نیک خواهد داشت .

در باب دوازدهم « در دوازدهم » میگوید لباسی که برتن مردگان باید کرد باید کهنه باشد ولی جامه نو بردرون چهارم بایستی نهاد تا هم روان مرا از آن سودی بودی و هم ترا این رنج و آزار نرسیدی و از « درون چهارم » اینطور تفسیر شده است که روان هر کس تا سه روز بر بالین جسد میماند و روز چهارم ترك علاقه میکند بدین مناء بت صبح روز چهارم مویان بمنزل کسی که در گذشته است میروند و به درگاه خدائیش میکنند و بازماندگان بایستی پارچه سفیدی را که بنام « جامه اشوداد » خوانده میشود به نیازمندان بدهند و مقدار این پارچه بستگی بجنس مرده دارد ، بعبارت دیگر اگر مرده مرد بود هیجده مترو نیم و اگر زن بود شانزده مترو نیم پارچه باید داده شود .

زرتشتی معتقد است که برای در گذشتگان باید سال گرفت و در روز سال هر مرده بایستی خیرات کرد و در اینروز باید برای شادی روان آنان به درگاه خدا نیایش کرد و انواع خوردنیها نان ، گوشت ، میوه و نان روغنی خیرات نمود و علاوه نمازهای مخصوصی را باید بجای آورد زیرا در اینروز روان مرده بخانه خویش بر میگردد و باخود مهمانانی میآورد و اگر بازماندگان در فکر روان در گذشتگان نباشند نزد خدا شکوه و شکایت مینمایند در اینخصوص در سیزدهم

چنین نوشته است .

« اینکه روان پدران و مادران و خویشان را نیکو »  
 « باید داشتن و چون روز ۱ ایشان شود کوشش »  
 « باید کردن نیرشن ۲ و میزد ۳ و درون ۴ »  
 « وافرنگان کنند ۵ .... »

در جای دیگر میگوید در ده روز آخر سال که روان در گذشتگان بزمین میاید هر کس باندازهی قدرت و توانایی خویش نان و غذا و میوه و دیگر خوراکیها باید تهیه کرده و خیرات نماید و این ده روز را با این اعمال بر همه کس واجب دانسته است زیرا در این ایام است که ارواح بدنیای خاکی ما بر میگردند و بخانههای خود میروند و خبر میگیرند و اگر برای آنان ، خیرات شده باشد ، بر مردان و زنان آن خانه آفرین میگویند و آنان را دعا میکنند و در روز قیامت روان آنانرا پذیره میشوند و از خدا میخواهند که قسمتی از ثواب خود

- ۱- منظور روز سال مرده است
- ۲- خواندن نماز و نیایش بدرگاه خدا .
- ۳- چیزهای خوردنی است که بیاد در گذشتگان خیرات میکنند مانند گوشت و نان و میوه و غیره .
- ۴- معنی چند نان میدهد که با روغن درست میکنند و معنی دیگر آن دادن سال یا طعام و سوره مهمانی است .
- ۵- در ۱۳ صفحه ۴ کتاب سد در .

را بکسان آنها بدهد و برای گذشتن از پل صراط آنها را یاری میکنند. بدینمناسبت از روان پدران و مادران و خویشاوندان پذیرائی باید کرد تا آنها از انسان خوشنود باشند و درغیراین صورت روان درگذشتگان انسانرا نفرین میکند<sup>۱</sup>

درجای دیگر میگوید موقعیکه کسی از دنیا رفت سه روز باید یرایش کتابهای دینی خوانده شود و درشب چهارم نیز باید اعمال دینی دیگری انجام داد و درعین حال لباس دوخته‌ی نواز همه نوع مانند دستار، یرایش بالا پوش، کمر بند، شلوار و کفش خیرات شود. زیرا درآن دنیا عین آنرا بروح مرده میبخشند و سعی باید کرد که البسه زیبا باشد تا درآن جهان نیز لباس زیبا بتن مرده بنمایند و دربرابر روان دیگران سرافراز باشد و الا نگران و شرمسار خواهد بود<sup>۲</sup>

### خیرات برای کفاره گناهان

زرتشتی معتقد است که زن حائض ممکن است درایام مخصوص دوازده مرتبه گناه کرده باشد بنابراین باید بکفاره آن به درگاه خدا نیایش کند و خیرات نماید تا گناهان او بخشوده شود.

۱- در ۳۷ از کتاب سد در نقل بمضمون صفحات ۷۲ تا ۷۵

۲- در ۸۷ از کتاب سد در صفحه ۱۱۷ بعد نقل بمضمون

### نگهداری آتش

در دین زرتشت آتش محترم است و آنرا آتش بهرام<sup>۱</sup> میگویند آتش باید در شهر یا ده فروزان باشد و آنرا مواظب کنند و هیزم لازم برای نگهداری آن بدهند و علاوه به کسی که آتش را میافروزد و پاسبانی میکند باید جیره و مقرری و مستمری بدهند تا با خاطری آسوده باینکار مقدس مبادرت کند<sup>۲</sup>.

### نگهداری حیوان

دین زرتشت از نظر آنکه سگ حیوان پاسبانی است نگهداری و محافظت او را لازم دانسته و دستور داده که اگر سگی خفته باشد نباید چنان راه رفت که صدای پا حیوان را از خواب بیدار کند. نباید سگ را کتک زد زیرا این حیوان پاسبان مردمان و گوسفندان است و هر موقع که بانگ بلند میکند دیو و دروغ میروند و از جایگاه خود فرار می نمایند و درخصوص نگهداری این حیوان دستور میدهد که:

۱- بهرام یا وره رام بمعنی پیروزی است.

۲- درسی و نهم صفحه ۷۵ از کتاب سد در نوشته سرگرد اورنگ.

- « اینکه هرگاه نان خورند سه تیکه از خویش »  
« باز گیرند و بسک بدهند و سگ را نباید زدن »  
« چه از درویشان ۱ هیچکس درویش تر از سگ »  
« نیست پیوسته باید بآن نان دادن چه که »  
« کرفه ۲ بزرگ باشد ۳ »

بنابر آنچه گفته شد مسلم است که در ایران باستان و آئین بهدینان صدقات و نذورات وجود داشته و هنوز پیروان این کیش باین امور خیر مبادرت میورزند و از راههای مختلف بکارهای نیک مانند آبادانی زمین دستگیری از درماندگان و متوجه ساختن اغنیا به مستمندان توجه مخصوص مبذول میدارند و یقین است که در ایران باستان وقف وجود داشته و از محل درآمدهای عین موقوفات آتشکده ها همواره تابناک بوده و پیرامون آن جشنهای مختلف برپا میشده و بعلاوه موبدان و دستوران و ردان از درآمد این موقوفات امرار معاش میکردند تا با خاطری آسوده بتوانند مهمات امور دینی ایرانیان را حل و فصل نمایند کما اینکه در حال حاضر نیز در بعضی از شهرستانها مانند یزد و شیراز موقوفاتی از زرتشتیان دیده میشود که اختصاص بامور عام المنفعه دارد .

۱ - درویش را بمعنی بینوا گرفته است .

۲ - کرفه بمعنی ثواب است .

۳ - درسی ویکم از کتاب سدر جفحه ۶۶ نوشته سرگرد اورنگ .

## فصل دوم



دین مبین اسلام ظهور کرد و برای اجتماعات بشری  
نیکی و خیر بارمغان آورد. تمام ادیان آسمانی مبشر  
اخلاق اجتماعی بودند و دین اسلام که از هر جهت کامل  
بود از نظر اخلاقی هم دستورات جامعی دربرداشت تا آنجا  
که باذن از بین طایفه غفاری پیدا شد. اسلام برای اجرای  
عدالت اجتماعی و توزیع ثروت و بر انداختن فقر و فاقه  
که خود عامل اصلی و اولیه بسیاری از انحرافات اخلاقی  
و فساد اجتماعی است، قوانین عالی مالیاتی چون خمس،  
و زکوة وضع فرمود و در عین حال اغنیاء را تشویق به  
خیرات و میراث کردن تا بفقرا کمک و یاری شود و ریشه  
اصلی فساد قطع گردد و حتی مالداران را از جمع و نگهداری  
ثروت و بکار نینداختن آن بر حذر داشت، و در این مورد  
آنقدر تأکید فرمود که یکی از علائم ایمان صحیح باسلام  
را اتفاق به فقراء و تهیدستان و دستگیری از بینوایان و  
زیر دستان دانسته است. و برای آنست که باین امور خیر  
اقدام میکنند درجات بلند و روزی نیکو پیش بینی کرده است  
قرآن کریم در مورد تعریف مؤمن باسلام میفرماید:

« انما المؤمنون، الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم »  
 « و اذا تلى عليهم آياته زادتهم ایمانا و علی ربهم »  
 « یتوکلون »  
 « الذين یقیمون الصلوة و ما رزقناهم ینفقون . »  
 « اولئک هم المؤمنون حقاً لهم درجات عند ربهم »  
 « و مغفرة و رزق کریم . »

مؤمنان آنهایی هستند که چون ذکرِ خدا شود دل‌هایشان  
 ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها بخوانند بر مقام ایمانشان  
 بیفزایند و بخدای خود در هر کار توکل میکنند . آنهاییکه نماز  
 بپا میدارند و از هر چه روزی آنها کردیم به فقرا انفاق میکنند .  
 آنها بر راستی و حقیقت اهل ایمان هستند و نزد خدا مراتب بلندی  
 دارند و آمرزش و روزی نیکو مخصوص آنها است .

قرآن کریم در بسیاری از آیات، مؤمنان باسلام را دستور به  
 انفاق و خیرات و مبرات و کارهای نیک و اعمال حسنه فرموده است  
 در این آیات شریفه خدای بزرگ مردمان خیر و نیکو کار را بطرف خود  
 مستظهر میدارد و در مقابل اعمال خیر خواهانه آنان وعده‌های نیک  
 میدهد . آنچه در قرآن کریم در مورد خیرات و مبرات و دستگیری از  
 فقرا و مسکینان آمده است آیات بسیاری است که بعنوان شاهد چند  
 آیه شریفه در اینجا ذکر میشود .

۱ - آیات ۲ - ۳ - ۴ از سوره انفال .

قرآن کریم در آیه ۲۶۴ از سوره دوم « بقره » میفرماید :  
 « و مثل الذين ینفقون اسوالهم ابتغاء مرضات الله و تنبیها »  
 « من انفسهم کمثل جنة بریوة اصابها و ابل فأتت »  
 « اکلها ضعفین فان لم یصبها و ابل فطل والله »  
 « بما تعملون بصیر . »

مثل آنانکه مالشان را در راه خدا انفاق میکنند و با کمال  
 اطمینان خاطر بطرف خدا شاد میدارند مثل بوستانی است که در زمین  
 بلندی باشد و بر آن باران فراوان و بموقع بیارد و ثمره و حاصلی چندان  
 که انتظار دارند بدهد و اگر باران بسیار نیارد اندک بیارد تا بمر  
 برسد و خدا بکار نیکان بصیر و آگاه است .

« مثل الذين ینفقون اسوالهم فی سبیل الله کمثل »  
 « حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة »  
 « والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم . »

مثل آنانکه مالشان را در راه خدا انفاق میکنند مثل دانه ایستکه  
 از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا بر هر که  
 خواهد میافزاید چه خدا را رحمت بی انتها است .

« و ما انفقتم من نفقة او نذرتم من نذر فان الله »  
 « یعلمه . . . . . »

هر چه انفاق کنید یا نذر بدهید خدا میداند . . . . .

۱ - آیه ۲۶۱ سوره دوم .

۲ - آیه ۲۷۱ سوره دوم .

« آمنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلكم مستخلفين »

« فيه فالذين آمنوا منكم وانفقوا لهم اجر كبير »

بخدا ورسول ایمان بیاورید و از آنچه شما را وارث گذشتگان گردانید انفاق کنید زیرا برای شما پاداش بزرگ خواهد بود.  
و در مورد اینکه چه چیز و بچه کس و چه موقع و چگونه و برای چه باید انفاق و خیرات نمود آیاتی موجود است که برای نمونه چند آیه در اینجا نقل میشود.

#### الف - چه چیزی باید خیرات داد ؟

۱- یسئلونک ماذا ینفقون ؟ قل - ما انفقتم من خیر .....<sup>۱</sup>  
از تو سؤال میکنند چه انفاق کنیم ؟ بگو - هر آنچه از مال خود انفاق کنید . که آیه حکم عام دارد و مورد را بشری خاصی منحصر نفرموده است و بنابراین برای انفاق در راه خدا از هر چه یک نفر مسلمان بتواند پنحو شرعی صاحب شود میتواند از آن خیرات بدهد .

۲- یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم وما اخرجناکم من الارض ولا تیمموا الخبیث منه تنفقون .....<sup>۲</sup>

ای اهل ایمان از نیکوها هر چه اندوخته اید بکسب و تجارت و آنچه برای شما از زمین میرویانیم انفاق کنید و بدها را برای انفاق معین نکنید .....<sup>۳</sup>

۱- سوره ۵۷ آیه ۷      ۲- آیه ۲۱۵ سوره ۲      ۳- آیه ۲۶۷ سوره ۲

۳- انفقوا مما رزقناکم .....<sup>۱</sup>

و از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا انفاق کنید .

#### ب - چه موقع باید انفاق کرد ؟

در جواب این سؤال که چه موقع باید انفاق کرد ، قرآن کریم میفرماید :

« الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانية »

« فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم »

« یحزنون . »

کسانی که مال خود را در شب و روز پنهان و آشکارا انفاق کنند آنانرا پاداشی نیکو نزد پروردگارشان خواهد بود و هرگز از آینده بیمناک و از گذشته ، اندوهگین نخواهند گشت . که بنا بمنهوم آیه شریفه انفاق کردن و خیرات در راه خدا وقت معین ندارد و در هر موقع باید این کار را انجام داد . البته خیرات وسیلهی وصیت بدینطریق است ، که شخص وصیت کند از ثلث ما ترک او بعد از مرگش پنحوی از انحاء خیرات شود نیز در نزد خدا بی اجر و پاداش نخواهد بود ولی چه بهتر که شخص در زمان حیات خود مبادرت باعمال خیر و کارهای نیک بنماید زیرا بسا اتفاق میافتد که شخص بر اثر اجل ناگهانی از دنیا برود و فرصت وصیت کردن پیدا نکند که در چنین حالی دست انسان تهی و از دنیا کوتاه شده است .

۱- آیه ۱۱ سوره ۶۳ .

« و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یأتی احدکم »  
 « الموت فیقول : رب لولا اخرتني الی اجل »  
 « قریب فاصدق واکن من الصالحین »

و از آنچه روزی کردیم شما را در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرارسد و در آن حال میگوید : پروردگارا مرگ مرا اندکی بتأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکو کاران شوم .

برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست  
 الذین ینفقون فی السراء والضراء . . . . .

آنها نیکه از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق میکنند .  
 بنابراین قرآن حکیم از قول خداوند کریم بکسانیکه در شب یا روز در خفا یا آشکار و در هر موقع از زندگانی بفقراء و تهی دستان نیکو و احسان مینمایند و عده پاداش نیکو میدهد .

### ج - بچه کسانی باید انفاق کرد ؟

خدای بزرگ پاسخ این سؤال را در آیه ۲۱۱ از سوره دوم « بقره » بدین ترتیب بیان فرموده است :

«...فللوالدین والافریین والیتامی والمساکین »  
 « و این السبیل . . . »

که باتوجه بصدر آیه شریفه ترجمه آن بشرح زیر است :

هرآنچه از مال خود درباره پدر و مادر و خویشان و تهیدستان و رهگذران انفاق کنید روا باشد .

با اینکه نفقه پدر و مادر و بعضی از خویشاوندان در مواقعی بر انسان واجب و جزء تکالیف اوست خدا در این مورد علاوه بر اینکه آنها را مقدم بر دیگران داشته پاداش نیک روز جزا را نیز بر آن متعاقب فرموده است و پس از نام آنها فقرا و مساکین و رهگذرانیکه<sup>۱</sup> در شهرهای غریب بی چیز میشوند مشمول این عنایت قرار داده است .

### د - چگونه باید انفاق کرد ؟

در این مورد قرآن کریم میفرماید :

« ان تبدوا الصدقات فنعما هی و ان تخفوها و »  
 « تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم و یکفر عنکم »  
 « من سیأتکم واللہ بما تعملون خبیر »

اگر انفاق صدقات بطور آشکارا کنید کاری نیکو است و اگر در پنهان بفقیران برسانید نیکوتر است و گناهان شما را جبران کند و خدا به آنچه میکنید دانا است .

۱- منظور از این السبیل کسانی هستند که در شهری فقیر میشوند باید به آنان کمک کرد تا بتوانند خود را به دیار خویش برسانند هر چند که در موطن اصلی بی نیاز باشند .

« یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالین »

« والاذی »

« ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را »

« به منت و آزار تباه مسازید . »

« قول معروف و مغفرة خیر من صدقة یتبعها اذی »

بزیان خوش و طلب آمرزش مسائل را رد کردن بهتر است

تا اینکه صدقه دهند و از پی آن آزار رسانند .

#### ه - برای چه باید اتفاق کرد :

قبلاً گفته شد که یکی از عوامل عمده فساد، در هراجتماع فقر و تهیدستی است . برای آنکه این عامل از بین برود بایستی بنحوی تعدیل ثروت شود و یکی از طرق تعدیل ثروت بذل و بخشش بموقع است بخششها علاوه بر آنکه فقرا و نیازمندانرا بنوا میرساند و دل آنانرا خوش میسازد ، روان بخشنده را نیز شادمان میکند ، بغض و کینه تهیدستانرا برطرف مینماید و اغنیارا بحال آنان دلسوز و مهربان مینماید .

در هر بخشش که انسان میکند علاوه بر اینکه شاید خانواده ایرا خرم و خوشدل مینماید خدای بزرگ را هم خشنود میسازد و نتیجه ای که از این رضایت باری تعالی عاید میشود در این آیه شریفه تصریح شده است که

۱ - آیه ۲۷۱ سوره ۲

۲ - آیه ۲۶۴ از سوره ۲

« و یکفر عنکم من سیأتکم ..... ۱ »

« و خدا بیاداش آن گناهان شما را مستور میدارد . »

« الذین ینفقون اسوالهم باللیل والنهار سرا و علانیه »

« فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم »

« یحزنون ۲ »

کسانی که مال خود را در شب و روز پنهان و آشکار انفاق میکنند آنانرا پاداشی نیکو نزد پروردگارشان خواهد بود و هرگز از آینده بیمناک و از گذشته اندوهگین نخواهند شد .

« مثل الذین ینفقون اسوالهم فی سبیل الله »

« کمثل حبه ..... ۳ »

مثل آنانکه مالشانرا در راه خدا انفاق کنند همانند دانه ایست که از آن هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا از این مقدار بر هر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت نی مبتها است و بهمه کار دانا می باشد .

#### اگر اتفاق نکنند چه میشود ؟

« ها اتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله فتمنکم »

« من یبخل و من یبخل فانما یبخل عن نفسه والله »

« الغنی و اتم الفقراء ۴ »

۱ - آیه ۲۷۱ از سوره دوم .

۲ - آیه ۲۷۴ سوره دوم .

۳ - آیه ۲۶۱ سوره دوم .

۴ - سوره ۴۷ آیه ۳۸ .

آری شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدادعوت میشدید و باز بعضی از شما بخل میورزیدند و هر که در انفاق بخل کند بر ضرر خود اوست و خود را محروم کرده و خدا غنی و بی نیاز است . و شما فقیر و نیازمند هستید .

### نتیجه جمع مال چیست ؟

خداوند بزرگ برای آنانکه پول جمع میکنند و بذل و بخشش نمینمایند و باعمال خیر و خیرات دست نمیزنند و عده عذاب دردناکی را داده است .

قرآن مجید میفرماید :

« والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها »

« فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم » ۱

و کسانی که طلا و نقره را ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکنند

آنان را بعذاب دردناک بشارت ده .

« ویل لكل همزة لمزة - الذی جمع مالا و عدده »

« یحسب ان ماله اخلده کلا لیبذل فی العطمة »

« و ما ادراک ما العطمة - نارا لله الموقدة - الی »

« تطلع علی الائندة - انها علیهم مؤصدة - فی عمد »

« مملدة ۲ »

۲ - سوره ۹ آیه ۳۳ .

۱ - سوره ۱۰۴ .

وای بر هر عیب جوئی هرزه زبان ، همان کسی که مال جمع کرده و دائم بحساب و شماره اش سرگرم است ، ندارد که مال و دارائی دنیا عمر ابدش خواهد بخشید . چنین نیست بلکه محققا به آتش دوزخ سوزان درافتد آتشی که چگونه تصور سختی آن توانی کرد آن آتش را خدا افروخته است و شراره آن در دل ها شعله ور است ، آتشی که بر آنها از هر سوسخت احاطه کرده و مانند ستونهای بلند زیانه کشیده است .

باتوجه باین آیات و آیات بسیار دیگر قرآن مجید ، که ذکر جمله آن در این مختصر نگنجد پیدا است که دین اسلام مردم را بانفاق و بذل و بخشش برای نگهداری ضعفا و فراقگاه تشویق و گاه مرعوب ساخته است .

پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» که دستورات دین مبین اسلام را به مردم میآموخت خود اولین کسی بود که اقدام به صدقه و انفاق کرد . پس از ظهور اسلام پیغمبر اکرم کسی بود که قطعه زمینی را وقف کرد و منافع حاصل از آن را برای رهگذران بعنوان صدقه بذل فرمود . ۱

در کتب شیعه از املاکی که وسیله حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و حضرت علی مرتضی علیه السلام نخستین امام شیعیان وقف گردیده سخن بمیان آمده است و نیز معروف است که باغات

۱ - صحیح بخاری .



صبا و مرجان که در مدینه واقع است از موقوفاتی میباشد که وسیله حضرت امام حسن مجتبی یا حضرت امام زین العابدین بوجود آمده است همچنین حدیثی از نبی اکرم (ص) آمده است که وقتی عمر بن خطاب خلیفه دوم میخواست زمین ملکی خود را صدقه بدهد حضرت باو فرمودند: اصل آنرا برای صدقه قرار بده آنطور که فروخته نشود و بارث نرسد و بخشیده نگردد<sup>۱</sup>.

در اغلب کتب دینی اسلامی در مورد تحریض بوقف کردن و صدقه دادن این حدیث نبوی ذکر گردیده است که:

« اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث صدقة »  
 « جاریه او علم ینفع به او ولد صالح ید عوله بخیره »

هرگاه آدمی بمیرد عمل او در دنیا با استثناء سه مورد قطع میگردد صدقه جاریه یا علمی که از آن سود برد یا فرزند صالحی که برایش دعای خیر کند.

پس از رحلت نبی اکرم (ص) همچنانکه سایر شؤون اسلامی پیشرفت میکرد وقف کردن نیز نضجی پیدا نمود و املاک بزرگ وسیله مردمان خیر اندیش برای امور عام المنفعه وقف گردید و از درآمد سرشار آنها، پلها، کاروانسراها، بازارها، آب انبارها، مساجد، بیمارستانها و دیگر امور نظیر اینها بوجود آمد.

۱ - دائرة المعارف فرید و جدی (نقل از کتاب تاریخچه وقف در اسلام تألیف دکتر علی اکبر شهابی استاد دانشگاه تهران).

در زمان خلفای عباسی که پایه خلافتشان را ایرانیان نهاده بودند، در زمان آل بویه، غزنویان، سلجوقیان، تیموریان چه در ایران و چه در خارج از ایران موقوفاتی وسیله شاهان و وزرای آنان پیدا شد که درآمد این موقوفات صرف امور عام المنفعه یا دستگیری فقرا و ابتاء سیل میشد یا بمصرف ساختن پل، حمام، بیمارستان، مدرسه جاده و غیره میرسید که از آنجمله میتوان بیمارستان معروف عضدی را در بغداد و دانشگاههای نظامیه بغداد و نیشابور را نام برد. این بطوطه که از سیاحان اسلامی است در سیاحتنامه خود موسوم به (تحفة النظارفی غرائب الامصار وعجائب الاسفار) مینویسد.

در اصفهان، نزد شخصی منسوب به شیخ علی بن سهل شاگرد جنید وارد شدم این خانقاه بزرگی است که مردم از همه سوی آنجا روی میآورند و زیارت قبر شیخ تبرک میجویند. در آنجا برای هر وارد و صادوی طعام مهیا است و دارای گرمابه باشکوهی است که کف آن از سنگ رخام فرش شده و دیوارهایش با آجر کاشی تزئین گردیده است. این حمام وقف است برای عموم مردم که هر کس میتواند بی پرداخت مزد داخل گرمابه شود<sup>۱</sup>.

باتوجه باینکه این بطوطه در اوایل قرن هشتم هجری مبادرت به سفر کرده است معلوم میشود که در آن زمان موقوفات بصورت بسیار عالی انجام میگرفته است نامبرده در جای دیگر مینویسد:

۱ - نقل از تاریخچه وقف تألیف دکتر علی اکبر شهابی استاد دانشگاه تهران صفحه ۹ ستون اول سطر ۳ به بعد.

«..... از آنجمله است بقعه احمد بن موسی برادر حضرت علی بن موسی الرضا و اهل شیراز بدان متوسل بوده و تبرک میجویند. تاشی خاتون مادر سلطان ابواسحق، در آنجا مدرسه بزرگ و خانقاهی ساخته که برای هروارد و صادری طعام آماده است و هر شب دوشنبه زیارت آرامگاه میرود و در آن شب قاضیان و فقیهان در آنجا جمع میشوند<sup>۱</sup>. در جای دیگر از موقوفات مسجدی واقع در شیراز چنین تعریف میکند:

«روزی از یکی از بازارهای شیراز میگذشتم. در آنجا مسجدی دیدم که دارای بنای استوار و فرشهای نیکو بود. در میان مسجد قرآنهائی در جلد حریر بر کرسی دیده میشد..... در آنجا پیری نیکو منظر و خوش لباس نشسته و مشغول تلاوت قرآن بود، براو سلام کردم و نزدیکش نشستم.... گفت این مسجد را من ساختم و موقوفات بسیاری برای قاریان و غیر آنان وقف کرده‌ام<sup>۲</sup>.

مجله ملید و سیاه شماره ۶۶۸ سال ۱۳ مورخ ۱۷ تیرماه ۵۴ صفحه ۳۵ تحت عنوان (شگفت‌انگیزترین چهره تاریخی جهان یازندگی تیمور لنگ بقلم خود او) در موقعیکه تیمور بیک سلطان

- ۱- نقل از تاریخچه وقف در اسلام تألیف دکتر علی اکبر شهابی استاد دانشگاه تهران صفحه ۹ ستون اول سطر ۱۳ به بعد.
- ۲- نقل از تاریخچه وقف در اسلام تألیف دکتر علی اکبر شهابی استاد دانشگاه تهران صفحه ۹ سطر ۳۲ به بعد.

احمد ایلخانی را شکست داد و تبریز را بتصرف در آورد چنین مینویسد:

«مجلسه شام از تبریز از طرف غازان خان پادشاه»  
 «آذربایجان بنا شد و غازان خان از فرزندان چنگیز»  
 «بود و او در سال ۷۰۳ ه. ق. در تبریز فوت کرد»  
 «و در مجلسه شام مدفون شد من بعد از ورود به تبریز»  
 «بر مزار او رفتم و فاتحه خواندم و آنگاه بمدرسه»  
 «و خانقاهی که غازان خان در مجلسه شام بنا کرده»  
 «بود قدم نهادم. در خانقاه عده‌ای از درویشان»  
 «بودند و شنیدم دوازده تن از آنها در جنگ تبریز»  
 «هنگامیکه سکنه مجلسه شام بر سلطان احمد شوریدند»  
 «قتل رسیدند....»

«علیشاه گیلانی وزیر غازان خان بود و بخرج خود»  
 «مسجدی بپا کرد و یک رشته قنات بوجود آورد تا»  
 «اینکه آب از وسط مسجد میگذرد و قتیکه من وارد»  
 «شدم پنداری که قدم به بهشت گذارده‌ام صحن»  
 «آن مسجد را با سنگ مرمر تراشیده مفروش کرده»  
 «و دیوارها با کاشی مفروش شده بود و یک نهر»  
 «زالال از وسط مسجد میگذشت و مردم کنار آن»  
 «نهر وضو می‌گرفتند....»

شماره بعد این مجله در آنجا که تیمور لنگ اردبیل را فتح کرد و تقریباً از مرشد خانقاه اردبیل تحقیقاتی راجع به اصول دین

و کار او وسایر در اویش در خانقاه بنماید چنین مینویسد .

« بعد از او پرسیدم : مرشد خانقاه ، جواب داد که »

« نامش صدرالدین است از او پرسیدم معاش تو »

« وسایر کسانی که در خانقاه هستند از چه راه میگذرد »

« آن مرد گفت ، بعضی از مردم نسبت به ما محبت »

« دارند و جزئی از دارائی خود را وقف خانقاه میکنند »

« ما و درویشان دیگر که در خانقاه هستیم از آن »

« راه ، گذران مینمائیم و چون خرج ما زیاد نیست و »

« عادت کرده ایم با قناعت بسر ببریم میتوانیم بدون »

« اینکه نیاز داشته باشیم به زندگی ادامه دهیم ، »

« پرسیدم درویشان خانقاه چه میکنند ؟ »

« صدرالدین گفت آنها ذکر میگویند و عبادت میکنند »

« و در خود فرو میروند برای اینکه بتوانند خالق »

« را بشناسند ، با اینکه صدرالدین وسایر مشایخ »

« خانقاه اردبیل را قضا بودند (یعنی شیعه بودند) »

« من از صفای باطن آنها لذت بردم و قبل از اینکه »

« از اردبیل حرکت کنم چهار قریه از قریه شای »

« سلطان احمد را که بعد از مرگ او بمن تعلق یافت »

« وقف خانقاه کردم و چون درآمد قراء مزبور زیاد »

« بود میدانستم که وضع زندگی سکنه خانقاه بهتر »

« خواهد شد . . . »

بعد از تیموریان هم موقوفات در توسعه بود . در خراسان ، اصفهان ، شیراز و تبریز مدارس و مساجد بزرگ ساخته شد و حمام ها و کاروانسراهای آباد بوجود آمد . در دوره صفویه نیز شاهان و امراء و بزرگان موقوفات زیادی ایجاد کردند . ایقاف جنبه رقابت بخود گرفت بطوریکه دیگر در نواحی اصفهان محلی برای خریدن و وقف کردن باقی نبود و هر کس مایل بود محلی خریده وقف کند ، بایستی در نواحی نزدیک باصفهان مانند یزد و کاشان دست بکار میشد .

در دوره صفویه در نوع مصارف وقف نیز تحولی پیدا شد . در این دوره ساختمان پل بر رودخانه ها باریات و کاروانسراها برای مسافران و تکیه امامزاده ها برای تعزیه داری رواج پیدا کرد و بطور کلی املاک وسیع و موقوفات حضرت رضا علیه السلام از آن زمان بوجود آمد . بطوریکه هنوز در داخل کویر خراسان و نواحی جنوبی ایران مانند لار و اطراف آن کاروانسراهائی بچشم میخورد که معروف به رباط شاه عباس است که چون عموما در اینگونه نقاط آب و آبادی نبوده در کنار هر رباط برکه آبی نیز بوجود آورده اند تا آب باران در آنها جمع شود و مسافران در موقع عبور از این آب استفاده نمایند .

موقوفاتی هم که مصارف آن تعزیه داری اولیای دین یا اطعام مساکین است در این دوره بعلت آنکه شاهان صفوی از اولاد یکنفر درویش بوده اند رویه توسعه گذارده است .

بعد از شاهان صفویه گرچه چندی ( زمان افشاریه ) تاحدودی وقف و ایقاف متوقف مانده است ولی بلافاصله در زمان زندیه مجددا تقویت شده و آثار بزرگی از آن دوره در کنار و گوشه بچشم میخورد. در این زمان نیز مساجد و مدارس و پلها ، حمامها بوجود آمده است که نمونه های بارز آن مسجد و بازار وکیل در شیراز است .

در دوره قاجاریه نیز باین امر خیر توجه میشد و مدرسه سپهسالار ، مسجد شاه و مسجد مادر شاه و بعضی دیگر از مدارس علوم قدیمه مانند مدرسه شیخ عبدالحسین که از موقوفات امیر کبیر است در تهران نمونه ایست که میرساند مردم بوقف توجه کامل داشته اند و در عصر حاضر باید گفت بزرگترین وقفی که بوجود آمده موقوفات عظیم بنیاد پهلوی میباشد که بامرشاهنشاه آریامهرتدارك شده و از مصارف آن اسور فرهنگی ، بهداشتی ، دینی ، کمک به مستحقین و فقرا هزینه تحصیلی دانشجویان بی بضاعت و امثال اینگونه اعمال نیک را باید نام برد .

رویه مرفته اگر به طرز وقف کردن و مصارف درآمد موقوفات نظر کرده شود ملاحظه میشود که در هر عصر و زمانی بنا باحتیاجات مردم درآمد موقوفات را اختصاص بانجام اموری داده اند مثلا زمانی برای روضه خوانی و موقعی برای اطعام مساکین بوده است .

درجائی درآمد موقوفات صرف فدیة اسرای جنگهای صلیبی میشده و یا برای ایجاد مدارس و بیمارستانها و تیمارستانها مصرف

میگردیده یا برای ساختن پل و راه و کاروانسرا و آب انبار و امثال آن اختصاص مییافته است . حتی واقفی مقداری از دارائی خود را برای تهیه کاغذ و قلم جهت شکایت از مأمورین متجاوز دولتی ، وقف کرده است و زمانی برای برگزاری جشنها و سرورهای دینی<sup>۱</sup> موقوفاتی بوجود آمده است ، همچنین برای آب آشامیدنی اهالی شهرها قنواتی احداث و وقف گردیده است<sup>۲</sup> .

در زمان حاضر نیز که مردم عموما پیروی از نیات اعظم خویش میکنند و عبارت دیگرالناس علی دین ملوکهم هستند . نوع مصارف موقوفات تغییری پیدا کرده است بطور مثال مصارف وقفنامه حاج شفیع ابریشمی زنجان را که اختصاص به احداث قنات ولوله کشی آب برای شهر و ایجاد و تأسیس بیمارستان ، ساختمان و تأسیس دبستان ایجاد حمام ، ساختن پل بر روی ده دولین ، دادن لباس در عید نوروز هر سال بمیزان پنجاه دست ، تقسیم پول بین مستحقین در شب چهارشنبه سوری ، اطعام در شبهای رمضان و محرم میباشد باید ذکر کرد .

بیمارستان نمازی و بیمارستان چشم خلیلی در شیراز و بیمارستان موقوفه بهبهانی در کازرون فارس ، بیمارستان شیبانی در طبس ،

۱- در پارهائی از موقوفات مبلغی از درآمد صرف برگزاری جشنهای مذهبی مانند عید غدیر یا تولد حضرت قائم باید بشود و در پاره ای دیگر برای ازدواج مردان و زنان مجرد مبلغی اختصاص داده شده است .

۲- آب موقوفه خیرات در شیراز و قنات چشمه عمارت در بهشهر نمونه آنست .

گلشن و موقوفه محمد تقی امیر شاهی در شاهی ، که درآمد آن وقف بر مصارف اساسنامه و نظامنامه جمعیت شیروخورشید سرخ است بادرآمد موقوفه حاج عبدالله کیهانی واقع در تهران که باید وسیله جمعیت شیروخورشید سرخ بمصرف برسد را میتوان نام برد.

## فصل سوم

وقف در لغت بمعنی نگهداشتن و ایستادن است و در اینجا  
منظور از آن متوقف ساختن عین مال است از هرگونه خرید و فروش  
رهن یا ارث بطوریکه عین مال همیشه باقی بماند و منافع حاصل از آن  
در راه خدا مصرف شود .

شرایع وقف را عقدی تعریف کرده است که ثمره آن حبس  
کردن اصل و رها کردن منفعت است <sup>۱</sup> .

---

۱- ترجمه فارسی شرایع الاسلام از انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۳۴۳



آقای دکتر شهابی در کتاب وقف یا صدقات جاریه در این زمینه نوشته‌اند (حبس عین ملک و بمصرف رسانیدن منافع آن موافق نظر واقف)<sup>۱</sup> و بعضی دیگر از علما (تجسس الاصل و اطلاق المنفعة) ذکر کرده‌اند<sup>۲</sup>

که بنابراین تعاریف همیشه در وقف منافع مال مجانا و برایگان واگذار و اصل آن نگهداری میشود و میتوان گفت از این جهت وقف یک نوع بخشش بلاعوض محسوب میگردد و باوصیت، هبه، صدقه، عطیه، هدیه و جایزه، صرفاً از نظر تملیک مجانی و بدون در نظر گرفتن عنوان خاصی، در یک ردیف است. ولی بطور کلی چند وجه تشابهی بین آنها موجود است اما جهات افتراقی نیز دارد که بحث در این مورد از عهده این کتاب خارج است بهر حال فقها وقف را مترادف صدقه دانسته‌اند.

گفته شد که وقف عبارتست از «حبس عین و تسبیل منفعت» در عین حال نیز گفتیم که شرایع آنرا عقد دانسته است و یا توجه باینکه لغت مال اعم است از ملک برای تعریف وقف میتوان گفت: «وقف عبارتست از اینکه کسی تمام یا قسمتی از مال خود را در زمان حیات خود برای رضای خدا حبس کند بطوریکه اصل مال

۲- تحولات حقوق خصوصی نشریه ۱۲۷۴ دانشگاه تهران صفحه ۷۸

۳- تحولات حقوق خصوصی نشریه ۱۲۷۴ دانشگاه تهران باورقی شماره ۲

همیشه باقی بماند و منافع حاصل از آن در راه خدا بخشیده شود».

بنابراین وقف:

- ۱- عقدی است مانند سایر عقود که محتاج ایجاب و قبول است.
- ۲- مقتضی تملیک منفعت است و باید اصل آن همیشه باقی بماند.

۳- تملیک بوسیله وقف مجانی و رایگان است.

۴- در وقف، قصد قربت است.

۵- وقف عقدی است لازم و رجوع از آن بعد از قبض مقدور نیست

۶- قبض در وقف شرط صحت و تحقق است.

الف - وقف عقد است.

وقف عقدی است مانند سایر عقود متداول و محتاج به ایجاب و قبول است و بعلاوه بین ایجاب و قبول باید تقارن وجود داشته باشد. طرف ایجاب در وقف (واقف) باید دارای شرایط لازم از قبیل اهلیت در معامله و غیره داشته باشد و بعلاوه عمل وقف را بزیان دیان انجام ندهد یعنی برای آنکه از پرداخت قروض خود فرار کرده باشد مبادرت بوقف مال خود نکند. در اهلیت معامله نیز رشد و بلوغ و مالک بودن شرط است. بنابراین واقف باید مالک مالی باشد که وقف میکند و اهلیت آنرا نیز دارا باشد.

طرف قبول وقف « موقوف علیهم » اگر محصور باشد خود میتواند قبول کند مانند وقف بر اولاد ذکور و اگر غیر محصور باشد حاکم شرع خواهد بود مانند وقف بر مصالح عمومی .

#### ب - وقف مقتضی تمليك منفعت است .

در وقف باید منافع حاصل از مال موقوفه را تسبیل کرد بطوریکه همیشه اصل مال موقوفه باقی بماند و هیچگونه تصرف مالکانه در آن نشود . بسخن دیگر مال وقف را نمیتوان فرو داد ، فروخت یا ارث گذاشت بلکه باید آنرا بهمان وضع موجود حفظ کرد و درآمد آنرا مطابق نظر واقف بمصرف رسانید .

#### ج - تمليك بوسیله وقف رایگان است .

در وقف نظراصلی آنستکه شخصی از مال خود در راه خدا انفاق کرده باشد بنابراین درآمد حاصل از مال وقف باید برایگان داده شود نه آنکه در مقابل این بخشش مطالبه عوض شود و گرنه نقض غرض شده است .

#### د - در وقف قصد قربت است .

مالی را که کسی وقف میکند صرفا برای رضای خاطر خدای متعال است بنابراین نظر بر این است که واقف قصد قربت دارد .

#### ه - وقف عقد لازم است .

عقد لازم آنستکه بمجرد آنکه بنحو صحت وقوع یافت دیگر نمیتوان از آن عدول و رجوع کرد ( برخلاف عقد جایز ) و عموم علما عقد وقف را جزو عقود لازم بشمار آورده اند . محقق قمی در مورد لزوم عقد وقف میگوید : « ..... اگر وقف بصحت انجام یافته باشد رجوع از آن ممکن نیست » . بنابراین همین که شخصی مالی را وقف کرد و بتعین موقوف علیهم داد دیگر نمیتواند آنمال را از وقف خارج کند و در آن تصرفات مالکانه بنماید . نهایتا قبض مال وقف باعث تحقق و اتمام وقف میشود .

#### و - قبض در وقف شرط تحقق و صحت است .

هرگاه کسی مالی را وقف کند مادام که آنمال را به قبض وقف نداده باشد نمیتواند از وقف رجوع کند ولی بمجرد آنکه مال را به قبض داده دیگر وقف لازم شده و نمیتواند در مقام مداخلات مالکانه برآید . بعبارت دیگر قبض در وقف شرط لزوم وقف است . محقق قمی در این باره گفته است که : « ..... وقف بتصرف لازم میشود ..... »<sup>۲</sup>

۱ - ترجمه فارسی شرایع الاسلام چاپ دانشگاه صفحه ۲۴۳

۲ - ترجمه فارسی شرایع الاسلام چاپ دانشگاه صفحه ۲۴۳

طرف قبول وقف « موقوف علیهم » اگر محصور باشد خود میتواند قبول کند مانند وقف بر اولاد ذکور و اگر غیر محصور باشد حاکم شرع خواهد بود مانند وقف بر مصالح عمومی .

### ب - وقف مقتضی تملیک منفعت است .

در وقف باید منافع حاصل از مال موقوفه را تسبیل کرد بطوریکه همیشه اصل مال موقوفه باقی بماند و هیچگونه تصرف مالکانه در آن نشود . بسخن دیگر مال وقف را نمیتوان فرو داد ، فروخت یا ارث گذاشت بلکه باید آنرا بهمان وضع موجود حفظ کرد و درآمد آنرا مطابق نظر واقف بمصرف رسانید .

### ج - تملیک بوسیله وقف رایگان است .

در وقف نظراصلی آنستکه شخصی از مال خود در راه خدا اتفاق کرده باشد بنابراین درآمد حاصل از مال وقف باید برایگان داده شود نه آنکه در مقابل این بخشش مطالبه عوض شود و گرنه نقض غرض شده است .

### د - در وقف قصد قربت است .

مالی را که کسی وقف میکند صرفا برای رضای خیاطر خدای متعال است بنابراین نظر بر این است که واقف قصد قربت دارد .

### ه - وقف عقد لازم است .

عقد لازم آنستکه بمجرد آنکه بنحو صحت وقوع یافت دیگر نمیتوان از آن عدول و رجوع کرد ( برخلاف عقد جایز ) و عموم علما عقد وقف را جزو عقود لازم بشمار آورده اند . محقق قمی در مورد لزوم عقد وقف میگوید : « ..... اگر وقف بصحت انجام یافته باشد رجوع از آن ممکن نیست » . بنابراین همین که شخصی مالی را وقف کرد و بتعیین موقوف علیهم داد دیگر نمیتواند آنمال را از وقف خارج کند و در آن تصرفات مالکانه بنماید . النهایه قبض مال وقف باعث تحقق و اتمام وقف میشود .

### و - قبض در وقف شرط تحقق و صحت است .

هرگاه کسی مالی را وقف کند مادام که آنمال را به قبض وقف نداده باشد میتواند از وقف رجوع کند ولی بمجرد آنکه مال را به قبض داده دیگر وقف لازم شده و نمیتواند در مقام مداخلات مالکانه برآید . عبارت دیگر قبض در وقف شرط لزوم وقف است محقق قمی در این باره گفته است که : « ..... وقف بتصرف لازم میشود ..... »<sup>۱</sup>

۱ - ترجمه فارسی شرایع الاسلام چاپ دانشگاه صفحه ۳۴۳

۲ - ترجمه فارسی شرایع الاسلام چاپ دانشگاه صفحه ۳۴۳

و منظور محقق از تصرف ، تصرف موقوف علیهم برمال وقف است که اکثر علما آنرا قبض خوانده‌اند .

## انواع وقف

الف - وقف از نظر مدت : وقف ممکن است بصورت حبس ، نذریا وصیت صورت گیرد و بهر حال همانطوریکه سابقاً اشاره شد بایستی عین مال باقی بماند و منافع آن تسبیل گردد و بطور کلی اینگونه موقوفات بردو نوع خواهد بود :

۱- عین مال برحسب حبس یا نذریا وصیت برای همیشه باقی میماند .

۲- عین مال برحسب حبس بانذر و یا وصیت برای مدت معینی باقی میماند در صورت اول یعنی موقعیکه عین مال برای همیشه باقی بماند آنرا وقف نامند . و در صورت دوم آنرا حبس گویند زیرا عادة پس از گذشت زمان معینی مال از حبس خارج میشود و بملکیت واقف یا اولاد او در خواهد آمد . بعبارت دیگر حبس نوعی از وقف است که مدتی معین دارد ( پنجاه یا صد سال و غیره ) که ظرف این مدت منافع آن تسبیل میشود و پس از خاتمه مدت اصل ملک متعلق به واقف ( اگر جبلة داشته باشد ) یا اولاد او ( ورثه قانونی او ) خواهد بود و از وقفیت خارج میشود.

اما در مورد وصیت باید دانست که همه کس میتواند طبق قوانین شرع و عرف تکلیف ثلث ماترك خود را بهر کیفیت که خود بخواهد برای زمان بعد از فوتش تعیین کند .

مرحوم محقق در شرایع وصیت را اینطور تعریف کرده است ( الوصية تمليك عين او منفعة بعد الوفاة ) که بنابین تعریف هر کس حق دارد برای بعد از فوت خود مال و یا منفعت مالی را به دیگری یا بدیگران تملیک کند . النهاية مطابق با قانون شرع و عرف ارث هیچکس نمیتواند در وصیت بیش از ثلث ماترك خود را برای زمان بعد از فوت بدیگری یا بدیگران تملیک کند . هر چند آن شخص از وراث قانونی او باشد و دو ثلث دیگر بایستی الذکر مثل حظ الاثنتین و سایر قوانین ارثی بین وراث قانونی تقسیم گردد.

بنابراین چون کسی بر ثلث ماترك خود بعنوان خیرات و مبرات و غیره وصیت نماید یکنوع وقف بوجود آورده است که خود این وقف بنا بروصیت موسمی ممکنست برای دایم باشد یا بطور موقت بعبارت دیگر وقف باشد یا حبس .

باید دانست که چون وصیت همانطوریکه گفته شد زائد بر ثلث ماترك نمیتواند باشد در اصطلاح وقف ، آنرا ثلث باقی نیز نامیده‌اند .

۱ - محقق حلی در شرایع میگوید « هرگاه کسی وقف کند اجازه وراث شرط است ، و اگر وراث اجازه ندهند وقف در ثلث ماترك صحیح است » و همچنین عقیده دارد که اگر مقداری از مال خود را بموجب وصیت وقف کند و مقداری بیه کند ، و مقداری دیگر را بفروشد اول وقف را از ثلث او جدا میکنند ، بعد مال موهوب ، و بعد مال فروخته شده را و اگر ثلث تکافو نکند ، اول مال فروخته شده باطل است بعد بیه و وقف باید عملی شود .

ب - وقف از نظر موقوف علیهم : و آن نیز دو نوع است .

### ۱- وقف عام      ۲- وقف خاص

وقف عام وقفی است که منافع آن عایدات موقوفه میشود . مانند وقف بر پلها ، آب آبارها و خیرات و مبرات .

وقف خاص وقفی است که منافع و عایدات موقوفه صرف اولاد واقف میگردد و دیگران در آن حقی ندارند . اما در وقف عام هرگاه واقف یا اولاد واقف مصداق موقوف علیهم بشوند صرف منافع در این راه اشکالی ندارد .

### اصطلاحات وقف :

در وقف نکاتی باید در نظر گرفته شود ( که اینجا بنام ارکان وقف اصطلاح میشود ) تا وقف تحقق یابد ، منافع آن طبق نظر وقف کننده بمصرف برسد و در عین حال اصل مال وقف از هرگونه تصرفی مصون بماند . در تعریف وقف گفته شد که وقف عبارتست از حبس عین و تسبیل منافع آن ؛ بنابراین :

۱ - شخص باید باشد که مالی را وقف کند .

۲ - مال موجود متعلق خود آن شخص باشد .

۳ - تکلیف اداره موقوفه بعد از واقف معلوم شود .

۴ - برای وقف سند تهیه کنند که آن سند شامل موارد زیر بوده باشد .

الف - ذکر مدت : دائم یا حبس .

ب - تعیین نوع مال از قبیل دکان ، حیاط ، ملک مزروعی و غیره و تعداد آنها .

ج - ترتیب اداره و نگهداری مال موقوفه مانند تعیین متولی و ناظر .

د - ترتیب تقسیم منافع حاصله از مال وقف ( تعیین موقوف علیه یا علیهم ) که ذیلاً بطور اختصار هر یک از موارد بالا شرح داده میشود :

### ۱- واقف :

واقف کسی است که در زمان حیات خود قسمتی یا تمام مال خود را بقصد قربت وقف مینماید و یا آنکه ضمن وصیتنامه مقرر میدارد که پس از فوت او ثلث ماترکش را وقف و بمصارف معینی برساند . واقف باید دارای اهلیت باشد و با اراده و نیت و قصد قربت وقف نماید .

### ۲- موقوفه :

مالی را که یکنفر وقف مینماید یا بر ثلث ما ترك خود وصیت میکند باید ملك واقف باشد و بقاء آن امکان پذیر باشد اعم از اینکه



مال منقول یا غیرمنقول باشد و درعین حال تملک آن برای مسلمان جایز باشد بنابراین :

الف - مالیکه منافع آن موقتاً متعلق حق دیگرست چون اصل آن باقی خواهد بود میتوان وقف کرد.

ب - وقف مالی که در آن برای دیگری حق ارتقاء است مشروط بر آنکه بحق مذکور لطمه ای وارد نیاید صحیح است .

ج - وقف مالی که تملک آن برای مسلمان جایز نیست صحیح نیست .

د - وقف دین و منفعت جایز نیست بلکه بایستی غین باشد .

ه - وقف مالیکه قبض و اقباض آن مقدور نباشد باطل است مگر آنکه موقوف علیه قدرت بپردازد آنرا داشته باشد .

و - وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است .

## سند وقفنامه :

پس از آنکه شخص حاضر شد مال خود را وقف کند بایستی برای آن سندی تهیه نماید تا هم خود او و هم آیندگان بر مفاد آن آگاهی حاصل کرده و بآن عمل نمایند .

اگر که یکی از اسناد وقفنامه های موجود را ملاحظه نمائیم میبینیم که در آن ابتداء نعمت خدا و رسول اکرم ص و ائمه اطهار علیهم السلام آمده و سپس ذکر از محاسن خیرات و مبرات و اعمال نیک

بخش اول وقفنامه

دنیوی که ذخیره اخروی خواهد بود بمیان آمده و بعداً از ذکر اهلیت واقف ، بدینمعنی که درعین تندرستی و کمال عقل و بلوغ و رشد مبادرت بعمل وقف کرده سخن رانده شده و درعین تندرستی صیغه وقف را که عبارت از ایجاب و قبول و تقارن آنست با توجه باینکه مدت وقف دائم است یا موقت مسطور داشته و قبضی را که تحویل مال وقف است مرقوم نموده است سپس تعداد رقبات وقف و محل و نوع هر یک را تا آنجا که ابهامی باقی نماند شمرده و پس از آن حصه و سهم هر یک از موقوف علیهم را تعیین و در آخر خود و بعد از خود اولاد خود را متولی وقف قرار داده است و در انتهای سند وقفنامه آیه ای از قرآن کریم آمده تا کسی حق تصرف و تبدیل آنرا نداشته باشد .

بنابراین سند وقفنامه همچنانکه در قبل اشاره شد شامل :

الف - نام واقف و اهلیت او .

ب - تعیین مدت وقف (دائم یا موقت) .

ج - صیغه وقف و قبض آن .

د - تعداد رقبات موقوفه .

ه - تعیین متولی حال و متولیان بعدی و احياناً ناظر یا ناظران موقوفه .

۱ - عموماً آیه ۱۷۷ از سوره دوم (سوره بقره) قرآن ، فن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ، که بمعنی ( کسانیکه پس از شنیدن آن در آن تغییر و تبدیل بدهندگان آن تبدیل بگردن آنان خواهد بود) میباشد در ذیل وقفنامه ذکر میشود .



مال منقول یا غیر منقول باشد و در عین حال تملک آن برای مسلمان جایز باشد بنابراین :

الف - مالیکه منافع آن موقتاً متعلق حق دیگر است چون اصل آن باقی خواهد بود میتوان وقف کرد.

ب - وقف مالی که در آن برای دیگری حق ارتقاء است مشروط بر آنکه بحق مذکور لطمه ای وارد نیاید صحیح است .

ج - وقف مالی که تملک آن برای مسلمان جایز نیست صحیح نیست .

د - وقف دین و منفعت جایز نیست بلکه بایستی عین باشد .

ه - وقف مالیکه قبض و قباض آن مقدور نباشد باطل است مگر آنکه موقوف علیه قدرت بپردازد آنرا داشته باشد .

و - وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است .

## سند وقفنامه :

پس از آنکه شخص حاضر شد مال خود را وقف کند بایستی برای آن سندی تهیه نماید تا هم خود او و هم آیندگان بر مفاد آن آگاهی حاصل کرده و آن عمل نمایند .

اگر که یکی از اسناد وقفنامه های موجود را ملاحظه نمائیم میبینیم که در آن ابتداء نعمت خدا و رسول اکرم ص و ائمه اطهار علیهم السلام آمده و سپس ذکر از محاسن خیرات و مبرات و اعمال نیک

بخش اول وقف

دنیوی که ذخیره اخروی خواهد بود بهمان آمده و بعداً از ذکر اهلیت واقف ، بدین معنی که در عین تندرستی و کمال عقل و بلوغ و رشد سبادت بعمل وقف کرده سخن رانده شده و در عین تندرستی صیغه وقف را که عبارت از ایجاب و قبول و تقارن آنست یا توجه باینکه مدت وقف دائم است یا موقت مسطور داشته و قبضی را که تحویل مال وقف است مرقوم نموده است سپس تعداد رقبات وقف و محل و نوع هر یک را تا آنجا که ابهامی باقی نماند شمرده و پس از آن حصه و سهم هر یک از موقوف علیهم را تعیین و در آخر خود و بعد از خود اولاد خود را متولی وقف قرار داده است و در انتهای سند وقفنامه آید ای از قرآن کریم آمده تا کسی حق تصرف و تبدیل آنرا نداشته باشد .

بنابراین سند وقفنامه همچنانکه در قبل اشاره شد شامل :

الف - نام واقف و اهلیت او .

ب - تعیین مدت وقف (دائم یا موقت) .

ج - صیغه وقف و قبض آن .

د - تعداد رقبات موقوفه .

ه - تعیین متولی حال و متولیان بعدی و احياناً ناظر یا ناظران موقوفه .

۱ - عموماً آیه ۱۷۷ از سوره دوم (سوره بقره) قرآن ، فن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ، که بمعنی ( کسانیکه پس از شنیدن آن در آن تغییر و تبدیل بدهندگان آن تبدیل به گردن آنان خواهد بود) میباشد در ذیل وقفنامه ذکر میشود .

و- تعیین مصارف وقف یا موقوف علیهم میباشد که ذیلاً بشرح مختصر هر یک از موارد یاد شده پرداخته میشود :

## الف - نام واقف :

مقصود از ذکر نام واقف اینست که دانسته شود موقوفه را چه کسی ایجاد و وقف کرده است به علاوه اسم هر موقوف معمولاً بنام واقف آنست ولی گاهی هم بنام رقیبه است بطور مثل گفته میشود ، موقوفات مشیرالسلطنه در تهران حاج قوام شیرازی یا میرحسن خان طبسی .

## ب - تعیین مدت وقف :

عادة در مورد تعیین مدت وقف دوام یا حبس آنرا واقف ذکر میکند و منظور اینست که وقف برای همیشه است یا پس از مدتی از حالت وقف خارج میگردد . برای این منظور در سند وقفنامه قید میگردد که ( حبس مؤبد و وقف مخلد و غیره ) ، در اینجا بردوام وقف و ابدی بودن آنست یا آنکه در وقفنامه ( سند وقف ) ذکر مدت برای مثلاً پنجاه سال یا کمتر یا بیشتر میشود که البته پس از گذشت مدت معین شده در سند وقفنامه وقف بصورت ملک واقف ( اگر زنده باشد ) یا اولاد و

ورثه قانونی او درخواهد آمد . نوع اول را وقف دائم و نوع دوم را حبس گویند .

## ج - صیغه وقف :

صیغه وقف عبارتست از ایجاب و قبول آن مسانند تمام عقود متداوله که ایجاب از طرف واقف بهر لفظی که دلالت بر معنی وقف کند واقع شود و قبول از طرف طبقه اول موقوف علیهم محصور یا قائم مقام قانونی آنها و یا از طرف حاکم در موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصارف عامه بعمل بیاید عبارت دیگر هرگاه وقف خاص باشد طبقه اول از اولاد واقف و اگر وقف عام باشد حاکم قبول وقف را بنماید.

البته در وقف بایستی در نظر داشت که بین ایجاب و قبول تقارن وجود داشته باشد و شرط خلاف مقتضای عقد ( مانند تعلیق ) نشود و قبض نیز بعمل آید تا وقف صحت پذیرد و بهمین دلیل است که در کلیه وقفنامه های موجود این نکات ذکر و یادآوری میشود تا در آینده تولید سوء تفاهمی نشود .

## د - ذکر رقبات موقوفه :

تذکر یک یک رقبات موقوفه در سند وقفنامه به دو جهت است . اول اینکه زمان وقوع وقف معلوم گردد ، نوع مالیکه وقف میشود

چيست و مشتمل بر چند تاست و در عين حال روشن باشد رقبات مالکيت دارد و دين يا منفعت نيست بعلاوه از جمله اموالي است که مسلمان ميتواند آنرا تملک کند و بطور خلاصه مال وقف برخلاف شروط شرعي و عرفي نيست .

دوم اينکه بعداً اين رقبات را واقف و متوليان عيناً نگهداري کرده و از تصرف و تجاوز ديگران محفوظ و مصون بدارند و بطورکلي دارائي و مايملک وقف معلوم و معين بوده باشد .

بدينجهت در کليه وقفنامه ها يک يک رقبات موقوفه با ذکر محل و حتي حدود و درآمد آن نوشته شده است .

#### ۵ - تعيين متولي :

واقف ضمن سند وقفنامه براي نگهداري عين مال و صرف درآمد و منافع آن بر مصارف يا موقوف عليهم يک يا چند نفر مأموريت ميدهد که بدینکار اقدام نمايند کسی را که واقف مأمور اجرائي نيات خود ميکند متولي مينامند . واقف ميتواند توليت موقوفه را براي زمان حيات خود بخودش اختصاص بدهد و براي بعد از فوتش متولي ديگري تعيين کند و همچنين ميتواند بلافاصله پس از اجرائي صيغه وقف و ضمن سند وقفنامه متولي تعيين نمايد که موقوفه را تحويل بگيرد . ممکنست واقف توليت موقوفه را به چند نفر واگذار نمايد که مستقلاً با مجتمعاً امور آنرا اداره کنند و خود واقف هم يکي از اجزاء آنها باشد

يعني واقف ميتواند خود را متولي قرار دهد و در عين حال شخص ديگري را نيز متولي قرار دهد و با خود شريک در انجام امور موقوف بنمايد . و يا توليت امور موقوفه را يک يا چند نفر سواي خود (چه در زمان حيات و چه بعد از آن) قرار دهد و يا دستور دهد که هر متولي براي بعد از فوتش متولي ديگري تعيين نمايد .

در هر حال واقف بايستي در زمان حيات خود (موقع ايجاد وقف) وضعي بوجود آورد که تکليف حفظ اموال موقوفه بلافاصله پس از تحقق وقف روشن باشد بدین مناسبت است که واقف در موقع اجرائي صيغه وقف متولي يا متوليان را که اداره کنندگان املاک وقف و بمصرف رسانندگان درآمد آنست صريحاً يا ضمناً تعيين ميکند .

عموماً واقفان ، توليت موقوفه را مادام الحياه بخود اختصاص ميدهند و براي بعد از خودشان ذکر صفاتي را براي متوليان بعدي (مانند اکبر ، ارشد ، اتقي ، اعلم وغيره مينمايد و يا آنکه متولي بعد از خود را باسم نام ميبرند) .

ذکر صفات براي متوليان بعدي از آنجهت است که چون واقفان براي نگهداري و اداري امور موقوفه اشخاصي را در نظر ميگيرند که در زمان و زندگي خودشان آن اشخاص متولد نشده اند و بسا ممکنست که پس از تولد و داشتن حق در دخالت بامور موقوفه مطابق نظرواقف عمل ننمايند و از طرفي عزل متولي نه صورت شرعي دارد ، نه جنبه قانوني عليهذا با ذکر اين صفات است که اشخاص

تعیین شده شایستگی اداره‌ی امور موقوفه را پیدا خواهند کرد و در عین حال هرگاه متولی فاقد این صفات شود خود بخود منعزل میشود والا متولی قابل عزل و تعویض نیست.

با اینکه واقف در سند وقفنامه یک یا چند نفر را متولی قرار میدهد تا امور موقوفه معوق نماند معهذا میتواند برای حسن جریان امور و احیاناً جلوگیری از حیف و میل متولی یک یا چند نفر ناظر نیز بر متولی بگمارد. ناظر یا نظار موقوفات بدو صورت اعمال نظارت میکنند. یکم اینکه متولی امور وقف را اداره میکند و فقط بناظر اطلاع میدهد که چه اعمالی انجام داده است در اینصورت ناظر (اطلاعی) خواهد بود.

دوم اینکه متولی وقف ناگزیر است هر عملی را که برای اداره‌ی امور موقوفه انجام میدهد بتصویب ناظر وقف برساند و این چنین ناظر را (ناظر استصوابی) گویند.

در اینجا بيمورد نیست چند نکته یادآوری شود. اولاً کسی که واقف بعنوان متولی تعیین مینماید بلافاصله پس از اطلاع بر این امر میتواند تولیت موقوفه را رد کند یا قبول کند در صورت اول یعنی اگر متولی تعیین شده از طرف واقف از قبول تولیت امتناع ورزند مانند آنست که در اصل تعیین نشده باشد. بنابراین هیچگونه دخالتی در امور موقوفه ندارد و نمیتواند داشته باشد ولی در صورت ثانی یعنی موقعیکه تولیت موقوفه را قبول نمود دیگر حق ندارد از آن عدول کند و

بایستی تمام امور موقوفه را بسامان برساند.

ثانیاً - متولی تعیین شده از طرف واقف پس از قبول تولیت قابل تعویض و عزل نیست حتی از طرف شخص واقف مگر آنکه شرط عزل او در سند وقفنامه ذکر شده باشد یا آنکه متولی فاقد صفاتی گردد که واقف در سند وقفنامه بآن اشاره کرده است<sup>۱</sup> در این صورت متولی خود بخود منعزل است.

ثالثاً - متولی باید در امر تولیت شخصاً مباشرت کند بخصوص اگر در وقفنامه مباشرت متولی قید شده باشد ولی اگر متولی بخواهد برای پیشرفت موقوفه وکیل یا وکلای انتخاب کند که مثلاً بامور ثبتی و دادگاههای آن رسیدگی و احقاق حق موقوفه را بنماید یا در کارهای دیگر موقوفه از قبیل اجاره دادن و جمع آوری عایدات و یا مصارف درآمد برای خود وکیل تعیین کند میتواند.

رابعاً - هر ترتیبی را که واقف در سند وقفنامه برای اداره امور موقوفه تعیین کرده است متولی باید مطابق النعل بالنعل انجام دهد زیرا متولی مانند امین واقف است.

خامساً - واقف در سند وقفنامه برای متولیان بعد از خود حتی از درآمد موقوفه قائل میشود که معمولاً یک عشر از عایدات است و اگر واقف این مورد را مسکوت گذارده باشد متولی مستحق اجرة المثل

۱ - مانند شخص بالغ، رشید، اعلم، اتقی و غیره که متولی مثلاً مجنون شده یا تقوی را از دست بدهد که در اینصورت منعزل میگردد.

است ولی گاه میشود که واقف مراحه متولیان را از برداشت حق التولیه محروم مینماید<sup>۱</sup>.

در اینصورت بنظر میرسد که متولی هیچگونه حقی برای اداره امور موقوفه نخواهد داشت.

سادساً - همچنین واقف ممکنست برای ناظر یا ناظران موقوفه مهمی از درآمد تعیین کند که عموماً نیم عشر از درآمد است.

#### مصارف وقفنامه - موقوف علیهم

واقف در سند وقفنامه بایستی تعیین نماید که منافع حاصله از درآمد املاك موقوفه بجه مصارفی میرسد. عبارت دیگر موقوف علیهم را مشخص سازد.

موقوف علیهم ممکنست شخص و یا اشخاص معین و یا موارد دیگر باشد و بهر حال بایستی واقف در وقفنامه آنرا معین و مشخص سازد بنابراین موقوف علیهم دو نوع میتواند باشد.

الف - شخص یا اشخاص ب - موردی سواى شخص یا اشخاص

الف - موقوف علیهم شخص باشد :

منظور از موقوف علیهم شخص یا اشخاص آنستکه در آمدوقف در سند وقفنامه صرف اقوام ، بستگان ، اولاد ، خدمه و ابناء السبیل

۱ - موقوفه حسن شمشیری در بیمارستان نجمیه تهران که واقف متولی را از برداشت حق التولیه محروم و ممنوع نموده است.

و غیره باشد مانند وقف خاص که کل درآمد آن بین اولاد واقف تقسیم میشود یا موقوفه عامی که درآمد حاصل از موقوفه بمصرف رهگذران بی چیزیکه نمیتوانند خود را بوطن برسانند ( ابناء السبیل ) یا مصرف تحصیل اطفال فقیر و امثال آن گردد. بنابراین وقف براولاد و نظائر آن در موقوفات عامه که بک یا چند نفر از آن متمتع میشوند موقوف علیهم وقف شخص یا اشخاص خواهد بود.

ب - مواردیکه موقوف علیهم سواى شخص یا اشخاصی است .  
واقف میتواند در ضمن سند وقفنامه مصرف درآمد را مثلاً برای امور زیر :

۱ - تعمیر و نگهداری پل یا پلها .

۲ - ساختن و نگهداری و تعمیرات ضروری مدرسه .

۳ - ساختمان و تأمین مخارج بهداری .

۴ - دادن سرمایه یا اشخاص فقیر برای کسب و کار .

۵ - روضه خوانی برای ترویج شعائر مذهبی .

۶ - اطعام مساکین و یتوایان .

۷ - تأمین مخارج زندگانی زن و شوهر تازه ازدواج کرده ،

یا تأمین مخارج اشخاصیکه مایل بازدواج هستند ولی مستمند هستند.

۸ - ساختن راه .

۹ - تهیه مصرف آب مشروب ساکنین شهر یا محله و غیره .

۱۰ - ساختن حمام .



### تعریف وقف

است ولی گاه میشود که واقف صراحة متولیان را از برداشت حق التولیه محروم مینماید<sup>۱</sup>.

در اینصورت بنظر میرسد که متولی هیچگونه حقی برای اداره امور موقوفه نخواهد داشت.

سادساً - همچنین واقف ممکنست برای ناظر یا ناظران موقوفه سهمی از درآمد تعیین کند که عموماً نیم عشر از درآمد است.

### مصارف وقفنامه - موقوف علیهم

واقف در سند وقفنامه بایستی تعیین نماید که منافع حاصله از درآمد املاك موقوفه بچه مصارفی میرسد. عبارت دیگر موقوف علیهم را مشخص سازد.

موقوف علیهم ممکنست شخص و یا اشخاص معین و یا موارد دیگر باشد و بهر حال بایستی واقف در وقفنامه آنرا معین و مشخص سازد بنابراین موقوف علیهم دو نوع میتواند باشد.

الف - شخص یا اشخاص ب - موردی سوای شخص یا اشخاص

الف - موقوف علیهم شخص باشد :

منظور از موقوف علیهم شخص یا اشخاص آنستکه در آمدوقف در سند وقفنامه صرف اقوام ، بستگان ، اولاد ، خدمه و ابناء السبیل

۱ - موقوفه حسن شمشیری در بیمارستان نجمیه تهران که واقف متولی را از برداشت حق التولیه محروم و ممنوع نموده است.

### وقف در ایران

و غیره باشد مانند وقف خاص که کل در آمد آن بین اولاد واقف تقسیم میشود یا موقوفه عامی که درآمد حاصل از موقوفه بمصرف رهگذران بی چیزیکه نمیتوانند خود را بوطن برسانند ( ابناء السبیل ) یا مصرف تحصیل اطفال فقیر و امثال آن گردد. بنابراین وقف بر اولاد و نظائر آن در موقوفات عامه که یک یا چند نفر از آن متمتع میشوند موقوف علیهم وقف شخص یا اشخاص خواهد بود.

ب - مواردیکه موقوف علیهم سوای شخص یا اشخاصی است.

واقف میتواند در ضمن سند وقفنامه مصرف درآمد را مثلاً برای امور زیر :

۱ - تعمیر و نگهداری پل یا پلها .

۲ - ساختن و نگهداری و تعمیرات ضروری مدرسه .

۳ - ساختمان و تأمین مخارج بهداری .

۴ - دادن سرمایه یا اشخاص فقیر برای کسب و کار .

۵ - روضه خوانی برای ترویج شعائر مذهبی .

۶ - اطعام مساکین و یتیمان .

۷ - تأمین مخارج زندگانی زن و شوهر تازه ازدواج کرده ،

یا تأمین مخارج اشخاصیکه مایل بازدواج هستند ولی مستمند هستند.

۸ - ساختن راه .

۹ - تهیه مصرف آب مشروب ساکنین شهر یا محله و غیره .

۱۰ - ساختن حمام .



۱۱- تهیه کفش و لباس و پوشاک برای فقرا .

۱۲- تأمین مخارج تحصیلی یک یا چند نفر محصل و غیره ، معین نماید . اما نمیتواند خود را موقوف علیه یا جزء موقوف علیهم قرار دهد بدین لحاظ باید در نظر داشت که پرداخت مخارج شخص واقف یا دیون اواز منافع موقوفه جایز نیست خواه این مربوط به زمان وقف و حیات واقف باشد یا بعد از فوت او و اگر چنین شرطی قرار دهد وقف باطل خواهد بود . اما اگر واقف پس از قبض وقف عمل بآن طوری فقیر شود که مصداق موقوف علیهم قرار گیرد میتواند از منافع وقف منتفع گردد.

واقف میتواند در ضمن سند وقفنامه برای هریک از موقوف علیهم سهمی قرار بدهد مثلاً کل عواید وقف را به صد قسمت کند و برای هریک از موقوف علیهم چند سهم از کل راقائل شود یا آنکه سهام موقوف علیهم را مساوی قرار دهد یا بهر نحو که صلاح بداند این سهام را تعیین کند و یا آنکه در اختیار متولی یا متولیان قرار بدهد تا هر طور که آنها صلاح دانستند منافع وقف را بین موقوف علیهم تقسیم نمایند .

پس از آنکه منافع وقف حاصل و بدست آمد و سهم هریک از موقوف علیهم معین گردید موقوف علیهم میتوانند سهم خود را تصرف کنند و این تصرف احتیاجی به اذن و اجازه متولی نخواهد داشت مگر آنکه شخص واقف در سند وقفنامه اجازه متولی را شرط کرده باشد .

واقف در سند وقفنامه برای مصرف درآمد موقوفه اصولاً ترتیبی قائل میشود باین معنی که دستور می دهد از درآمد موقوفه ابتداء تعمیرات لازم عین موقوفه مانند نگهداری و لایروبی قنات ، تعمیرات مدرسه ، تعمیرات خانه های موقوفه یاد کاکین آن انجام شود و سپس آنچه باقیمانده صرف موقوف علیهم گردد حتی برای خود متولی معمولاً یک عشر از درآمد را تخصیص میدهد و متولی بایستی بهمان ترتیب که واقف در وقفنامه قرار گذارده عمل نماید ولی اگر واقف ترتیبی در نظر نگرفته باشد متولی بایستی در مورد تعمیرات و اجاره املاک و مستغلات موقوفه و جمع آوری عایدات وقف و تقسیم آن بین موقوف علیهم یا تخصیص آن بر مستحقین و مخصوصاً نگهداری و حفظ عین موقوفه درست مانند وکیل امین رفتار کند . عبارت دیگر متولی بایستی خود را جانشین امین واقف دانسته و نظرات او را همانطوریکه اگر خودش واقف میبود اجراء میکرد اجراء بنماید و هیچگونه تصرف غیر مشروع و خلافی در ملک موقوفه نکند . در اینگونه موارد مخارج تعمیراتی موقوفه اعم از دایر نگهداشتن قنات یا جاری ساختن آب قناتی که سد گردیده یا تعمیرات منازل و دکاکین و سایر رقبات وقف مقدم بر تمام مخارج خواهد بود حتی بر حقوق موقوف علیهم زیرا اصل مال وقف اگر باقی نماند دیگر منافعی در بین نخواهد بود تا بین موقوف علیهم قسمت شود و البته خرج مثلاً یکسال درآمد موقوفه در مورد تعمیرات برای بقاء اصل وقف بهتر از آنستکه وقف بعلت عدم تعمیر و مرمت از بین برود و دیگر منفعتی نداشته باشد.

چنانکه سابقاً نیز مذکور افتاد وقف میتواند از درآمد موقوفه اجرتی برای متولی قرار بدهد زیرا هرکس متولی موقوفه‌ای شود ناگزیر قسمتی از وقت خود را صرف امور موقوفه میکند و بنابر عرف هرکس در مقابل خدمتیکه انجام می‌دهد مستحق اجرتی خواهد بود بدینمناسبت است که اگر واقف برای خدماتیکه متولیان انجام میدهند پاداشی تعیین نکرده باشد متولی میتواند اجرة المثل آنرا از در آمد وقف برداشت کند<sup>۱</sup>.

## تبدیل با حسن موقوفه

با اینکه ضمن مطالبی که تا بحال بیان گردیده همه جا گفته شده است که چون وقف حبس عین و تسبیل منافع آن است یا عبارت دیگر اصل و عین مال موقوفه بایستی همیشه باقی بماند و نگهداری شود و فقط منافع حاصل از آن از قبیل مال الاجاره و غیره را متولی میتواند صرف خیرات و مبرات نماید و در واقع ملک وقف عینی است که قابل نقل و انتقال و خرید و فروش و رهن و وارث و امثال اینگونه

۱ - معمولاً حق التولیه هر متولی در متن سند وقفنامه یکدهم از کل درآمد تعیین میشود حق الزحمه از درآمد ویژه خواهد بود بنابراین اگر واقف در وقفنامه برای متولی حق در نظر نگرفته باشد متولی میتواند در حدود یکدهم مذکور تصرف کند و بیشتر از آن جایز نخواهد بود ( بعداً در مورد درآمد ویژه بحث خواهد شد ).

معاملات نیست ، مع الوصف گاه اتفاق میافتد که فروش اصل و عین موقوفه لازم میشود . بدین مناسبت بچند نکته باید توجه کرد .

۱ - چون عین مال باید وقف باشد و این عین بایستی منافع بدهد که مطابق نظر واقف بمصرف برسد . پس هرگاه عین موقوفه کلاً خراب شود یا قسمتی از آن طوری بایر گردد که انتفاع آن مقدور نشود یا آنکه با پیش بینیهای لازم ترس از آن باشد که ملک وقف خراب شود و کسی نتواند از آن عایداتی بدست آورد، امکان فروش ملک وقف را میسر میسازد . در اینجا باید مطلب را تا حدی تجزیه کرد بشرح زیر :

الف - ملک وقف کلاً خراب شود بطوریکه هیچگونه عایدی ندهد .

ب - قسمتی از ملک خراب شود یا مشرف بخرابی باشد بنحویکه نشود از تمام موقوفه بهره‌برداری کرد .

ج - خوف این در بین باشد که ملک وقف طوری خراب شود که انتفاع میسر نشود .

د - بطور کلی عمران و آبادانی ملک وقف مقدور نباشد .

الف - ملک وقف کلاً خراب شود . بدینمعنی هرگاه ملک

وقف ( عین مال موقوفه ) بعلی مثلاً از بین رفتن قنات بعلت پائین رفتن سطح آب یا بر اثر زلزله و سیل و امثال اینگونه حوادث طوری از بین برود که مخروبه شود ، بدین معنی که کسی حاضر باجاره

آن نباشد و حتی خود متولی قدرت عمران و آبادی مجدد آنرا نداشته باشد یا آنکه ملک مزروعی سابق با توسعه شهر در وسط خانه‌های دیگران قرار گیرد و آب لازم برای کشت و زرع بآن نرسد و صورت مطلوب‌المنفعه پیدا نماید در اینجاست که میتوان کل ملک وقف را بفروش رسانید.

ب - هرگاه قسمتی از ملک وقف خراب شود یا مشرف بخرابی باشد بطوریکه استفاده از آن مقدور نمیشود مانند اینستکه بر اثر سرمای شدید باغ میوه‌ی موقوفه‌ای از بین برود یا یک قنات موقوفه در سرراه سیل باشد و آب سیل قنات را ویران سازد یا مشرف بانه‌دام نماید فروش همان بعضی مجاز خواهد بود مگر اینکه خرابی این قسمت از موقوفه طوری باشد که انتفاع را از کل موقوفه سلب کند که در اینصورت کل موقوفه را میتوان فروخت.

برای مثال باید گفت که یک قنات جزئی از عین موقوفه (ملک مزروعی است) اگر طوری خراب شود که بتوان آنرا دایر ساخت باید نسبت بعمران آن اقدام کرد ولی اگر بکلی خراب گردید و سد مطلق شد مسلم است اراضی موقوفه که بی‌آب مانده بایر خواهد شد و نفعی از آن عاید نخواهد گردید، بنابراین کل موقوفه را میشود فروخت. صورت دیگر مسأله آنستکه قسمتی از موقوفه بایر گردد مثل آنکه از چند دکان تعدادی جزو خیابان گردد و قسمتی از یک خانه موقوفه در مسیر خیابانی در داخل شهر واقع شود دراین

صورت فقط آن چند دکان یا همان قسمت از خانه جزو خیابان شده فروخته میشود و بقیه باید محفوظ بماند.

ج - خوف این در بین باشد که موقوفه طوری خراب شود که انتفاع از آن مقدور نباشد. این مطلب با یک مثال کاملاً روشن میگردد. فرض کنیم خانه‌ای موقوفه است و بر اثر یک زلزله پی‌ها و جرزهای ساختمان خرد شده و سقفها ترك برداشته است چون چنین خانه‌ای مستاجر پیدا نخواهد کرد بنابر این درآمدی نخواهد داشت که صرف آبادی آن بشود و از طرفی اگر بهمین حالت باقی بماند خوف آنست که بکلی ویران گردد و هیچگونه درآمدی نداشته باشد و در این حال اشخاصی یافت میشوند که آنرا میخرند و بکلی ویران کرده و ساختمانی دیگر بسازند در اینصورت است که فروش موقوفه جایز می‌شود.

د - بطور کلی عمران و آبادانی موقوفه میسر نباشد:

باید دانست که چون عمران و آبادی موقوفه بر هر خرج دیگر آن مقدم است بنا براین هرگاه ملک وقفی رو به خرابی گذارد هر مقدار درآمد که عاید شود بایستی ابتدا صرف آبادی آن شود مثلاً اگر در سالی بعثت یک سیل بهاری قنات موقوفه خراب شود باید از عایدی موقوفه تا آنجا که لازمست صرف بیرون آوردن خاک‌های قنات و تعمیر آن کرد، هر چند که مستلزم صرف عایدات چند سال وقف باشد همینطور در مستغلات باید عمل شود. بنا براین تا آنجا که میسر است نباید ملک وقف را فروخت بلکه بایستی جهد بلیغ در آبادانی و عمران آن کرد ولی اگر میسر نباشد فروش ملک وقف جایز خواهد شد.

هرگاه بجهات یاد شده ، فروش ملک وقف جایز باشد میتوان آنرا فروخت و در عوض مالی دیگر برای موقوفه تدارک کرد که اقرب بفرض واقف باشد بعبارت دیگر هرگاه عین موقوفه ملک مزروعی باشد که بفروش میرسد باید در ازاء آن ، ملک آباد دیگری خریده شود یا منزل دیگری ابتیاع و وقف گردد ، و در حال حاضر که املاک قابل خرید و فروش نیست چنانچه سابقاً ملک وقفی بفروش رسیده باشد مثلاً مستغل شهری با پول آن خریداری و وقف گردد ، و بهر حال آنچه در مقابل پول فروش موقوفه خریداری میشود بایستی عین مال باشد که بقاء آن میسر و مقدور باشد .

۵- هرگاه بتوان قسمتی از ملک وقف را فروخت و با پول آن قسمت دیگر را آباد ساخت مسلماً نمیتوان تمام موقوفه را بفروش رسانید بلکه باید مقداری از ملک وقف را بفروش رسانید و با مبلغ بدست آمده بقیه موقوفه را آباد ساخت .

و- مورد دیگریکه اجازه فروش ملک را میدهد بیم سفک دماء در بین موقوف علیهم است بدینمعنی که در بین موقوف علیهم اختلاف بروز کند و این اختلاف شدت یابد بطوریکه یا ملک وقف خراب شود و یا آنکه موقوف علیهم بنزاع پردازند و باعث کشتن یکدیگر شوند . در اینصورت باید ملک وقف را فروخت .

## فصل چهارم

توانین و مقرراتیکه برای اوقاف و اداره امور موقوفات تابع حال  
وضع گردیده به دو صورت تهیه شده است بعضی از آنها مستقیماً بمنظور  
اداره امور موقوفات تدوین شده است مانند قانون اوقاف و آئین نامه  
مربوط بآن و بعضی دیگر غیر مستقیم و در ضمن تعیین تکالیف مختلف  
افراد ایرانی در امور عمومی بوده است مانند « قانون مدنی » و  
« قانون ثبت اسناد » و غیره .

در عین حال قسمت عمده از این قوانین از فقه اسلام اقتباس

شده است مانند آنچه در قانون مدنی مذکور است و پاره‌ای دیگر بنا به مقتضیات و ضروریات کشور تدوین شده است مانند قانون اوقاف ، قانون ثبت ، قوانین مربوط به شهرداری در اینجا فهرستی از قوانین و مقرراتیکه مجموعاً یا بنحوی از انحاء مربوط بوقف میشود میآوریم

الف - قوانین :

- ۱ - قانون اوقاف مشتمل بر ده ماده مصوب سوم دیماه ۱۳۱۳
- ۲ - مواد ۶ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ قمری .
- ۳ - قانون مدنی شامل مواد ۴۷ و ۵۵ تا ۹۱ و مواد ۳۴۹ و ۴۴۹ .
- ۴ - شق سوم از ماده ۱۶ آئین دادرسی مدنی .
- ۵ - قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و اداره اوقاف مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰ شمسی .
- ۶ - قانون راجع به اراضی دولت و شهرداری‌ها و اوقاف و بانکها مصوب ۱۳۳۵/۶/۸
- ۷ - قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف در استان خوزستان در شهرستان‌های مشهد و قم مصوب دهم مهرماه
- ۸ - قانون راجع باصلاح قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب دیماه ۱۳۳۹ .
- ۱۰ - ماده ۲ قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۴۵

- ۱۱ - ماده ۴ قانون خالصجات انتقالی مصوب ۲ اسفند ۱۳۰۶
- ۱۲ - ماده ۲ قانون الحاقی بقانون اصلاحات ارضی .
- و بعضی قوانین دیگر که در عمل با اوقاف تماس پیدا میکند مانند قانون توسعه معابر یا موادی از قوانین مدنی ( مواد راجع به اهلیت طرفین متعاملین ، بیع و غیره )
- ب - مقررات و آئین‌نامه‌های مربوط باوقاف
- ۱ - نظامنامه قانونی اوقاف مشتمل بر کلیات و شش فصل و یک خاتمه در ۷۳ ماده و ۲۳ تبصره و تصویب‌نامه‌های الحاقی آن مصوب ۱۳۱۴/۲/۱۳ هیأت وزرا
- ۲ - نظامنامه طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق مشتمل بر سه قسمت و ۳۳ ماده مصوب ۱۳۱۴/۶/۴
- ۳ - مواد ۱۴ تا ۱۹ و ۵۰ نظامنامه قانون ثبت .
- ۴ - آئین‌نامه قانون اوقاف مشتمل بر کلیات و هشت فصل در ۵۹ ماده مصوب ۱۳۴۷
- ۵ - آئین‌نامه ماده ۲ قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۴۶
- ۶ - آئین‌نامه طرز تحقیق مصوب ۱۳۴۷
- ۷ - آئین‌نامه شورای عالی اوقاف
- قوانین موضوعه در مورد وقف و اوقاف از عرزمان که بتصویب رسیده است تا بحال مورد اجراست ولی از آئین‌نامه‌های ذکر شده در بالا آئین‌نامه اوقاف مصوب سال ۱۳۱۴ ملغی اثر شده است



و سایر آئین نامه ها بقوت خود باقی است .

آنچه ذیلاً توضیح داده میشود مربوط به قوانین و مقررات موجود و قابل اجراست و در این خصوص از قانون اوقاف مصوب ۱۳۱۳ و قانون وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ قمری و آئین نامه اوقاف مصوب سال ۱۳۴۷ شمسی اقتباس شده است .

### الف - قانون اوقاف :

قانون اوقاف کلاً ده ماده و هشت تبصره است که در تاریخ سوم دیماه ۱۳۱۳ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و رویهم رفته از طرز اداره موقوفات وسیله دولت بحث کرده و وظیفه سازمان اوقاف و متولیان و متصدیان موقوفات را تعیین نموده است .

#### قانون اوقاف در موضوعات :

متولی و متصدی - نظارت اوقاف - مدت وقف - میزان حق - التولیه و حق النظاره - تبدیل با حسن موقوفات و دخالت متولیان در کارهای وقف بحث مینماید بدون آنکه تعریفی از این موارد بدست بدهد و بنظر میرسد که چون قانون اوقاف مؤخر بر قانون مدنی تدوین گردیده و قانونگذار احتیاجی به تکرار ندیده است ما در اینجا آنچه از متن این قانون مستفاد میشود مینگاریم .

ماده اول قانون اوقاف اداره موقوفاتی که متولی ندارد و یا مجهول التولیه است بر عهده دولت واگذار کرده و ضمناً پیشینی

نموده است که هرگاه موقوفه‌ای متصدی داشته باشد ممکنست دولت موقوفه را در دست او ابقاء کند .

آنچه از این ماده مستفاد میشود اینست که اولاً کسی که اداره امور موقوفه‌ای را قانوناً بر عهده دارد متولی است و این شخص قاعدتاً کسی است که از طرف واقف با ذکر نام یا صفت خاصی تعیین شده باشد ، ثانیاً اشخاصی بوده‌اند که بدون آنکه اسم آنان در وقفنامه آمده باشد با آنکه منطبق با صفات مذکور در وقفنامه باشد اداره امور موقوفه‌ای را در دست گرفته‌اند و قانونگذار اینگونه افراد را بنام متصدی شناخته است و به دولت اجازه داده است که اگر مصلحت بداند و زمان و مکان اقتضاء کند موقوفه را در دست آنان ابقاء نماید . و البته چنانچه صلاح ندانست آنان را معزول خواهد نمود و چون متولی طبق قانون قابل عزل نیست ( حتی اگر مرتکب خیانتی بموقوفه شده باشد ) و از طرفی متصدی را میتوان معزول ساخت بنابر این میشود گفت که متصدیان موقوفات در واقع نمایندگان سازمان اوقاف در اداره امور موقوفات هستند ، هر موقع سازمان اوقاف اراده کند آنان را از نمایندگی خود برکنار میسازد .

۱ - طبق ماده ۵ قانون تفکیک اوقاف از فرهنگ در سال ۱۳۴۳ اوقاف در حال حاضر بصورت سازمان و زیر نظر نخست وزیر انجام وظیفه میکند . از اینرو هر جا در قانون از وزارت معارف و اوقاف اسم آمده ما در اینجا بنام سازمان اوقاف ذکر کرده‌ایم .

در ماده دوم قانون اوقاف مقرر مي‌دارد كه هرگاه موقوفه عام داراي متولي مخصوص باشد سازمان اوقاف بر اين موقوفه نظارت كامل داشته و بايد طبق مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف و اشغال ۱۳۲۸ قمری و ضميمه آن رفتار كنند در اينجا بچند مطلب بايد توجه كرد :

اولاً موقوفه عام . ثانياً متولي مخصوص . ثالثاً نظارت اوقاف رابعاً مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف .

در مورد موقوفات عامه قبلاً در فصل سوم بحث شده است و احتياجي به تكرار ندارد در خصوص متولي نيز در همان فصل گفتگو شده ولي مطلبي كه بايد در اينجا بآن اشاره شود لغت (مخصوص است) .

قانون اوقاف براي متولي دو لغت ( مخصوص در ماده ۴ ) و ( مخصوص در ماده ۵ ) ذكر نموده است و تصور مي‌رود كه منظور قانونگذار از اين دو لفظ اينستكه هرگاه نام متولي از طرف واقف در متن وقفنامه ذكر شده باشد و عبارت ديگر واقف متولي بعد از خود را با نام و مشخصات تعيين كرده باشد متولي بعدی منصوب خواهد بود ولي اگر متولي بعدی را با ذكر صفات مانند اتقي اعلم ، اكبر - ارشد و غيره تعيين كرده باشد آن متولي ( مخصوص ) خواهد بود . اما نظارت اوقاف بر موقوفات بایستی طبق مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف اوقاف انجام گیرد و قانون اخيرالذكر در اين

خصوص مقرر مي‌دارد كه براي اجراي نظارت صحيح سازمان اوقاف بایستی از وقفنامه‌ها و موقوفات مركز شهرستان‌ها و بخشها و دهات تمام مملكت صورت صحيحي تهيه كند و بر كليۀ اعمال متولیان و نظار موقوفات و طرز وصول و ايصال عوايد ، بر موقوفات نظارت كند و از حيف و ميل آنها خواه نسبت با عيان رقبات و خواه نسبت به عوايد آنها جلوگیری بعمل آورد و در آبادی رقبات موقوفات بكوشد و مراقبت كند كه عوايد موقوفات به مصرفي كه در وقفنامه تعيين شده است برسد و بعلوه منافع موقوفاتی را كه مصرف معینی ندارد صرف مطلق بریات و تعلیمات و فوائد عمومی بنماید .

همچنین در ماده ۷ اين قانون تسويه اختلاف بين متولي و نظار و خدمه و حتی موظفين موقوفات را برعهده سازمان اوقاف قرار داده و مقرر مي‌دارد كه در نوشتجات و اسناد مراجعه باوقاف و در صورت لزوم مراجعه به دادگستري بنماید و همچنین ، تحقيق جمع و خرج عايدی موقوفات مختلفه و تحقيق و تمیز املاك موقوفه از املاك شخصي جزو وظائف سازمان اوقاف است .

تبصره ذیل ماده ۲ قانون اوقاف عمران و آبادی رقبات موقوفات را بر هر امر دیگری مقدم دانسته است .

ماده سوم قانون اوقاف ناظر بر مدت و انواع وقف است بدین معنی كه مقرر مي‌دارد .

در ماده دوم قانون اوقاف مقرر میدارد که هرگاه موقوفه عام دارای متولی مخصوص باشد سازمان اوقاف براین موقوفه نظارت کامل داشته و باید طبق مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف و اشغال ۱۳۲۸ قمری و ضمیمه آن رفتار کند در اینجا بچند مطلب باید توجه کرد :

اولاً موقوفه عام . ثانیاً متولی مخصوص . ثالثاً نظارت اوقاف رابعاً مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف .

در مورد موقوفات عامه قبلاً در فصل سوم بحث شده است و احتیاجی به تکرار ندارد در خصوص متولی نیز در همان فصل گفتگو شده ولی مطلبی که باید در اینجا بآن اشاره شود لغت (مخصوص است) .

قانون اوقاف برای متولی دو لغت (مخصوص در ماده ۲) و (مخصوص در ماده ۵) ذکر نموده است و تصور می‌رود که منظور قانونگذار از این دو لفظ اینست که هرگاه نام متولی از طرف واقف در متن وقفنامه ذکر شده باشد و عبارت دیگر واقف متولی بعد از خود را با نام و مشخصات تعیین کرده باشد متولی بعدی منصوص خواهد بود ولی اگر متولی بعدی را با ذکر صفات مانند اتقی اعلم ، اکبر - ارشد و غیره تعیین کرده باشد آن متولی (مخصوص) خواهد بود . اما نظارت اوقاف بر موقوفات بایستی طبق مواد ۴ و ۷ قانون وزارت معارف و اوقاف انجام گیرد و قانون اخیرالذکر در این

خصوص مقرر میدارد که برای اجرای نظارت صحیح سازمان اوقاف بایستی از وقفنامه‌ها و موقوفات مرکز شهرستان‌ها و بخشها و دهات تمام مملکت صورت صحیحی تهیه کند و بر کلیه اعمال متولیان و نظار موقوفات و طرز وصول و ایصال عواید ، بر موقوفات نظارت کند و از حیث و میل آنها خواه نسبت باعیان رقبات و خواه نسبت به عواید آنها جلوگیری بعمل آورد و در آبادی رقبات موقوفات بکوشد و مراقبت کند که عواید موقوفات به مصرفی که در وقفنامه تعیین شده است برسد و به علاوه منافع موقوفاتی را که مصرف معینی ندارد صرف مطلق بریات و تعلیمات و فوائد عمومی بشاید .

همچنین در ماده ۷ این قانون تسویه اختلاف بین متولی و نظار و خدمه و حتی موظفین موقوفات را برعهده سازمان اوقاف قرار داده و مقرر میدارد که در نوشتجات و اسناد مراجعه باوقاف و در صورت لزوم مراجعه به دادگستری بنماید و همچنین ، تحقیق جمع و خرج عایدی موقوفات مختلفه و تحقیق و تمیز املاک موقوفه از املاک شخصی جزو وظایف سازمان اوقاف است .

تبصره ذیل ماده ۲ قانون اوقاف عمران و آبادی رقبات موقوفات را بر هر امر دیگری مقدم دانسته است .

ماده سوم قانون اوقاف ناظر بر بدت و انواع وقف است بدین معنی که مقرر میدارد .

« اسوال غیر منقول که بر حسب نذر و یا وصیت »  
 « و یا حبس منافع آن به طور دائم یا در مدتی که کمتر »  
 « از ۱۸ سال نباشد برای مصارف عامه تخصیص »  
 « داده شده مشمول مواد ۲ و ۱ این قانون خواهد »  
 « بود . »

بنا به مدلول ماده وقف بر دو قسم دائم و موقت تقسیم میشود  
 به شرطی که مدت آن کمتر از ۱۸ سال نباشد ثانیاً وقف موقت را بنام  
 حبس ذکر کرده است و ثالثاً ثلث باقی را نیز جزو موقوفات آورده  
 است . بهر حال باید مصارف نذر یا حبس یا ثلث باقی عام باشد و  
 بعلاوه مدت آن بالغ بر ۱۸ سال باشد تا سازمان اوقاف بتواند نظارت کند.  
 همانطور که ماده دوم قانون اوقاف تکلیف سازمان اوقاف را  
 نسبت به موقوفات عامه روشن میسازد . ماده های چهارم و هفتم  
 این قانون نیز تکلیف سازمان اوقاف را نسبت به موقوفات خاصه تعیین  
 مینماید . در ماده چهارم مقرر است که سازمان اوقاف جز در مورد  
 ماده ۷ در امور موقوفات خاصه دخالتی ندارد . ماده هفتم دخالت  
 کردن سازمان اوقاف را در امور اوقاف خاصه بدو مورد فروش موقوفه  
 یا اجاره آنها در مدتی بیشتر از ده سال منحصر ساخته است .

فروش موقوفات اعم از خاصه یا عامه را قانون اوقاف تابع  
 مواد ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ قانون مدنی دانسته است و مواد ۸۸ و ۸۹  
 قانون مدنی سه شق پیش بینی کرده است اول آنکه تمام مال وقف  
 خراب شود یا ترسی از خرابی آن باشد بطوریکه انتقال از آن ممکن

نباشد و بعلاوه آبادانی و عمران آن ممکن نشود و کسی هم برای  
 معمور ساختن آن حاضر نباشد در اینصورت تمام موقوفه خراب شده  
 بفروش میرسد شق ثانی آنستکه قسمتی از وقف خراب شود یا مشرف  
 به خرابی شود بطوریکه بهره برداری از آن میسر نشود که در این  
 صورت همان قسمت خراب شده موقوفه باید به فروش برسد و بقیه  
 را باید نگهداری کرد .

شق سوم آنستکه بعضی موقوفه طوری خراب شود که باعث سلب  
 انتفاع از تمام موقوفات بشود که در اینصورت مانند شق اول باید  
 تمام موقوفه را بفروش رسانید و در هر حال پس از فروش قسمتی  
 یا تمام موقوفه طبق ماده ۹۰ قانون مدنی باید محلی دیگر که  
 اقرب به قرض واقف باشد خریداری و وقف کرد .

قانون اوقاف فروش مال موقوفه خاصی را نیز مشمول این سه ماده  
 از قانون مدنی دانسته است ولی بموجب قانون اصلاحات ارضی  
 املاک زراعی موقوفات خاصه بایستی بزارعین صاحب نسق آن فروخته  
 شود و از محل در آمد فروش موقوفه دیگری تدارک گردد و چون  
 قانون اصلاحات ارضی مؤخر بر قانون مدنی است در این قسمت ناسخ  
 آن نیز خواهد بود و باید بموجب آن کلیه املاک زراعی موقوفات  
 خاصه بزارعین صاحب نسق فروخته شود .

اما در خصوص اجاره موقوفات با مدتی بیشتر از ده سال باید  
 دانست که چون سازمان اوقاف بطور کلی بر موقوفات کشور نظارت

قانون مینماید و معمولاً مطابق وقفنامه‌ها عموم موقوفات عامه بمدتی که کمتر از یکسال و زیاده بر سه سال باشد باجاره داده نمی‌شود، بنابر این هرگاه موقوفه عامه با نظارت اوقاف باجاره واگذار شود شرایط اقتصادی زمان و بعبارت دیگر صرفه و غبطه وقف ملحوظ شده است.

در موقوفات خاصه نیز بعلم آنکه از حیطه نظارت سازمان اوقاف خارج است اگر بخواهند در مدتی بیشتر از ده سال اجاره دهند ممکنست موقوف علیهم شرایط اقتصادی و صلاح وقف را در نظر نگیرند و برای استفاده‌های آنی موقوفه را حیف و میل بنمایند از اینرو قانون پیش‌بینی کرده است که هرگاه بخواهد موقوفه خاصه‌ای را بیشتر از ده سال اجاره دهد بایستی سازمان اوقاف دخالت کند زیرا سازمان اوقاف ناظر بی‌طرفی و بی‌غرضی است که صرفه و صلاح موقوفه و موقوف علیهم را در نظر خواهد داشت.

در عین حال باید گفت که موقوفات عامه نیز اوقاف نمیتواند ملک موقوفه بیشتر از ده سال اجاره دهد مگر با اجازه شورایعالی اوقاف که از آن بموقع بحث خواهد شد.<sup>۱</sup>

ماده پنج و شش قانون اوقاف مربوط است به ثبت‌رقبات موقوفات و تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت اختصاصیکه مال موقوفه را بثبت

۱ - طبق ماده دوی قانون اصلاحات ارضی - اراضی سزوعی موقوفات بمدت ۹ سال بزارعین صاحب نسق اجاره داده میشود با شرط اینکه هر پنج سال تجدید اجاره گردد.

ملکی تقاضا کرده‌اند چه از طرف متولی و چه از طرف سازمان اوقاف و احياناً طرح دعوی از طرف سازمان اوقاف در محاکم صالح بعنوان شخص ثالث و اعتراض بر حکم محاکم دادگستری و همچنین تعیین تکلیف مخارج محاکمه.

ماده هشتم قانون مربوط به اوقاف است که متولی وقف خیانت مینماید طبق آن ماده در مواقعیکه خیانت متولی وقف از طرف اداره تحقیق اوقاف محرز گردید باید موقتاً ناظری بر او بگمارند و برای ضم اسین به دادستان مراجعه کنند تا مطابق قوانین موضوعه اقدام شود. ماده نهم میزان حق التولیه موقوفاتی که در تصرف اداره اوقاف است و اداره مذکور بعنوان متولی در موقوفه مداخله میکند یکک عشر از عایدات خالصی و همچنین حق نظارت اوقاف را نیم عشر تعیین کرده است. النهایه در تبصره یکک از ماده مذکور حق التولیه بیمارستانها و مدارس را ۳ درصد و حق النظاره آنرا به ۲ درصد معین کرده است و در تبصره ۲ ماده فوق الذکر دستور داده شده است که:

- « عواید حاصله از حق النظاره را بعد از مخارج »
- « وصول که نباید از صدی ده کل عایدات مزبور »
- « تجاوز کنند بمصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه »
- « تاریخی و مرمت مدارس قدیمه و اساکن و آثار »
- « مقدسه ملی خواهد رسانید و در صورتیکه موارد »
- « مصرف در حوزه وقف باشد حق تقدم خواهد داشت »



قانون مینماید و معمولاً مطابق وقفنامه‌ها عموم موقوفات عامه بمدتی که کمتر از یکسال و زیاده بر سه سال باشد باجاره داده نمی‌شود، بنا بر این هرگاه موقوفه عامه با نظارت اوقاف باجاره واگذار شود شرایط اقتصادی زمان و عبارت دیگر صرفه و غبطه وقف مدخوظشده است.

در موقوفات خاصه نیز بعلم آنکه از حیثه نظارت سازمان اوقاف خارج است اگر بخواهند در مدتی بیشتر از ده سال اجاره دهند ممکنست موقوف علیهم شرایط اقتصادی و صلاح وقف را در نظر نگیرند و برای استفاده‌های آنی موقوفه را حیف و میل بنمایند از اینرو قانون پیش‌بینی کرده است که هرگاه بخواهد موقوفه خاصه‌ای را بیشتر از ده سال اجاره دهد بایستی سازمان اوقاف دخالت کند زیرا سازمان اوقاف ناظر بی‌طرفی و بی‌غرضی است که صرفه و صلاح موقوفه و موقوف علیهم را در نظر خواهد داشت.

در عین حال باید گفت که موقوفات عامه نیز اوقاف نمیتواند ملک موقوفه بیشتر از ده سال اجاره دهد مگر با اجازه شورایعالی اوقاف که از آن بموقع بحث خواهد شد.<sup>۱</sup>

ماده پنج و شش قانون اوقاف مربوط است به ثبت‌رقبات موقوفات و تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت اشخاصیکه مال موقوفه را بثبت

۱ - طبق ماده دوی قانون اصلاحات ارضی - اراضی مزروعی موقوفات بمدت ۹ سال بزارعین صاحب نسق اجاره داده میشود با شرط اینکه هر پنج سال تجدید اجاره گردد.

ملکی تقاضا کرده‌اند چه از طرف متولی و چه از طرف سازمان اوقاف و احياناً طرح دعوی از طرف سازمان اوقاف در محاکم صالح بعنوان شخص ثالث و اعتراض بر حکم محاکم دادگستری و همچنین تعیین تکلیف مخارج محاکمه.

ماده هشتم قانون مربوط به اوقاف است که متولی وقف خیانت مینماید طبق آن ماده در مواقعیکه خیانت متولی وقف از طرف اداره تحقیق اوقاف محرز گردید باید موقتاً ناظری بر او بکارند و برای ضم اسین به دادستان مراجعه کنند تا مطابق قوانین موضوعه اقدام شود. ماده نهم میزان حق التولیه موقوفاتیکه در تصرف اداره اوقاف است و اداره مذکور بعنوان متولی در موقوفه مداخله میکند یک عشر از عایدات خالصی و همچنین حق نظارت اوقاف را نیم عشر تعیین کرده است. النهایه در تبصره یک از ماده مذکور حق التولیه بیمارستانها و مدارس را ۳ درصد و حق النظاره آنرا به ۲ درصد معین کرده است و در تبصره ۲ ماده فوق الذکر دستور داده شده است که:

- « عواید حاصله از حق النظاره را بعد از مخارج »
- « وصول که نباید از صدی ده کل عایدات مزبور »
- « تجاوز کند بمصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه »
- « تاریخی و مرمت مدارس قدیمه و اساکن و آثار »
- « مقدسه ملی خواهد رسانید و در صورتیکه موارد »
- « مصرف در حوزه وقف باشد حق تقدم خواهد »
- « داشت »



و بالاخره ماده دهم این قانون راجع است به تهیه نظامنامه اجرای این قانون در مورد موقوفاتی که تصدی آن با سازمان اوقاف است یا نظارت بر موقوفاتی که متولی دارد همچنین تعیین مصارف موقوفات مجهول المصروف یا میراث مطلق و متعذر المصروف و در آخر ماده مقرر گردیده است که آئین نامه این قانون باید به تصویب هیئت دولت برسد تا قابل اجرا باشد.

ب - آئین نامه های اوقاف :

تا کنون دو آئین نامه برای قانون اوقاف و دو آئین نامه برای طرز تحقیق ادارات تحقیق تهیه و به تصویب هیئت دولت رسیده است. اولین آئین نامه اوقاف در ۷۶ ماده و چند تبصره بوده که در جلسه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ به تصویب رسیده اولین نظامنامه طرز تحقیق در ششم بهمن ماه ۱۳۲۱ در ۳۳ ماده به تصویب هیئت وزراء رسیده و بموقع اجرا گزارده شده است ولی چون آئین نامه یاد شده وانی به مقصود نبود در سال ۱۳۴۷ آئین نامه های دیگر تدوین و به تصویب هیئت دولت رسید و بموقع اجرا درآمد.

آئین نامه قانونی اوقاف مصوب ۱۳۴۷ کلا ۵۹ ماده و ۱۵ تبصره دارد و به تصویب دولت رسیده است و آئین نامه های طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق و اوقاف مشتمل بر ۳۶ ماده و ۲ تبصره است که مطابق ماده ۵۸ آئین نامه اوقاف در ۴۷/۷/۷ به تصویب شورای عالی اوقاف رسیده و در ادارات تحقیق اوقاف مجری

است رویه مرسته آئین نامه اوقاف دارای یک کلیات و هشت فصل است بشرح زیر :

- |             |  |
|-------------|--|
| فصل اول :   | کلیات .  |
| فصل دوم :   | وظایف اوقاف و متولیان .  |
| فصل سوم :   | موقوفات مجهول المصروف و متعذر المصروف و وقف بر خیرات و میراث مطلقه . |
| فصل چهارم : | حق التولیه و حق النظاره اداره اوقاف                                  |
| فصل پنجم :  | موارد ممنوعیت مداخله متولیان و نظاره                                 |
| فصل ششم :   | وظایف تحقیق اوقاف .  |
| فصل هفتم :  | مواد متفرقه .  |

اما من حیث المجموع در این فصل سه نوع مشخص در آئین نامه پیش بینی شده است .

- |       |                                  |
|-------|----------------------------------|
| یکم : | اعمال تولیتی و وظایف مخصوص آنها  |
| دوم : | اعمال نظارتی و وظایف مخصوص بآنها |
| سوم : | اعمال تحقیقی و وظایف مخصوص بآنها |

یکم : اعمال تولیتی ، اتفاق می افتد که موقوفه یا موقوفاتی بعملی متولی نداشته باشد (مانند اینکه یک متولی فوت میکند و از زمان فوت او تا تعیین متولی بعدی مسکنست مدتی بطول انجامد موقوفه بلا تصدی باقی بماند .) یا اصولا موقوفه ای باشد که کسی مدعی تولیت آن نباشد. در اینگونه موارد باید در امور موقوفه وقفه ای راه نیابد . از اینرو قانون و آئین نامه اوقاف در ماده اول پیش بینی



و بالاخره ماده دهم این قانون راجع است به تهیه نظامنامه اجرای این قانون در مورد موقوفاتی که تصدی آن با سازمان اوقاف است یا نظارت بر موقوفاتی که متولی دارد همچنین تعیین مصارف موقوفات مجهول المصروف یا مبرات مطلق و متعذر المصروف و در آخر ماده مقرر گردیده است که آئین نامه این قانون باید به تصویب هیئت دولت برسد تا قابل اجراء باشد.

ب - آئین نامه های اوقاف :

تا کنون دو آئین نامه برای قانون اوقاف و دو آئین نامه برای طرز تحقیق ادارات تحقیق تهیه و به تصویب هیئت دولت رسیده است . اولین آئین نامه اوقاف در ۷۶ ماده و چند تبصره بوده که در جلسه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ به تصویب رسیده اولین نظامنامه طرز تحقیق در ششم بهمن ماه ۱۳۲۱ در ۳۳ ماده به تصویب هیئت وزراء رسیده و بموقع اجراء گزارده شده است ولی چون آئین نامه یاد شده وانی به مقصود نبود در سال ۱۳۴۷ آئین نامه های دیگر تدوین و به تصویب هیئت دولت رسید و بموقع اجراء درآمد .

آئین نامه قانونی اوقاف مصوب ۱۳۴۷ کلا ۵۹ ماده و ۱۵ تبصره دارد و به تصویب دولت رسیده است و آئین نامه های طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق و اوقاف مشتمل بر ۳۶ ماده و ۲ تبصره است که مطابق ماده ۵۸ آئین نامه اوقاف در ۷/۷/۴۷ به تصویب شورای عالی اوقاف رسیده و در ادارات تحقیق اوقاف مجری

است رویه گرفته آئین نامه اوقاف دارای یک کلیات و هشت فصل است بشرح زیر :

- |             |  |
|-------------|--|
| فصل اول :   | کلیات .  |
| فصل دوم :   | وظایف اوقاف و متولیان .  |
| فصل سوم :   | موقوفات مجهول المصروف و متعذر المصروف و وقف بر خیرات و مبرات مطلقه . |
| فصل چهارم : | حق التولیه و حق النظاره اداره اوقاف                                  |
| فصل پنجم :  | موارد ممنوعیت مداخله متولیان و نظار .                                |
| فصل ششم :   | وظایف تحقیق اوقاف .  |
| فصل هفتم :  | مواد متفرقه .  |

اما من حیث المجموع در این فصل سه نوع مشخص در آئین نامه پیش بینی شده است .

- |       |                                  |
|-------|----------------------------------|
| یکم : | اعمال تولیتی و وظایف مخصوص آنها  |
| دوم : | اعمال نظارتی و وظایف مخصوص بآنها |
| سوم : | اعمال تحقیقی و وظایف مخصوص بآنها |

یکم : اعمال تولیتی ، اتفاق می افتد که موقوفه یا موقوفاتی معلی متولی نداشته باشد (مانند اینکه یک متولی فوت میکند و از زمان فوت او تا تعیین متولی بعدی ممکنست مدتی بطول انجامد موقوفه بلا تصدی باقی بماند .) یا اصولا موقوفه ای باشد که کسی مدعی تولیت آن نباشد . در اینگونه موارد باید در امور موقوفه وقفه ای راه نیابد . از اینرو قانون و آئین نامه اوقاف در ماده اول پیش بینی



کرده است که اداره‌ی اینگونه موقوفات با سازمان اوقاف است و ماده هشتم آئین‌نامه نوع موقوفاتی که اداره آن با ادارات اوقاف است بشرح زیر تعیین کرده است :

- ۱ - موقوفاتی که متولی ندارد .
  - ۲ - موقوفات مجهول التولیه .
  - ۳ - موقوفاتی که سازمان اوقاف به نمایندگی از طرف متولی یا قائم مقام او اداره کند .
  - ۴ - موقوفاتی که متولی آنها فوت میشود تا تعیین یا تشخیص متولی بعدی .
  - ۵ - موقوفاتی که متولی آنها ممنوع شده‌اند تا رفع ممنوعیت .
- در مواقعی که ادارات اوقاف متولی موقوفه‌ای هست از هرجهت باید مانند متولیان مخصوص رفتار کنند مانند اینکه موقوفه را آباد سازند برای نگهداری حساب موقوفات از نظر درآمد هزینه سالانه دفتر تهیه کنند ، برای جمع‌آوری در آمد و اجاره دادن موقوفات کوشش نمایند ، درمخارج موقوفه طبق قوانین و وقفنامه‌ها اقدام نمایند برای ثبت رقبات موقوفات و حفظ آنها عمل نمایند و در موقع لازم نسبت به تبدیل یا حسن رقبات یا موقوفات اقدام لازم معمول دارند .
- بدین منظور سازمان اوقاف نسبت بموقوفات متصرفی<sup>۱</sup> اداراتی

۱ - موقوفات متصرفی اصطلاحی است در اوقاف که مخصوص موقوفاتیست که تولیت آنها برعهده اداره اوقاف است .

دایر کرده است تا وظایف محوله را بتواند انجام دهد و بطور کلی برای اجرای اعمال تولیتی سازمان اوقاف باید مانند یک متولی تحصیل عواید کند و سپس آنرا بمصارف معین شده در وقفنامه برساند.

### تحصیل عایدی :

- در تحصیل عایدی نکات زیر مورد توجه است :
- ۱ - آباد و معمور نگهداشتن رقبات .
  - ۲ - باجاره واگذاردن موقوفات .
  - ۳ - نگهداری آن از نظر به ثبت رساندن و دریافت مالکیت و احياناً اقامه دعوی علیه کسانی که به موقوفه تجاوز کرده‌اند در محاکم صالحه .

### ۱- آبادی موقوفات :

مسلم است که هرگاه خواسته باشیم از ملک یا مستغلی کسب عایدات کنیم باید ساختمان آنرا طوری نگهداری کنیم که همه کس بتواند از آن منتفع گردد و بدین منظور رقبات وقف نیز باید همه ساله تعمیر شود و گاه بنیانی و اساسی ساخته شود تا افرادی حاضر باجاره آنها شده هم خود بهره‌مند گردند و هم مبلغی بعنوان اجاره بها عاید

## قوانین و مقررات اوقاف

موقوفه شود از اینرو سازمان اوقاف در بودجه های موقوفات خود همیشه مبلغی بعنوان آبادی و تعمیرات اساسی موقوفه پیش بینی مینماید تا چنانچه اتفاقاً رقبه ای احتیاج به تعمیر داشته باشد اقدام نماید و در واقع رقبات را همیشه دایر و معمور نگهدارد.

بدین منظور صندوقی بنام «صندوق عمران موقوفات» با چهل ملیون ریال سرمایه که از بابت ذخیره احتیاطی موقوفات جمع آوری شده در سازمان اوقاف بصورت شرکت تشکیل شده که برای عمران و آبادی موقوفات وام می دهد و سود دریافتی آن بسیار ناچیز و بقدر تکافوی مخارج صندوق است.

این صندوق صرفاً برای آبادی موقوفات است و هیچگونه نظر انتفاعی ندارد و سهام آن یکهزار ریال است که بین صاحبان سهام (موقوفاتی که ذخیره احتیاطی پرداخته اند) تقسیم خواهد شد.

وجود صندوق عمران موقوفات از اقداماتی است که امید میرود در آینده نزدیک باعث آبادی و زیبایی عموم موقوفات کشور بشود.

## ۳- اجاره دادن موقوفات :

سازمان اوقاف کلیدی رقبات موقوفات را باجاره میدهد و میشود گفت که مبلغ عایدات اوقاف متصرفی مال الاجاره ایست که از طریق اجاره دادن موقوفات کسب میکند. برای آنکه براین عایدی نتیجه صحیح و شایسته ای صورت گیرد آئین نامه قانون اوقاف دستور میدهد

## وقف در ایران

که رقبات را از طریق مزایده باجاره واگذار کنند. این عمل مستلزم آنستکه ملکی از املاك موقوفه (دكان، منزل و غیره) بدون مستأجر باشد، زیرا اگر مثلاً دكاني در اجاره کسی باشد مستأجر حق سرقفلی دارد و هرگاه بخواهند مستأجری را از آن خارج کنند باید سرقفلی او را هم بپردازند و گاه حق سرقفلی به میلیونها ریال بالغ میشود و موقوفه استطاعت پرداخت آنرا ندارد. بنابراین در مورد اجاره املاك وقف دو صورت ممکنست تصور شود. اول اینکه ملک وقف تازه ساز بوده و مستأجر ندارد. دوم آنکه از سابق مستأجر داشته است و در شق دوم نیز ملک وقف یا مغازه و دكان است یا اینکه منزل و امثال آنست. بهر حال اگر ملک وقف تازه ساز بوده و مستأجر نداشته باشد اوقاف بایستی آنرا بمزایده و در آگهی مزایده هم در مورد مغازه و دكان میزان سرقفلی آنرا که باید مستأجر آینده بپردازد تعیین کنند و هرگاه وقف دارای مستأجری باشد که مدت اجاره او سرآمده است کارشناس رسمی اوقاف مال الاجاره آینده را تعیین مینماید و با مستأجر عقد اجاره دیگری بسته میشود.

اما نسبت باملاك مزروعی موقوفه باید دانست که طبق قانون اصلاحات ارضی کلیه املاك موقوفات عام بایستی ۹۹ ساله باجاره زارعین صاحب نسق داده شود ولی هر پنج سال یکمرتبه بنابر آنکه قیمتها در چه وضعی باشد تجدید اجاره شود و طبق متن قانون کلیه املاك مزروعی موقوفه خاص بایستی بزارعین صاحب نسق فروخته شود و با وجوه حاصله از فروش تدارك وقف دیگری دیده شود.

### ۳- نگهداری موقوفات :

گفته شد که ادارات اوقاف در مورد موقوفات عامه ای که متصرف هستند در واقع متولی آن محسوب میشوند بنابراین بایستی هر یک موقوفه را به ثبت رسانند و سند آنرا دریافت دارند و احیاناً اگر کسی نسبت به ثبت ملکی اموال موقوفه اقدام ننماید، بر ثبت او اعتراض دهند و یا در محاکم صالحه نسبت به هرگونه تجاوزی که به مال موقوفه بشود اقدام دعوی نمایند و بدین منظور در ادارات اوقاف دایره مخصوصی تشکیل گردیده است تا امور ثبتی و حقوقی موقوفات را اداره نماید.

#### مخارج موقوفات

مخارج موقوفات بایستی بنحو صحیح صورت گیرد از اینرو اوقاف برای هر یک از موقوفات متصرفی اداره اوقاف بودجه ای تنظیم میکنند که در یکطرف عواید موقوفه است و در طرف دیگر مخارج آن. هر بودجه شامل چهار نوع مخارج است بشرح زیر :

الف : ذخیره احتیاطی .

ب : هزینه تعمیرات جاری .

ج : مالیات و عوارض و حق النظاره و سایر مخارج موقوفه و هزینه های اداری .

د : مصارف مقرر بر طبق وقفنامه .

ذخیره احتیاطی طبق پیش بینی آئین نامه قانون اوقاف برای

سرمایه گذاری بمنظور بنا و بقاء و ازدیاد در آمد موقوفه بوده و مبلغ

آن پانزده درصد از مجموع عایدات است و بحساب مخصوص متمرکز میشود<sup>۱</sup>. برای تعمیرات موقوفات ده درصد مجموع عایدات منظور میشود و چنانچه کلاً یا بعضاً بمصرف نرسد به حساب عایدات بعد موقوفه منظور میشود.

مالیات موقوفات طبق قوانین مالیاتی و عوارضی آن نیز مطابق قوانین موضوعه از طرف شهرداریها است که بایستی از درآمد موقوفه پرداخته شده و در مقابل قبض رسمی ارائه شود<sup>۲</sup>.

حق التولیه طبق گفته واقف که ده درصد است برداشته میشود و بحساب خزانه داری کل واریز میگردد. در مورد موقوفات متصرفی اداره اوقاف حق النظاره برداشت نمیکند. ولی برای هزینه های اداری پنج درصد از درآمد موقوفه را برداشت میکند و پس از وضع حقوق یاد شده در بالا آنچه از درآمد موقوفه باقی بماند صرف مصارفی که در وقفنامه تعیین شده است میشود.

### دوم - اعمال نظارتی

در خصوص اعمال نظارت در امر موقوفاتی که دارای متولی

۱ - رجوع شود به صفحه ۱۰۲ توضیحی که در خصوص صندوق عمران موقوفات داده شده است.

۲ - ماده ۲۰ قانون مالیات بردرآمد مصوب سال ۱۳۴۵ در شق ۸ بعضی از موقوفات مانند، مدرسه، مسجد، خدشات فرهنگی و بهداشتی موقوفات را از پرداخت مالیات معاف کرده است.



### ۳- نگهداری موقوفات :

گفته شد که ادارات اوقاف در مورد موقوفات عامه اینکه متصرف هستند در واقع متولی آن محسوب میشوند بنابراین بایستی هر یک موقوفه را به ثبت رسانند و سند آنرا دریافت دارند و احیاناً اگر کسی نسبت به ثبت ملکی اموال موقوفه اقدام ننماید، بر ثبت او اعتراض دهند و یا در محاکم صالحه نسبت به برگونه تجاوزی که به مال موقوفه بشود اقامه دعوی نمایند و بدین منظور در ادارات اوقاف دایره مخصوصی تشکیل گردیده است تا امور ثبتی و حقوقی موقوفات را اداره نماید.

#### مخارج موقوفات

مخارج موقوفات بایستی بنحو صحیح صورت گیرد از اینرو اوقاف برای هر یک از موقوفات متصرفی اداره اوقاف بودجه ای تنظیم میکنند که در یکطرف عواید موقوفه است و در طرف دیگر مخارج آن. هر بودجه شامل چهار نوع مخارج است بشرح زیر :

الف : ذخیره احتیاطی .

ب : هزینه تعمیرات جاری .

ج : مالیات و عوارض و حق النظاره و سایر مخارج موقوفه و هزینه های اداری .

د : مصارف مقرر بر طبق وقفنامه .

ذخیره احتیاطی طبق پیش بینی آئین نامه قانون اوقاف برای سرمایه گذاری بمنظور بنا و بقاء و ازدیاد در آمد موقوفه بوده و مبلغ

آن پانزده درصد از مجموع عایدات است و بحساب مخصوص متمرکز میشود<sup>۱</sup>. برای تعمیرات موقوفات ده درصد مجموع عایدات منظور میشود و چنانچه کلاً یا بعضاً بمصرف نرسد به حساب عایدات ده درصد موقوفه منظور میشود.

مالیات موقوفات طبق قوانین مالیاتی و عوارضی آن نیز مطابق قوانین موضوعه از طرف شهرداریها است که بایستی از درآمد موقوفه پرداخته شده و در مقابل قبض رسمی ارائه شود<sup>۲</sup>.

حق التولیه طبق گفته واقف که ده درصد است برداشته میشود و بحساب خزانه داری کل واریز میگردد. در مورد موقوفات متصرفی اداره اوقاف حق النظاره برداشت نمیکند. ولی برای هزینه های اداری پنج درصد از درآمد موقوفه را برداشت میکند و پس از وضع حقوق یاد شده در بالا آنچه از درآمد موقوفه باقی بماند صرف مصارفیکه در وقفنامه تعیین شده است میشود.

### دوم - اعمال نظارتی

در خصوص اعمال نظارت در امر موقوفاتی که دارای متولی

۱ - رجوع شود به صفحه ۱۰۲ توضیحی که در خصوص صندوق عمران موقوفات داده شده است.

۲ - ماده ۲۰ قانون مالیات بردرآمد مصوب سال ۱۳۴۵ در شق ۸ بعضی از موقوفات مانند مدرسه، مسجد، خدشات فرهنگی و بهداشتی موقوفات را از پرداخت مالیات معاف کرده است.



مخصوص یا متولی مخصوص یا متصدی است باید گفت که طبق ماده ده آئین نامه اوقاف ( ادارات اوقاف مکلفند در تمام امور موقوفه ) مداخله و نظارت کنند مخصوصاً در امور عایدات و اجاره رقبات ، مخارج ، عمران رقبات موقوفه ، مصارف بر طبق وقفنامه ، امور ثبتی و دادرسی و در فروش و نحوه تبدیل با حسن املاک موقوفه .

در باره ی عایدات و اجاره ی رقبات ، مخارج و عمران رقبات موقوفه و مصارف بر طبق وقفنامه و امور ثبتی و دادرسی ، موقعیکه در باره ی تولیت اداره ی اوقاف بحث میشد گفتگو کردیم تنها موردیکه باقی میماند و در عین حال شامل ادارات اوقاف هم میشود موضوع تبدیل با حسن رقبات موقوفات است .

برای آنکه ملک موقوفه ای که خراب شده یا مشرف به خرابی است یا طبق قوانین اقتصادی درآمد کافی ندارد فروخته شود باید قبلاً نظر شورای عالی اوقاف را خواست و بدین منظور باید پیشنهاد مستدل بشورای مذکور تقدیم نموده و پس از موافقت شورا نسبت به فروش آن اقدام کرد و قیمت آنرا در حساب مخصوص که از طرف اداره ی اوقاف تعیین میشود بیا نك سپرده تا طبق ماده ۹ قانون مدنی از قیمت حاصل از آن محل دیگر را خریداری و وقف نمود و البته در موقع تدارك وقف ثانوی نیز باید نظر شورای عالی اوقاف را جلب کرد .

### سوم - وظایف تحقیقی

برای امور تحقیق سازمان اوقاف ادارات تحقیق را تشکیل داده است . این ادارات که فعلاً در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مازندران ، فارس ، اصفهان ، کرمان و خراسان دایر است دو وظیفه مهم انجام میدهند و بدین منظور هریک دارای دو شعبه هستند .

شعبه اول تحقیق که یک شعبه محاکماتی است وظایف زیر را بر عهده دارد :

۱ - رفع اختلافات بین متولیان و امتناء منضم و خدمه و موظفین موقوفات .

۲ - تحقیق و تمیز املاک وقف از غیر وقف .

۳ - تشخیص موقوفاتی که متولی ندارند .

۴ - تشخیص اوقاف مجهول التولیه از معلوم التولیه .

۵ - تعیین ناظر موقت در مواقعی که خیانت متولی محرز شود .

۶ - تحقیق در اسناد موقوفات و تشخیص متولی و ناظر و موقوف

علیهم بموجب وقفنامه ها

۷ - تشخیص استنکاف متولیان و نظار موقوفات از اجرای مفاد

آئین نامه اوقاف و صدور قرار منع مداخله آنها در امور موقوفات و همچنین لغو این قرار .

مخصوص یا متولی منصوب یا متصدی است باید گفت که طبق ماده ده آئین نامه اوقاف ( ادارات اوقاف مکلفند در تمام امور موقوفه ) مداخله و نظارت کنند مخصوصاً در امور عایدات و اجاره رقبات ، مخارج ، عمران رقبات موقوفه ، مصارف بر طبق وقفنامه ، امور ثبتی و دادرسی و در فروش و نحوه تبدیل با حسن املاک موقوفه .

در باره ی عایدات و اجاره ی رقبات ، مخارج و عمران رقبات موقوفه و مصارف بر طبق وقفنامه و امور ثبتی و دادرسی ، موقعیکه در باره ی تولیت اداره ی اوقاف بحث میشد گفتگو کردیم تنها سوردیکه باقی میماند و در عین حال شامل ادارات اوقاف هم میشود موضوع تبدیل با حسن رقبات موقوفات است .

برای آنکه ملک موقوفه ای که خراب شده یا مشرف بخرابی است یا طبق قوانین اقتصادی درآمد کافی ندارد فروخته شود باید قبلاً نظر شورای عالی اوقاف را خواست و بدین منظور باید پیشنهاد مستدل بشورای مذکور تقدیم نموده و پس از موافقت شورا نسبت بفروش آن اقدام کرد و قیمت آنرا در حساب مخصوص که از طرف اداره ی اوقاف تعیین میشود بیا نکه سپرده تا طبق ماده ۹ قانون مدنی از قیمت حاصل از آن محل دیگر را خریداری و وقف نمود و البته در موقع تدارك وقف ثانوی نیز باید نظر شورای عالی اوقاف را جلب کرد .

### سوم - وظایف تحقیقی

برای امور تحقیق سازمان اوقاف ادارات تحقیق را تشکیل داده است . این ادارات که فعلاً در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مازندران ، فارس ، اصفهان ، کرمان و خراسان دایر است دو وظیفه مهم انجام میدهند و بدین منظور هریک دارای دو شعبه هستند .

شعبه اول تحقیق که یک شعبه محاکماتی است وظایف زیر را بر عهده دارد :

۱ - رفع اختلافات بین متولیان و امناء منضم و خدمه و موظفین موقوفات .

۲ - تحقیق و تمیز املاک وقف از غیر وقف .

۳ - تشخیص موقوفاتی که متولی ندارند .

۴ - تشخیص اوقاف مجهول التولیه از معلوم التولیه .

۵ - تعیین ناظر موقت در مواقعی که خیانت متولی محرز شود .

۶ - تحقیق در اسناد موقوفات و تشخیص متولی و ناظر و موقوف

علیهم بموجب وقفنامه ها

۷ - تشخیص استنکاف متولیان و نظار موقوفات از اجرای مفاد

آئیننامه اوقاف و صدور قرار منع مداخله آنها در امور موقوفات و همچنین لغو این قرار .

شعبه دوم ادارات تحقیق مخصوص رسیدگی بدو هزینه های موقوفات است که مدارک آن از طریق ادارات اوقاف برای شعبه فرستاده میشود.

بهر حال این دو شعبه طبق آئین نامه ی جداگانه مصوب ۴۷/۷/۷ بکار خود ادامه میدهند.

در خاتمه این فصل ذکر چند نکته لازم بنظر میرسد.

اول، آنکه هرگاه متولیان و متصدیان موقوفات در امر توایست یا نظارت اعمال کنند یا از اجرای مقررات قانون و آئین نامه اوقاف سرپیچی نمایند ادارات اوقاف برای آنها از ادارات تحقیق درخواست ممنوعیت دخالت در کار موقوفه را مینمایند و پس از آنکه متولی طبق قرار صادره از طرف شعبه اول تحقیق ممنوع شد امور موقوفه را اداره ی اوقاف بر عهده میگیرد و در واقع موقوفه را تصرف مینماید و مادام که متولی بر استنکاف خود باقی باشد موقوفه در اختیار اداره ی اوقاف خواهد بود و موقعیکه متولی حاضر بقبول و اجرای مقررات گردید اداره ی اوقاف مجدداً از اداره ی تحقیق درخواست لغو قرار ممنوعیت او را میکند و موقوفه را تحویل متولی میدهد.

دوم، گاه ممکنست که سازمان اوقاف برای اداره ی موقوفه متصرفی مباشری تعیین کند، در اینصورت با تصویب شورای عالی اوقاف موقوفه را تحویل او میدهد و این گونه افراد را سازمان اوقاف متصدی مینامد.

سوم، سازمان اوقاف طبق آئین نامه حق دارد اعمال نظارت خود

را نسبت به بعضی موقوفات و اماکن مقدسه و مؤسسات خیریه توسط هیئتی انجام دهد که این هیئت را هیئت امنا مینامند.

چهارم هرگاه شخصی مال خود را وقف کند مادام که تولیت موقوفه را خود بر عهده داشته باشد فقط حقوق اوقافی را باید بپردازد و از اجرای سایر مقررات آئین نامه معاف است و تنها مشمول مقررات قانون اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ است.

#### آئین نامه طرز تحقیق و رسیدگی بحساب موقوفات

آئین نامه طرز تحقیق و رسیدگی بحساب موقوفات  
آئین نامه ای که بنام (آئین نامه ی طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق محسوب میشود و شامل ۳ ماده و ۳ تبصره است، در این آئین نامه کسانی که حق تقاضای تحقیق دارند، طرز تنظیم تقاضای تحقیق و مدارکی که باید ضمیمه تقاضا باشد و محل تسلیم تقاضا نامه را متذکر شده است و در عین حال قید نموده که رسیدگی در ادارات تحقیق مجانی است.

۱ - هیئت امنا بین سه تا دوازده نفر از اشخاص بصیر و نیکوکار محلی است که با پیشنهاد اوقاف و تأیید فرماندار طبق ابلاغ رسمی سازمان اوقاف انتخاباً مطابق آئین نامه مربوط عهده دار امور بقاء متبرکه و غیره میشوند.

در آئین نامه طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق دو نوع کار مشخص و معلوم ذکر شده است .

۱ - امور قضائی

۲ - امور محاسباتی

### الف - امور قضائی

هر اداره‌ای تحقیق دارای دو شعبه است و شعبه اول آن بامور قضائی رسیدگی میکند . در واقع شعبه اول ادارات تحقیق یک دادگاه اختصاصی است که وظایف آن عبارتست از تحقیق و تمیز اسلاك موقوفه از املاك شخصی ، تسویه اختلاف بین متولیان و نظار و خدمه و موظفین موقوفات ، تحقیق در نوشتجات و اسناد راجع بوقف ، تعیین متولی و ناظر ، تعیین ناظر پس از اعلام و ثبوت خیانت متولی وقف ، ممنوع کردن متولی از دخالت در امور موقوفات در مواعیکه از اجرای مقررات قانونی سرپیچی میکند ، لغو قرارهای ممنوعیت و غیره که بهر حال اینگونه اعمال مطابق آئین نامه خاصی که از هر جهت قانونی و عادلانه باشد انجام پذیرد .

بدین منظور شعبه اول ادارات تحقیق مانند دادگاههای عمومی دادگستری اقداماتی مینماید و تحقیقاتی کافی میکند و در آخر رأی لازم صادر میکند . این آراء ممکنست غیایی یا حضوری باشد و در هر صورت تکلیف اجرای آراء را آئین نامه فوق الذکر روشن ساخته است .

اماگاه ممکنست که شخص متضرر از رأی اداره‌ای تحقیق معترض برای باشد ، از اینرو یک دادگاه تجدید نظر نیز پیش بینی شده است که جنبه پژوهشی دارد و در واقع مرتبه عالیتری از شعبه اول تحقیق اوقاف محسوب میشود .

معمولاً شعبه اول تحقیق از رئیس شعبه (که در عین حال رئیس اداره‌ای تحقیق نیز هست) و یک نفر محقق و احياناً یک یا دو نفر عضو علی البدل تشکیل میشود و ذیل قرار صادره را دو نفر اعضاء میکنند ولی تجدید نظر از پنج نفر عضو تشکیل میشود و در هر حال رئیس شعبه اول و یکی از اعضاء شعبه مربوطه جزو این پنج نفر خواهد بود و سه نفر دیگر از بین کارمندان رسمی سازمان اوقاف با حکم رسمی رئیس سازمان انتخاب میشوند .

### ب - امور محاسباتی

چون طبق آئین نامه‌ی قانون اوقاف متولیان و متصدیان موقوفات باید صورت مخارجی را که در هر سال از مال موقوفه کرده‌اند برای رسیدگی و تطبیق آن با مفاد وقفنامه با اداره‌ای اوقاف بدهند و مقاصد دریافت دارند ، از اینرو شعبه دوم ادارات تحقیق مأمور رسیدگی باین صورت حسابها هستند .

در مورد رسیدگی باین صورت حسابها ادارات تحقیق در آمد موقوفه را از روی بودجه ای که برحسب اسناد رسمی اجازه تهیه شده تعیین میکنند و مخارج موقوفه را نیز مطابق آئین نامه قانون اوقاف و مصارفیکه در وقفنامه ها پیش بینی شده معین میسازند و هرگاه رقمی از مخارج مطابق این دو موازن نباشد از قبول آن خود داری خواهند کرد.

حساب موقوفات متصرفی ادارات اوقاف نیز در اداره کل تدقیق مانند حساب متولیان عادی رسیدگی میشود و هرگاه اقلای بخلاف جعل واقفین یا آئین نامدی اوقاف مصرف شده باشد اداره ی اوقاف مربوطه مواخذة شده و علاوه ماسور مربوط رقم خرج شده را باید بموقوفه مسترد دارد.

بعلت آنکه بعضی از حوزه های اوقافی فاقد اداره ی تحقیق هستند و رسیدگی به صورت حساب موقوفات اینگونه حوزه ها ممکنست تأخیر شود. در آئین نامه پیش بینی شده است که دو نفر کارمندان مجرب و خوشنام اداره ی اوقاف محلی که فاقد اداره ی تحقیق است باید از طرف منطقه یا اداره ی مستقل با سرپرستی اوقاف انتخاب شوند و در عین حال یک نفر از اعضاء اداره ی تحقیق بعنوان رئیس معین گردد. و این سه نفر بحساب موقوفات این حوزه رسیدگی کنند رئیس این کمیسیون ممکنست ریاست چند کمیسیون دیگر را در حوزه های مختلف بر عهده داشته باشد.

همچنین از نظر اینکه کارها متراکم نشود و در نتیجه راكد نماید این آئین نامه اجازه میدهد که صورتحساب موقوفات متصرفی هر حوزه ی اوقافی که به پنجاه هزار ریال برسد در اداره ی تحقیق محل وقوع موقوفه رسیدگی شود و زاید بر آنرا در اداره ی کل تحقیق اوقاف که در مرکز است رسیدگی نمایند و این از آنجهت است که هرگونه سوء تفاهمی را منتفی سازد.

### آئین نامه شورای عالی اوقاف

قبلا گفته شد که در تاریخ ۴۳/۹/۲۶ مطابق ماده ۵ قانون تفکیک وزارت فرهنگ که از تصویب مجلسین گذشت اداره کل اوقاف سابق بصورت یک سازمان مستقل، زیر نظر مستقیم نخست وزیر درآمد و طبق ماده ۵ این قانون شورای عالی اوقاف باید تشکیل میشود و این شورا موظف بود آئین نامدی مخصوص بکارهای خود را تنظیم کند.

آئین نامه شورای عالی اوقاف در سه ماده و سه تبصره به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید و اعضاء شورای مذکور مرکب از یازده نفر بشرح زیر معین گردید: رئیس سازمان اوقاف، معاون وزارت کشاورزی، معاون وزارت آموزش و پرورش، مدیر کل ثبت اسناد و اسلاك، یک نفر از قضات عالی مقام دادگستری بانتخاب وزارت



دادگستری، دو نفر از استادان حقوق اسلامی دانشگاه تهران با انتخاب شورای دانشگاه و چهار نفر از بین شخصیت‌های اجتماعی و مجتهدین جامع‌الشرایط به پیشنهاد سازمان اوقاف که احکام این اعضاء از طرف نخست وزیر باید صادر شود.

تبصره ۲ ماده اول آئین‌نامه مذکور مدت عضویت هفت نفر از یازده نفر فوق (قاضی دادگستری، دو نفر استاد حقوق اسلامی و چهار نفر شخصیت‌های اجتماعی و مجتهدین جامع‌الشرایط) را بدو سال محدود ساخته است و لیکن انتخاب مجدد آنانرا هم تجویز کرده است.

تبصره ۳ ماده اول آئین‌نامه مذکور مقرر میدارد (عضویت در شورایعالی اوقاف برای کسانی که شغل موظف دولتی دارند افتخاری است.) چنین مستفاد میشود که سایر اعضاء شورایعالی اوقاف باید حقوقی داده شود. بنابراین شش نفر از ۱۱ نفر عضو شورایعالی اوقاف حقوق بگیر هستند و پنج نفر دیگر هر کدام در در سازمانهای دولتی کشور سمتی دارند و نباید حقوقی دریافت دارند ماده‌ی دوم آئین‌نامه شورایعالی اوقاف مقرر داشته است که رئیس شورایعالی همان رئیس سازمان اوقاف است ولی بین اعضاء شورا یک نفر با کثرت آراء بعنوان نایب رئیس باید انتخاب شود. ماده سوم آئین‌نامه وظائف شورایعالی اوقاف را بشرح زیر تعیین نموده است.

- ۱ - تصویب مقررات داخلی شورایعالی اوقاف.
- ۲ - بررسی لوایح قانونی مربوط باوقاف
- ۳ - اظهار نظر در باره‌ی آئین‌نامه‌هایی که طبق ماده دهم قانون مصوب ۱۳۱۳ باید به تصویب هیئت وزیران برسد.
- ۴ - استرداد دعاوی مطروحه در مراجع قضائی
- ۵ - احاله پرونده‌های تحقیقی از یک حوزه تحقیق اوقاف بحوزه دیگر.

- ۶ - ارجاع بدواری و انتخاب داور.
  - ۷ - کلیه امور مربوطه باعضاء یا لغو تصدی موقوفات.
- لازم بتذکر است که :

الف - بر اثر اینکه عده‌ای مردم سوجدو املاک موقوفه را بنام خود به ثبت میدهند و یا تصرفات غیر مجاز دیگر در آنها مینمایند و ادارات اوقاف در اینگونه مواقع طبق قانون و آئین‌نامه‌های اوقاف وظیفه دارند از حیف و میل موقوفات جلوگیری کنند و بدینمناسبت علیه این افراد در مراجع صلاحیتدار طرح دعوی میکنند، حال چنانچه ضمن رسیدگی باینگونه دعاوی خواننده‌ی دعوی حاضر شد ملک وقف را مسترد دارد یا آنکه از تصرفات دیگر خود داری کند اصولاً باید دعوی مختومه گردد. در این موارد است که بایستی جریان محاکمه را بشورایعالی اوقاف گزارش داد تا از طرف شورا تصمیم بر ترك دعوی یا سازش با خواننده گرفته شود.

همینطور در مواقعی که احتیاج به تعیین داور می‌باشد اعم از



اینکه بخواهند موضوعی را به داور ارجاع دهند یا آنکه داوری برای موردی انتخاب و تعیین کنند.

ب - طبق آئین نامدهی طرز تحقیق و رسیدگی در ادارات تحقیق اوقاف رسیدگی به موضوع تحقیقی موقوفات باید در اداره‌ی تحقیق اوقاف محل وقوع موقوفه بعمل آید مانند آنکه ملک وقف در محلی و مصارف درآمد آن در محل دیگری باشد و چون بهر حال باید اداره‌ی تحقیق بحساب موقوفه رسیدگی کند تعیین محل رسیدگی بدوآمد و مخارج موقوفه با شورایعالی اوقاف خواهد بود.

ج - قبل از تذکر داده شد که در پاره‌ی مواقع اداره اوقاف میتواند برای اداره‌ی موقوفه‌ای که خود تولیت آنرا برعهده دارد شخص دیگری را بعنوان مباشر در نظر بگیرد و اداره‌ی امور موقوفه را برعهده او محول کند. اینگونه اشخاص را متصدی نامیده‌اند در چنین مواقعی یعنی تفویض اداره‌ی موقوفه را بمتصدی، باید شورایعالی اوقاف تصویب کند و همچنین در مواقعی که بخواهند تصدی بکفر را لغو کنند باز هم باید شورایعالی اوقاف اجازه دهد.

#### آئین نامدهی طرز انتخاب و نحوه هیئت امناء

سابقاً عده‌ی سودجو و مفتخوار مساجد و بقاع متبرکه را در اختیار داشتند و تمام عواید آنرا حیف و میل میکردند و درآمد اینگونه اماکن یا موقوفاتی بود که بوسیله‌ی عده‌ای خیر و نیکوکار

بوجود آمده بود و بسا ندوری بود که مردم بمتولیان و متصدیان امامزاده‌ها میپرداختند و متأسفانه ادارات اوقاف بهیچوجه از اعمال ناروای آنان یا جلوگیری نمیکردند و یا نمیتوانستند جلوگیری نمایند. از سال ۱۳۴۴ سازمان اوقاف در صدد برآمد تا بوضع آشفته‌ی اینگونه اماکن متبرکه خاتمه دهد و علاوه نسبت به تحصیل صحیح درآمد و خرج آن در راه عمران اماکن مذکور اقدام مجدانه بنماید و بهمین مناسبت نسبت به خلع ید متولیان و متصدیان سابق عمل کرد و برای آنکه اداره‌ی اماکن متبرکه و مژده براساس صحیحی باشد بتدوین آئین نامدهی تحت عنوان (آئین نامدهی طرز انتخاب و نحوه هیئت امناء) همت گماشت و بدین منظور برای هر مسجد یا مدرسه یا امامزاده چند نفر از مردان نیکوکار محل را که حسن شهرت داشتند باصوابدید فرمانداران و بخشداران مأمور تنسیق امور آنجا نمود، و در حال حاضر نیز اکثر امامزاده‌ها یا مساجد و مدارس قدیمه زیر نظر هیئتی که کمتر از ۳ نفر نیستند اداره میشود و درآمد موقوفات و ندور را این عده جمع آوری مینمایند و طبق آئین نامدهی یاد شده بمصرف میرسانند.

آئین نامدهی هیئت امناء یکبار در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسیده و سپس با تجدید نظریکه در آن بعمل آمده است در ۱۳۴۹ ماده به تصویب رسیده و فعلاً مورد عمل است.

ماده اول آئین نامدهی طرز انتخاب و هیئتهای امناء را که عده‌ی آنها کمتر از ۳ و بیشتر از ۱۳ نفر نباید باشد، شرط سنی، مقبولیت

عامه، تأیید مراتب وسیله فرماندار یا بخشدار تعیین نموده و در عین حال دستور میدهد که در محدوده‌ی شهرها، شهرداران را میتوان بعنوان عضو هیئت امناء تعیین نمود و بعلاوه در اماکن متبرکه‌ایکه جزو آثار باستانی است یکی از اعضاء هیئت امناء میتواند مسؤول امور فرهنگ و هنر باشد. بعلاوه در ماده ۸ مقرر شده است که تعمیرات اماکن متبرکه، متبرکه که جزو آثار باستانی است باید با نظارت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی صورت پذیرد.

ماده ۲ این آئین‌نامه با شقوق هشتگانه و دو تبصره مربوط است به حفظ و نگهداری اماکن متبرکه، صیانت اموال آنها، جلب کمکهای مادی و معنوی مردم برای عمران آنها، طرح و تصویب برنامه‌های عمرانی، نظارت در جریان دعاوی له یا علیه اینگونه اماکن، به ثبت رسانیدن اراضی و رقبات آن، تبلیغات، جمع‌آوری درآمد و خرج و نگهداری صورت آن، پرداخت هزینه‌های اعیاد و سوگواری‌های مذهبی و مصارف دیگر ضروری.

ذیل این ماده تبصره‌ایست که صرف درآمد موقوفات مربوط به اماکن متبرکه را، زیر نظر هیئت امناء و تهیه برنامه و بودجه تجویز کرده است.

مواد ۳، ۴، ۵، ۶ و تبصره‌های آن مربوط است به:

تعیین رئیس و صندوقدار، چگونگی قابل اجرا بودن تصمیمات هیئت امناء ملی و طرز استفاده از آن، عضویت متصدی بقاع متبرکه در هیئت امناء و رایگان بودن خدمات هیئت امناء

در مواد ۹، ۱۰، ۱۱ طرز مصرف نذورات در راه عمران و آبادی بقاع متبرکه نگهداری دفاتر حساب و ساختن آسایشگاه برای زوار توجیه شده است.

مسئولیت‌های هیئت امناء، تخلف آنان از مقررات، غیبت اعضاء عزل هر یک از اعضاء و تعیین جانشین نقر معزول شده در مواد ۱۲ تا ۱۵ بحث شده است.

در ماده ۱۶ اجازه داده شده است که اموال اماکن متبرکه موقعی که جزو آثار باستانی نباشد بفروش برسد و وجه آن بحساب درآمد منظور گردد.

ماده ۱۷ طرز عمل هیئت امناء را در خصوص خرید لوازم ضروری و نوسازی لازم با نظارت اوقاف قرار داده است و در ماده ۱۸ مقرر گردیده است که تراز عملیات هر سال برای اطلاع عموم منتشر شود. آئین‌نامه هیئت امناء در ماده ۱۹ کلیه اعمال هیئت امناء را بنظر و صلاحدید اوقاف موکول کرده است.



از نظر هر اجتماعی اعمال خیر، بخصوص بخشهای بلا عوض  
پسندیده بوده و امری است که هر عقل و وجدانی به خوبی آن حکم  
میکند و بخشنده و نیکو کار را محترم و معزز شمرده و او را تمجید  
میکند. در هر اجتماعی که افراد نیکوکار در آن پیدا شده و مردمان  
بینوا و مستمند را بانحاء مختلف یاری کرده اند آن اجتماع قوت گرفته  
و در بسیاری از امور پیشرفت کرده است.  
ایرادی که در اینجا میشود نمود اینست که پاره‌یی از علماء

علم الاجتماع و اخلاق علنا با کمک یا بخشش به درماندگان مخالفت ورزیده‌اند و احسان را مخالف با قانون طبیعت دانسته‌اند و معتقدند که معاونت و یاری اغنیاء نسبت بقرا و مستمندان و بیماران مانند تاوانی است که بسبب تندرستی و قدرت خود بایدپردازند و قانون طبیعی را عبارت از بقاء نیرومندان و قنای مردم ناتوان که بیفایده و بیکارشان شمرده‌اند میدانند<sup>۱</sup>. لیکن، برای هر عقل سلیم این مطلب روشن است که اجتماع تشکیل شده است از اغنیاء و فقرا و اشخاص متوسط. در اقتصاد سالم و خوب همچنانکه اجتماع نیازمند سرمایه است بمنزله متفکر برای بکار انداختن صحیح سرمایه نیز احتیاج دارد و بعلاوه افراد لایق و کاردان نیز که کارهای جسمانی مینمایند مورد نیاز است.

اگر اجتماع را بمنزله‌ی یک اداره‌ی خوب بدانیم باید همچنانکه در آن مدیری که از لحاظ قدرت فکری قوی باشد وجود داشته باشد، کارمندان فنی و غیره فنی و حتی امربران پیچیز و فقیر نیز در کارها شرکت کنند تا دستگاه بخوبی بچرخد و گرنه مدیر متفکر و مدیر با کارمند هنرمند نخواهد توانست بموقع کارهای مربوطه را انجام دهند.

۱ - اسپنسر فیلسوف انگلیسی میگوید: کمک و احسان به ضعفا و مستمندان مناقات با قانون بزرگ طبیعت دارد. این قانون طبیعی عبارتست از دوام و بقاء اشخاص نیرومند و با استعداد. چه اگر قرار باشد درماندگان مساعدت شود نتیجه اجتماعی این عمل از یکطرف ضعف و انحطاط تدریجی نوع است و از طرف دیگر حفظ و حمایت از بیفایده‌ها و بیکاران.

از طرفی اجتماعی قابل پیشرفت است که بتواند استعدادهای گوناگون افراد خود را پرورش دهد و بعلاوه آنها را نگهداری کند و از تفرقه این استعدادها جلوگیری بعمل آورد و پرورش استعدادها هم احتیاج بعوامل مادی و معنوی دارد. بعبارت دیگر بهمان اندازه که برای نمو یک استعداد از نظر معنوی محتاج باستادان هستیم بهمان اندازه نیازمند مادیات ( پول - خانه - لباس و وسایل رفت و آمد - نیروی کارگر و غیره ) هستیم. بنا براین هیچ اجتماعی نمیتواند خود را بنیاز از یکجمله‌ی چند نفری فقیر داخل خود بداند و آنانرا سربار اجتماع بیندارند و بسا که اگر بانان کمک شود استعدادهای خوبی از بین آنها بظهور رسد که قبلا بواسطه عدم تغذیه خوب یا نداشتن وسائل بروز نکرده بوده است.

مطلب دیگریکه میشود بر بخشهای بلاعوض مخصوصاً موقوفات ایراد کرد اینستکه ممکنست موقوفات از نظر اجتماعی و خانوادگی و حتی شخصی، خطرانی را متضمن باشد باینمعنی که باقی گذاردن مالی برای یکجمله موجب تنبلی آنان خواهد شد زیرا میدانند از محلی ارتزاق خواهند کرد و دیگر تن بکار نخواهند داد و مهمل و بیکاره بار خواهند آمد بطوریکه اگر سربار و انگل اجتماع نباشند مفید بحال اجتماع نخواهند بود از طرفی دیگر چون پایه و اساس هراجتماع خانواده است و هرگاه رئیس خانواده اموال خود را وقف کند اولاد خود را ممکنست دچار فقر و مسکنت نماید در نتیجه خانواده متزلزل و استحکام آن از بین برود و احياناً منهدم گردد یا آنکه شخصی

بر اثر احساسات زودگذر و آنی یا ضعف اراده و اختلال مشاعر قسمتی یا تمام دارائی خود را وقف کند و باعث سقوط خود و خانواده‌اش شود. اما باید دانست که قانون‌گذاران همیشه باینگونه امور توجه خاص داشته‌اند و در این زمینه قوانین اسری صادر کرده‌اند. بنابر این اصل ایراد وارد نیست.

هر اجتماع در عین حال که باید نوباوگان خود را پرورش دهد، نسبت به آنانکه عمر خود را صرف نمو و ترقی جسمانی و روحی جراتان کرده‌اند باید نظر داشته باشد و از آنها نیز نگهداری کند زیرا اینان بوده‌اند که توانسته‌اند جوانان آنانرا بشمار برسانند و بعلاوه یقیده‌ی بسیاری از محققین اجتماعی آنانکه امروز پیر شده و عمری را پشت سر گذارده‌اند هرچند به سنینی از عمر رسیده باشند که دیگر قدرت کار از آنها سلب شده باشد، باز خود را مفید بحال اجتماع میدانند و فعالیت‌های گوناگون مختصری را میتوانند بکنند این محققین عقیده دارند که باید علیه هرگونه تفکیک و جدائی پیران از اجتماع مبارزه کرد و دلیلی که ذکر میکنند این است که اگر اجتماع تعادل مستمری را در بین سنهای مختلف برقرار نسازد سالم نیست. هرسنی سهمی از اجتماع دارد و باید صاحب آن سن از دیگران و دیگران از آن سن استفاده کنند<sup>۱</sup> زیرا همانطور که سن کسی بالا میرود، تجربیات او در زندگی نسبت باموری که انجام داده پیشرفت کرده

۱ - نقل بمضمون از صاحب‌جبه ۲۸ اکتبر ۱۹۶۷ رئیس کمیسیون فرانسوی تحقیقات مسائل پیری مندرج، در روزنامه سوئیس یکشنبه ۱۰ دسامبر ۱۹۶۷.

و زیاد شده است و در چنین مواقعی جوانان باید از نصایح آنان، گذشته‌ی آنان و تجربه‌ی آنان برخوردار شوند و این تجربیات را با نیروی جوانی درآمیزند و بنفع پیشرفت اجتماع خود بکار ببرند. مسئله پیران دردنیای مرفعی غرب مشکلی بزرگ بوجود آورده است و عجب آنستکه دنیای پیران قرتوت و بکلی از پا درآمده را جوانان ۳۰ و ۳۵ ساله اداره میکنند، از آنان نگهداری مینمایند و حتی در کارهاییکه عموماً شخص باید تنها باشد یکمک پیران میشتابند.

در دنیای مغرب زمین که دنیای متمدن عصر ما محسوب است تقریباً از ۳۰ سال قبل عطف توجهی به مسائل اجتماعی مانند نگهداری از پیران شده است و بجز مملکت آلمان که از ۱۸۴۵ مالیاتی برای کلیسا از مردم خود وصول میکند در سایر ممالک، مردم و دولت با کمک کلیساها و روحانیون محلّهائی باینمنظور تهیه کرده‌اند.

گذشته از این مسئله، نکات اخلاقی و اجتماعی نیز باید در اجتماع سالم مورد توجه قرار گیرد. بخصوص در دنیائی که دیانتش اسلام است و بین پسران و دختران قبل از ازدواج فاصله موجود است. زمان جوانی بخصوص در یک سن معین از نظر کلیه روانشناسان و روانپزشکان، برای نوباوگان بحرانهائی را در بردارد. در این سنین باید نهایت مراقبت را نسبت به پسران و دختران بعمل آورد تا از انحرافات اخلاقی مصون باشند. اینهم مسئله‌ایست که دنیای غرب با تمام تمدن عالیش مواجه با آنست و همه روزه علماء علم الاجتماع



دو فکر چاره هستند و هنوز نتوانسته‌اند راه حلی برای آن جستجو کنند. اینها و بسیاری مسائل دیگر اجتماعی که هرروز بنوعی با آن روبرو هستیم در بین اجتماعات مختلف بشری وجود دارد که همه روزه زعمای قوم را بفکرو اندیشه و امیدارد تاراه حلی عاقلانه برای گشایش آنها پیدا کنند.

اگر بوقفنامه‌های مختلف ایران که در طی سالیان دراز تنظیم شده است بدقت نظر افکنیم ملاحظه خواهد شد که طی ادوار گذشته و حال، مردم نیکوکاری در این سرزمین بوده و هستند که تمام یا قسمتی از مال خود را در راه رفاه اجتماع وقف کرده‌اند آنهم بطوریکه دائم بشود از آن استفاده کرد.

عموماً وقفنامه‌ها برحسب احتیاجات اجتماعی هر عصر و زمان تنظیم شده است و ما در بین آنها همه گونه خدمات اجتماعی را میتوانیم پیدا کنیم.

زمانیکه بر اثر جنگها و غارت‌های وحشیانه کودکان کشور ما بی سرپرست و یتیم باقیمانده‌اند ثروتمند یا ثروتمندانی مال خود را برای نگهداری ایام وقف کرده‌اند، موقعی احتیاج به پل و راه بوده است، نیکوکاران پل ساخته‌اند و موقوفاتی برای معمور داشتن آن بجا گذارده‌اند. وقتی قحط و غلا بوده است خیرخواهانی بوده‌اند که هستی خود را برای اطعام درماندگان اختصاص داده‌اند.

علاوه بر این نکات اخلاقی حساس اجتماعی در مد نظر عده‌ای خیراندیش بوده است که صرفاً جنبه‌های روانی را در نظر داشته‌اند

و حال آنکه در آن مواقع نظرات فعلی روانی روانشناسان و روانپزشکان و روانکاوان مطرح نشده بود بدینمعنی که اشخاص مال خود را برای تزویج عزاب اختصاص داده‌اند تا از درآمد موقوفه، دیگرانهم بتوانند تشکیل خانواده داده و از نعمت داشتن اولاد که آرزوی هرفرد است منتفع شوند.

طبق نظرات علمای روانشناسی و روانکاوی و روانپزشکی، یکی از عقده‌های بزرگ بشری موضوع غریزه جنسی است. بسیار دیده و شنیده‌ایم که اشخاص که نتوانسته‌اند ازدواج کنند یا بامراض روانی دچار شده‌اند و یا آنکه بهمینوع خود که ازدواج کرده و صاحب خانه و کانون گرم آنست رشک برده و در نتیجه دارای عقده‌های روانی شده‌اند.

این مسئله نیز در حال حاضر در دنیای متمدنی که آزادی معاشرت جوانان از جنسهای مخالف زیاد است تولید زحمات و اشکالات زیادی برای دولتها و اجتماعات کرده است زیرا بسیار هستند دخترانیکه بر اثر روابط نامشروع صاحب فرزند شده‌اند و تعداد این کودکان زیاد شده و در مقابل دولتها که مکلف بحمايت از این بچه‌ها شده و قدرت نگهداری از نظر جا و وسایل پذیرائی آنها را ندارند یک نکته حساس اجتماعی و امور اخلاقی است و هر اجتماعی که به اخلاقیات توجه نکند منحل خواهد شد و انحطاط اخلاقی نیز سبب اقراض اجتماع است و یکی از امور اخلاقی زناشویی است. اثر زناشویی نگهداری اجتماع از تباهی است و در عین حال حفظ و بقاء

نسل است و بسا که در یک اجتماع افرادی باشند که به علت فقر و فاقه قدرت ازدواج نداشته باشند و اگر باینگونه افراد مساعدت شود علاوه بر آنکه عقده‌ای از روان آنان گشوده شده، رونقی بزندگیشان داده میشود و بسا که از نسل آنها افرادی لایق و کاردان بعرضه وجود بیاید. نیکوکاران ایران بهمین مناسبت برای ترویج عزاب دربارهی از وقفنامه‌ها وجوهی در نظر گرفته و اختصاص داده‌اند تا پسران و دختران تهیدست نیز بتوانند تشکیل خانواده بدهند. و این وسیله - ایست که کانون خانواده‌ها را گرم میکند. دو نفر را که به تشریک مساعی وامیدارد. نفوس را زیاد میکند و برونروی اجتماع از نظر کار و کوشش می افزاید و اشخاص در آرامش روحی بسر میبرند.

یکی از مسائل مهم اجتماعی، ثروتمند بودن یکمده قلیل و مستمند بودن دسته‌ی کثیری از اجتماع است که باید گفت در اجتماع تولید عقده‌هایی روانی میکند. اختلاف طبقاتی شکاف عمیقی بین فقا و اغنیاء بوجود می‌آورد زیرا مال داروغنی با دیده تحقیر بفقیر می‌نگرد و درویش بی‌چیز بچشم حق‌دو حسد و احياناً نفرت به ثروتمندان نگاه میکند. دولت‌مند بینوا را از خود با خواری می‌راند و فقیر بیچاره از او کینه بدل می‌گیرد و کم‌کم فساد تولید میشود و قومی را به تباهی می‌کشاند و از این نمونه در فتودالهای قدیم بسیار دیده و شنیده شده است تنها چاره‌ی این مسئله تعدیل ثروت است تا یکی در عسرت نمیرد و دیگری در ثروت غرق نباشد.

دیانت اسلام برای تعدیل ثروت علاوه بر خمس و زکات که

جنبه مالیات را دارد مردم را باعمال خیر ترغیب مینماید و به ثروتمندان دستور میدهد تا بر بیچارگان و مستمندان نظر داشته باشند و به آنان کمک مالی بکنند و بزندگانی آنان رسیدگی نمایند تا مبادا نفس یا نفوسی بخطر تنگدستی که مایه‌ی اولیه‌ی اغلب مفاسد است بیفتد.

خداوند حکیم در قرآن کریم در چندین آیه بندگان خود را به کمک و بخشش یکدیگر دستور فرموده است. این بخشش در حقیقت نتایج مادی و معنوی دارد.

نظر مادی آن اینست که ثروتمندان از مال خود به تنگستان کمک کنند تا اینان هم بتوانند بنوبه خود با فراغ خاطر مفید بحال دیگران باشند. زیرا کسی که نمیتواند معاش خود و خانواده‌اش را تأمین کند علاوه بر آنکه بهمه چیز و همه کس بدین است به ثروتمندان با چشم کینه می‌نگرد و بسا که برای امرار معاش دست باعمال زشت و ناروا می‌زند.

هر کس با نهایت کوشش میخواهد که زنده بماند و برای زنده ماندن بهر کاری مبادرت می‌ورزد و اگر این شخص فقیر و بینوا باشد ممکنست باعمالی مانند سرقت، کلاهبرداری، جنایت، اعمال غیر انسانی و دیگر کارهایی از این قبیل دست بزند و اجتماع را محو و نابود سازد. یا از راههای غیر مشروع دیگر بخواهد ارتزاق کند و فساد اخلاق را ترویج میکند و قومی را تنگین می‌سازد بدین مناسبت

نسل است و بسا که در یک اجتماع افرادی باشند که بعلمت فقر و فاقه قدرت ازدواج نداشته باشند و اگر باینگونه افراد مساعدت شود علاوه بر آنکه عقده‌ای از روان آنان گشوده شده، روحی بزندگیشان داده میشود و بسا که از نسل آنها افرادی لایق و کارداران بعرصه وجود بیاید. نیکوکاران ایران بهمین مناسبت برای ترویج عزاب دربارهی از وقفنامه‌ها وجوهی در نظر گرفته و اختصاص داده‌اند تا پسران و دختران تهیدست نیز بتوانند تشکیل خانواده بدهند. و این وسیله - ایست که کانون خانواده‌ها را گرم میکند. و نفر را که به تشریک مساعی و اسیدارد. نفوس را زیاد میکند و بر نیروی اجتماع از نظر کار و کوشش می افزاید و اشخاص در آرامش روحی بسر میبرند.

یکی از مسائل مهم اجتماعی، ثروتمند بودن یکعهده قلیل و مستمند بودن دسته‌ی کثیری از اجتماع است که باید گفت در اجتماع تولید عقده‌هایی روانی میکند. اختلاف طبقاتی شکاف عمیقی بین فقرا و اغنیاء بوجود می‌آورد زیرا مال داروغنی با دیده تحقیر فقیر مینگرد و درویش بیچیز بعشقم حقد و حسد و احیاناً نفرت به ثروتمندان نگاه میکند. دولت‌مند ینوا را از خود با خواری می‌راند و فقیر بیچاره از او کینه بدل میگیرد و کم کم فساد تولید میشود و قومی را به تباهی می‌کشاند و از این نمونه در فتودالهای قدیم بسیار دیده و شنیده شده است تنها چاره‌ی این مسئله تعدیل ثروت است تا یکی در عسرت نمیرد و دیگری در ثروت غرق نباشد.

دیانت اسلام برای تعدیل ثروت علاوه بر خمس و زکات که

جنبه مالیات را دارد مردم را باعمال خیر ترغیب مینماید و به ثروتمندان دستور میدهد تا بر بیچارگان و مستمندان نظر داشته باشند و به آنان کمک مالی بکنند و بزندگانی آنان رسیدگی نمایند تا مبادا نفس یا نفوسی بعخطر تنگدستی که مایه‌ی اولیدی اغلب مفاسد است بیفتد.

خداوند حکیم در قرآن کریم در چندین آیه پندگان خود را به کمک و بخشش یکدیگر دستور فرموده است. این بخشش در حقیقت نتایج مادی و معنوی دارد.

نظر مادی آن اینست که ثروتمندان از مال خود به تنگدستان کمک کنند تا اینان هم بتوانند بنوبه خود با فراغ خاطر مفید بحال دیگران باشند. زیرا کسی که نمیتواند معاش خود و خانواده‌اش را تأمین کند علاوه بر آنکه بهمه چیز و همه کس بدین است به ثروتمندان با چشم کینه مینگرد و بسا که برای امرار معاش دست باعمال زشت و ناروا میزند.

هر کس با نهایت کوشش میخواهد که زنده بماند و برای زنده ماندن بهر کاری مبادرت میورزد و اگر این شخص فقیر و بی‌توا باشد ممکنست باعمالی مانند سرقت، کلاهبرداری، جنایت، اعمال غیر انسانی و دیگر کارهایی از این قبیل دست بزند و اجتماع را محو و نابود سازد. یا از راههای غیر مشروع دیگر بخواهد ارتزاق کند و فساد اخلاق را ترویج میکند و قومی را ننگین میسازد بدین مناسبت

است که دین یکمک اجتماع آمده است و در مورد اعمال خیر و نیکوکاری و انفاق و کمک بزیردستان و فقرا از نظر تعدیل ثروت توصیه‌های مؤکد مینماید و همانقدر که به نیکوکاران و اشخاصیکه مال خود را در راه خدا انفاق میکنند و عده‌ی پاداش نیک میدهد بهمان اندازه یکسانیکه مال را جمع میکنند و نگهداری مینمایند وعده عذاب داده است و مردم این سرزمین به پیروی از اولیای دین مبین همیشه در فکر اجتماع خود بوده‌اند و بکارهای خیر اقدام کرده‌اند . با یک نظر اجمالی به متون وقفنامه‌ها ملاحظه میشود که واقفین نیکوکار تاچه حدی سعه نظر داشته‌اند و از جنبه‌های روانشناسی عملی که آموخته‌اند برای آنکه مبادا اغنیاء برفقرا ظلم و تعدی بنمایند موقوفاتی تدارک دیده‌اند حتی برای مستخدمه‌ایکه در منزل کار میکند ، اگر گوشت آشپزخانه را گریه برد ، مبلغی گذارده‌اند تا از این محل گوشت خریداری شود یا برای مستخدمی که ظرفی را شکسته است مبلغی پیش بینی کرده تا ظرف مجدد خریداری گردد و در نتیجه صاحب گوشت یا ظرف نتواند مستخدم خود را شمتت کند حتی در پاره‌یی از وقفنامه‌ها دستور داده شده است که بطور خفیه و پنهانی بمستمند کمک شود و غذای او را بدر منزلش ببرند .

از نظر معنوی اعمال نیکوکاران برای جوامع بشری منشأ اثرات بسیار نیکوئی بوده است مثلاً تدارک یک مدرسه که در آن عده‌ای جوان به تحصیل علم و معرفت اشتغال ورزند موجبات پیشرفت فرهنگ اجتماع را فراهم خواهد ساخت و بقول آن دانشمند هر

مدرسه‌یی که مفتوح شود در زندانی بسته خواهد شد . علت این امر بسیار واضح است زیرا هر قدر ملتی دارای فرهنگ بهتر و پیشروتری باشد بیشتر بوظایف اجتماعی خویش آشنا بوده و تکالیف خود را در برابر دیگران بموقع انجام میدهد و این آشنائی بوظایف و انجام بموقع تکالیف سبب نظام اجتماعی است و افراد کمتر منحرف میشوند . از این نظر هم موقوفات خدمات بزرگ و ارزنده‌یی را انجام داده‌اند زیرا از محل درآمد موقوفات مدارس بزرگی در این کشور بوجود آمده و علماء و دانشمندانی چون بوعلی سینا ، حکیم طوسی ، فردوسی ، سعدی ، عمر خیام ، اسام زکریای رازی ، امام فخر رازی ملاصدرا و دیگر بزرگان علم و معرفت در اینگونه مدارس تحصیل کرده و تحویل جامعه‌ی ایرانی داده شده‌اند و برای ایران و ایرانی کسب شهرت و افتخار کرده‌اند و هنوز هم علاوه بر مدارس قدیمه‌ای که در آنجا عده‌ای زیاد به تحصیل علم دین اشتغال دارند از محل موقوفات به محصلین مدارس جدیده کمک هزینه‌ی تحصیلات داده میشود .

یکی از افتخارات بشر در عصریکه ما زندگی میکنیم اینستکه بهداشت را تعمیم داده و ریشه بسیاری از امراض را برچیده‌اند ، مرگ و میر کودکان کم شده و امراض زیادی را معالجه میکنند و بدینمنظور بیمارستانها تدارک شده و پرستاران و اطباء در آنجا مشغول بکار هستند و این کاریست که بر عهده‌ی دولتهاست و اخیراً عده‌یی از اغنیاء گروهی تشکیل داده و سرمایه‌ای جمع‌آوری نموده

و بیمارستانی ساخته‌اند که میشود گفت بیشتر جنبه مادی دارد و درمان بیماران در واقع وسیله‌ایست. اما از زمانهای بسیار قدیم تا بحال افراد ثروتمند این مملکت یکه و تنها در فکر بهداشت اجتماع خود بوده‌اند و مال و ثروت خود را در این راه صرف کرده‌اند و بیمارستانی بوجود آورده‌اند و حتی موقوفاتی برای نگهداری و ادامہی کارآن باقی گذارده‌اند.

نمونه بارز این قبیل خدمات اجتماعی را از لایلای وقفنامه‌ها میتوان پیدا کرد و از آنجمله است بیمارستان شاهرضا در مشهد، بیمارستان نجمیه و مفرح در تهران، بیمارستان نمازی و بیمارستان چشم پزشکی خلیلی و پوستچی در شیراز که عموماً از محل موقوفات اداره و نگهداری میشود.

علاوه براین موارد که مذکور افتاد در آنزمان که وسایل ارتباطی بصورت امروز نبود، پلها، کاروانسراها، خالقاها، مساجد، آب‌انبارها، رباطها، آبهای قنات و دیگر وسایلی که برای شهر نشینان و مسافران لازم بوده است از محل موقوفات تأسیس و نگهداری میشده و از نظر بسیاری از محصلین، طلاب علوم قدیمه، فقرا، ابناء السبیل، دراویش و مستمندان، از محل عواید موقوفات بهره‌مند بوده و هستند.

## فصل ششم

در سازمان فعلی اوقاف مدرک و مأخذ چگونگی پیدایش موقوفات و اینکه اولین موقوفه در کجا و چگونه بوجود آمده یا سبک معماری و هنر خط و نقوش را نمیتوان پیدا کرد. تعداد مساجد و مدارس و تاریخچه آنها نیز در دست نیست در عین حال لازم بود در این رساله لااقل در این زمینه و همچنین آمار موقوفات و حتی نام بعضی از موقوف علیهم که مورد توجه خاص و عام است مانند مساجد و مدارس و معابد و نیز بعضی از وقفنامه ها یاد کرده شود.



آنچه محقق است رقبات موقوفات ممکنست یک درخت گردو و یا نخل خرما یا دکان بسیار کوچک یا قیمت نازل باشد و یا املاکی که چند میلیون ریال ارزش داشته باشد.

در پاره‌یی از محل‌ها واقعی یک درخت گردو را وقف کرده و منافع آنرا صرف خیرات و میرات نموده و در بعضی جاها شخصی املاک عظیم خود را بدین منظور حبس یا وقف کرده است. نداشتن آمار و دفاتر صحیح از این رقبات یا در دست نبودن وقفنامه و مخصوص بودن عده‌ای سودجو باعث شده است که قسمتی یا تمام رقبه یا موقوفه‌ای بصورت ملک شخصی در آید و از وقف خارج شود.

بهر حال این موقوفات بوسیله اشخاص مختلف مانند خدمه و نوکران اعیان و اشراف، اشخاص متوسط، ثروتمندان و رجال و حتی سلاطین اعصار گذشته موجودیت پیدا کرده است.

موقوفاتی که وسیله خدمه و نوکران بوجود آمده است بیشتر وقف بر اولاد خودشان بوده و وقف خاص است ولی آنچه وسیله سلاطین، شاهزادگان اعیان و اشراف و بزرگان این کشور وقف شده عموماً وقف عام میباشد و اینگونه موقوفات است که از لحاظ فن معماری، کاشی‌کاری، نقاشی، هنر خط، مخصوصاً خط برجسته، گچ‌بری، تزیینات داخلی، شکل بنا، محرابهای مساجد، ستونها، منابر و غیره مورد توجه است.

گرچه اینگونه موقوفات در حال حاضر به ثبت آثار باستانی داده شده است.

ولی در حقیقت وجود آنها بر اثر وقف و ایقاف بوده زیرا اگر موقوفات عظیم مسجد جامع گوه‌رشاد مشهد نبود بسا که تا بحال این مسجد عظیم با تمام زیباییهایش بکلی ویران و از بین رفته بود. چنانچه مسجد جامع عتیق شیراز که ساخته و پرداخته زمان عمرولیث صفاری است بکلی ویران شده و اخیراً بدون (بغیر از دارالمصحف وسط مسجد) بقیه صورت اصلی خود را از دست داده است و یا مسجد نوشیراز که در زمان اتابکان فارس ساخته شده با تمام عظمت و بزرگی فعلاً ویرانه‌ای بیش نیست. بموقع میدانند که در اینجا از مشخصات بعضی از اینگونه آثار که پیدایش اصلی آنها از محل موقوفات است ذکر می‌آورد.

#### فن معماری

مدارس قدیمه و مخصوصاً مساجد ایران دارای سبک معماری مخصوصی است. بطور کلی اینگونه ساختمانها با آجرهای نظامی و آهک و ماسه و گچ بنا شده و در استحکام آنها همین بس که سالیان دراز بدون تعمیر باقی مانده‌اند بعلاوه در همه جا قرینده‌سازی مشاهده میشود. گلدسته‌ها و ماژنده‌ها عموماً مخروطی شکل بوده و روی آنها را با کاشی‌های زیبا پوشانیده‌اند و بخلاف مناره‌های سایر کشورهای مسلمان که مربع شکل بوده و ماژنده آنها بیشتر از

یکی میباشد، مناره‌های مساجد ایران عموماً دارای یک ماذنه بوده و ارتفاع هر مناره تقریباً برابر با ارتفاع گنبدی است که در مسجد ساخته میشود. نمونه بارز اینگونه بنای مسجد، مسجد گوهرشاد آغا در مشهد، مسجد جامع اصفهان و مدرسه عالی سپهسالار جدید در تهران است که امتیاز آنها در شکل مناره‌ها و گنبدها و هلالها و طرق زینت‌کاری آنها است.

### محراب‌سازی

محرابه‌ای مساجد ایران عموماً تزئین شده است. شکل عمومی آنها فرو رفتگی در دیوار و هلالهای فوقانی آنها بسیار جالب‌میباشد. این محرابها بطور کلی با کاشی‌های بسیار زیبا تزئین شده و دور محراب با خطوط زیبا آیاتی از کلام الله مجید یا احادیثی از نبی اکرم نوشته‌اند بعضی از این محرابها با خطوط طلائی نوشته شده است، و در بعضی دیگر با گچ بریهای بسیار ظریف شکل گل و دیگر اشکال نقش شده است. ۲ یا یک پارچه از سنگ مرمر ساخته شده است ۳. رویهم‌رفته طرز ساختمان محرابها و نقوش و کاشی‌کاری،

- ۱ - بالای محراب شبستان غربی مسجد نصیرالملک شیراز با طلا و خط نستعلیق نوشته شده (بسم الله الرحمن الرحیم).
- ۲ - محراب مسجد جامع اصفهان.
- ۳ - محراب مسجد مزار شیخ احمد جامی در تربت جام خراسان.

گل‌سازی و گچ‌بری و کتیبه‌سازی (چه از نظر خطوط و چه از لحاظ گچ‌بری) طوری است که مساجد ایران را از این جهت از سایر مساجد مسلمین ممتاز ساخته است.

در اغلب مساجد ایران که از لحاظ وسعت صحن مخصوصاً شبستانها بینظیر است برای استواری سقفها از پایه‌های سنگی عظیم یک پارچه یا دو پارچه استفاده شده. این سنگها را بطرز بسیار جالبی تراشیده‌اند که بیننده را مجذوب میسازد و از آنجمله مسجد گوهرشاد مشهد و مسجد وکیل شیراز. را باید یاد آورد.

### فن کاشی‌کاری

کاشی‌کاری را میتوان گفت در ایران اختصاصاً برای تزئین مساجد و معابد و اماکن مقدسه بوجود آمده است و ایرانیان در این فن بقدری پیش رفته‌اند که سرآمد دیگران بوده و هستند. با آنکه اولین مسجد در عصر پیغمبر اکرم (ص) در مدینه و بامر آنحضرت ساخته شده و بسیار ساده بوده و فقط برای اقامه نماز و ارشاد مردم بوجود آمده و متبری بسیار کوچک تهیه شده ولی بالمره بر اثر فتوحات اسلام و تغییر خلافت به سلطنت این سادگی از بین رفته و مساجد را تزئین مینمودند و بردیوارهای مساجد و گلدسته‌ها گلها نقش میشده است.

ایرانیان که در هر مورد ذوق خود را بکار میبردند برای ساختن مساجد آجرهای کاشی مینائی منقوش با نقشهای بدیع بوجود آوردند و کم کم کاشی مقرنس را نیز ساختند و انواع دیگر کاشیهای رنگی را تهیه نمودند بطوریکه در حال حاضر از این جهت مساجد ایران بین سایر مساجد مسلمانان مشخص و متمایز است و بایک توجه مختصر بکاشیکاریهای مساجد اصفهان و مسجد گوهرشاد و حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام این مدعی را ثابت میکند زیرا تا کنون کاشی کاری نظیر مقرنس حرم آنحضرت و یا نظیر گنبد شیخ لطف الله و مسجد شاه اصفهان در هیچ جای دنیا دیده نشده است.

ایرانیان برای آنکه نقوش کاشیها را کاملتر و زیباتر نمایند کتیبه هائی نیز از کاشی تهیه کرده و در سرایانهای مساجد و معابد و پایه های عمودی آنها نصب کرده اند که در این کتیبه ها آیاتی از قرآن کریم بخط ثلث و بسیار زیبا با ذکر نام نویسنده و تاریخ کتابت آنها نوشته شده یا اشعاری بخط نستعلیق منقوش کرده اند از آنجمله کتیبه های مسجد جامع گوهرشاد مشهد - مسجد جامع و شیخ لطف الله اصفهان ، حرم حضرت رضا (ع) و مسجد وکیل شیراز است . در این کتیبه ها گاه اشعاری آورده شده که ماده تاریخ بنای مسجد را متضمن است . بنابر این میتوان گفت که فن کاشی کاری برای ساختمان مسجد در ایران رونق پیدا کرد فن نقاشی و هنر خط مخصوصاً برجسته نویسی نیز رونق یافت و باوج کمال رسید .

۱ - تاریخچه وقف در ایران نوشته دکتر علی اکبر شهابی استاد دانشگاه تهران صفحه ۱۸ ستون ۲ سطر ۲ به بعد .

در همین فن حجاری و خاتم سازی برای تزئینات داخلی مساجد رونق بسیار یافت بطوریکه منابر را از سنگهای یک پارچه ساختند ، و یا آنکه آنها را با چوب تهیه کرده و خاتمکاری نمودند و نمونه بارز این هنر منبر مسجد شاه اصفهان و منبر مسجد وکیل شیراز که یک پارچه از سنگ مرمر بسیار زیبا ساخته شده و سنگ آنها از یزد به شیراز برده اند و منبر عظیم مسجد گوهرشاد آغا در مشهد معروف به منبر صاحب الزمان است تمام آن خاتم کاری شده و در ایوان مقصوره (ایوان جنوبی مسجد) قرار دارد .

[ در اینجا بمناسبت آنکه اغلب این اماکن از موقوفات ایجاد شده و نگهداری میشود بذکر اسامی برخی از آنها که از هر حیث مورد توجه عموم است مبادرت میشود

- ۱ - مسجد گوهرشاد در مشهد .
- ۲ - مسجد شیخ لطف الله در اصفهان .
- ۳ - مسجد جامع در اصفهان .
- ۴ - مسجد شاه در اصفهان .
- ۵ - مسجد جامع در یزد .
- ۶ - مسجد دارالاحسان در سمنان .
- ۷ - مسجد وکیل در شیراز .
- ۸ - مسجد نصیرالملک در شیراز .
- ۹ - مسجد جامع مظفری در کرمان .
- ۱۰ - مسجد بقعه مبارک حضرت امام هشتم در مشهد .

۱۱ - بقعه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام در قم .

۱۲ - بقعه مبارکه حضرت عبدالعظیم در شهر ری .

۱۳ - بقعه مبارکه حضرت احمد بن موسی معروف به شاهچراغ در شیراز .

۱۴ - مدرسه سلطانی (مادر شاه) در اصفهان .

۱۵ - مدرسه و مسجد سپهسالار در تهران .

## ادب و فرهنگ

وقفنامه‌های موجود عموماً دارای مقدمه ایست که در آن علت و جهت وقف را ذکر کرده است در این مقدمه معمولاً پس از تسبیح خدای کریم و نعمت رسول اکرم (ص) و ائمه هدی شمه‌ای از محاسن خیرات و مبرات ذکر و سپس رقبات موقوفات را نام برده و بعد از آن مصارف وقف و متولیان را تعیین کرده و در آخر آیه شریفه (فمن بدله بعدما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه) را که عموم آیه مخصوص وصیت است تحریر کرده‌اند تا کسی بخود اجازه ندهد در وقفنامه و رقبات آن و مصارف مقرر تصرفی بنماید .

مقدمه‌ای که بروقفنامه‌ها نوشته شده دارای عبارات مختلفی است ولی عموماً مسجع است و از نظر ادب و فرهنگ کشور ارزنده است . از چند فقره وقفنامه که با کلمات عربی نوشته شده اگر صرف نظر

شود اکثر وقفنامه‌ها دارای عبارات شیرین فارسی است و چون در این رساله از هنر و زیبایی وقف سخن به میان آمد بوقع است که از بعضی وقفنامه‌ها عباراتی را در اینجا ذکر نماید .

قدیمیترین وقفنامه‌ای که در بایگانی سازمان اوقاف موجود است، وقفنامه امیرچقماق است این وقفنامه در سال ۸۴۹ هجری قمری نوشته شده و مربوط است بموقوفاتی که وسیله امیرچقماق و زوجه او فاطمه تدارک شده که تاکنون باقی و عواید قابل ملاحظه‌ای دارد وقفنامه مذکور مقدمه مفصلی دارد که ذیلاً قسمتی از آن را می‌نگاریم:

« هو المنعم الباقي - احوال معاش و معاد افراد عباد »  
 « تعالی کبریا نه التضاء آن فرمود که با سر کن فیکون، »  
 « بر طبق آیه کریمه من کل شی خلقنا زوجین لعلکم »  
 « تذکرون مواد مخلوقات و صور موجودات و اکثر »  
 « حالات برینات بواسطه ترکیب او از دو جزء »  
 « مختلف که یکی خلق و یکی بعالم امر تعلق »  
 « دارد که الله الحق والامر چنانچه از نص کلام »  
 « دولت ختام معاد نظام حیث قال عز شأنه انی »  
 « خالق بشرأ من طین فاذا سویته و نفخت فیه من »  
 « روحی ، مستفاد میشود منتوی و متضاد و متباین »  
 « اتحاد و احداث گشته مانند دینی و عقلی »  
 « کبری و صغری، ظلمت و نور، اناث و ذکور »  
 « غموم و سرو، تفرقه و سمات ، فنا و ثبات، ثواب و »  
 « عقاب، بهشت و دوزخ، خیر و شر، نفع و ضرر »  
 « صلح و فساد و قس علیهذا و اکثر صفات علیا »

- ۱۱ - بقعه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام در قم .
- ۱۲ - بقعه مبارکه حضرت عبدالعظیم در شهر ری .
- ۱۳ - بقعه مبارکه حضرت احمد بن موسی معروف به شاهچراغ در شیراز .
- ۱۴ - مدرسه سلطانی (مادر شاه) در اصفهان .
- ۱۵ - مدرسه و مسجد سپهسالار در تهران .

### ادب و فرهنگ

وقفنامه‌های موجود عموماً دارای مقدمه ایستکه در آن علت و جهت وقف را ذکر کرده است در این مقدمه معمولاً پس از تسبیح خدای کریم و نعمت رسول اکرم (ص) و ائمه هدی شمه‌ای از محاسن خیرات و مبرات ذکر و سپس رقبات موقوفات را نام برده و بعد از آن مصارف وقف و متولیان را تعیین کرده و در آخر آیه شریفه (فمن بدله بعدما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلون) را که عموم آیه مخصوص وصیت است تحریر کرده اند تا کسی بخود اجازه ندهد در وقفنامه و رقبات آن و مصارف مقرر تصرفی بنماید .

مقدمه‌ایکه بروقفنامه‌ها نوشته شده دارای عبارات مختلفه است ولی عموماً مسجع است و از نظر ادب و فرهنگ کشور ارزنده است . از چند فقره وقفنامه که با کلمات عربی نوشته شده اگر صرف نظر

شود اکثر وقفنامه‌ها دارای عبارات شیرین فارسی است و چون در این رساله از هنر و زیبایی وقف سخن بحیان آمد بموقع است که از بعضی وقفنامه‌ها عباراتی را در اینجا ذکر نماید .

قدیمیترین وقفنامه‌ایکه در بایگانی سازمان اوقاف موجود است، وقفنامه امیر قنماق است این وقفنامه در سال ۸۴۹ هجری قمری نوشته شده و مربوط است بموقوفاتیکه وسیله امیر قنماق و زوجه او فاطمه تدارک شده که تاکنون باقی و عواید قابل ملاحظه‌ای دارد وقفنامه مذکور مقدمه مفصلی دارد که ذیلاً قسمتی از آن را مینگاریم:

« هو المنعم الباقي - احوال معاش و معاد افراد عباد »  
 « تعالی کبریا نه التضاء آن فرمود که با مرکن فیکون، »  
 « بر طبق آیه کریمه من کل شئی خلقنا زوجین لعلکم »  
 « تذکرون مواد مخلوقات و صور موجودات و اکثر »  
 « حالات بریات بواسطه ترکیب او از دو جزء »  
 « مختلف که یکی خلق و یکی بعالم امر تعلق »  
 « دارد که الاله الحق والامر چنانچه از نص کلام »  
 « دولت ختام معادت نظام حیث قال عز شأنه انی »  
 « خالق بشرأ من طین فاذا سویته و نفخت فیه من »  
 « روحی ، مستفاد میشود منتوی و متضاد و متباین »  
 « اتحاد و احداث گشته مانند دینی و عقی »  
 « کبری و صغری، غلست و نور، اناث و ذکور ، »  
 « عموم و سرور، تعرقه و ممات ، فنا و ثبات، ثواب و »  
 « عقاب، بهشت و دوزخ، خیر و شر، نفع و ضرر ، »  
 « صلح و فساد و قس علیهذا و اکثر صفات علیا »



«و اسماء حسنی الهی که در طی هر یک حقایق»  
 «نامتناهی مندرج بر همین متوال است هو الاول»  
 «والاخر والظاهر والباطن و هو بكل شیء علیهم»  
 «مقصود که در بدن خاکی ظلمانی انسانی، گوهر»  
 «شب افروز روح روحانی نورانی را با شبه باریک»  
 «قوی غضبی شهوانی مقارن ساخت و بقوت تفکر»  
 «که علت عقل و نطق و حکمت و رؤیت و تدبیر»  
 «و رای و مشورت است اختصاص بخشش و موهبت»  
 «عظیمه و عطیه جسمیه که سبب ادراک اکثر»  
 «حقایق آنست اعنی قلب و سمع و بصر که جعل»  
 «لکم السمع والابصار والافئدة تعظیم از آن فرموده،»  
 «ارزانی داشت بنور عقل میان اضدادیکه مبین»  
 «گشت امتیاز کند و خیر از شر و نفع از ضرر جدا»  
 «گرداند معلوم داند که مفاتیح سعادت جاودانی»  
 «در ضمن طاعات و خیرات و عبادات حضرت صمدانی»  
 «است و غایت استعاده او در این سرای سپنج و محل»  
 «عنا و رنج سه امر تعین و تقریر رفته....»

مقدمه این وقفنامه طولانی است و چند سطر فوق بعنوان نمونه درج گردید در کتاب (تاریخچه اوقاف اصفهان) که مرحوم عبدالحسین سینتا نوشته و از انتشارات اداره اوقاف اصفهان است در صفحه ۴۰ تحت عنوان (یک وقفنامه مستند دیگر از شاه عباس کبیر) وقفنامه ابراکه ولی قلی شاملو در کتاب قصص الخاقانی ذکر کرده آورده است. وقفنامه مذکور با عبارات عربی شروع شده است که از ذکر آن قسمت خودداری شد و بقیه مقدمه که فارسی است ذیلاً نگاشته میشود. این وقفنامه را نویسنده کتاب الخاقانی مربوط بوقایع سال

۱۰۱۴ هجری میبداند.

«.... باعث بر تحریر این صحیفه شرعیة الارکان»  
 «والمبانی آنست و غرض از تعقیق این وثیقه انیقه...»  
 «لهذا همت و الا نهیت و جعلی نیت خیر امنیت»  
 «اعلی حضرت پادشاه اسلام پناه ملائکه سپاه المؤید»  
 «بالتقریر العزیز من عند الله، خاك استانه خیر البشر»  
 «سروج مذهب حق ائنا عشر غلام باخلاص»  
 «اسیر المؤمنین چاکر باختصاص عترته سید المرسلین»  
 «حامی حوزه الدین بسیفه و شأنه ناظر اهل الایمان»  
 «بیده و لسانه صاحب الثبوت الظاهر النبوی والحسب»  
 «الباهر العلوی عباس، بدان مصروف و معطوفست»  
 «که عامه ارباب فقر و صلاح و کافه اصحاب»  
 «استحقاق و صلاح از روی فراغ بال و رفاه حال»  
 «باداء مراسم اطاعت و قیام بوظایف عبادت و دعای»  
 «دولت ابدی الاتصال لازالت امنه من وصيته»  
 «الزوال مشغول بوده باشند پس رجاء تعظیم الثواب»  
 «و طلباً لعزیز الاجر یوم یقوم الحساب وقف صحیح»  
 «شرعی نموده و حبس مؤبد مخلص فرموده....»

وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان که وسیله نورالدین جابر الانصاری اصفهانی نوشته شده و موقوفات آن متعلق بمسجد و مدرسه نوریه اصفهان است (۱) بعد از عباراتی عربی صدر وقفنامه چنین تحریر یافته است:

(۱) تاریخچه اصفهان عبدالحسین سینتا ص ۷۶ س ۱۴.



آمار موقوفات

باید اذعان کرد که متأسفانه تا سال ۱۳۴۴ هیچگونه آماری از موقوفات کشور تهیه نشده است و از اینرو میتوان گفت که اداره کل اوقاف تا سال مذکور موجودیت داشت اما اطلاع کامل و جامعی از موجودیت خود نداشته است.

از سال ۴۴ که اوقاف بصورت سازمان در آمد وزیر نظر نخست وزیری بانجام وظیفه مشغول گردیده همانطور که شکل ظاهر آن تغییر کلی یافت از نظر معنی نیز دگرگونی حاصل کرد و اولیاء امور برای تهیه آمار دقیق موقوفات که نشان دهنده دارائی و مایملک سازمان بایستی باشد دستورات لازم و مؤکدی صادر نمودند و در نتیجه از کلیه مناطق اوقافی و شهرستانهای تابع آنها آماری جمع آوری و بمرکز (سازمان اوقاف) رسیده است.

دستور مؤکد از نظر تاریخ صدور تقریباً همزمان با تهیه این رساله تهیه شده و از اینرو آماری که ضمیمه این رساله ملاحظه میشود باعتبار ارقام رسیده در اداره آمار سازمان اوقاف تهیه گردیده و بسا بعلت بعد مسافت بعضی از شهرستانها یا عدم تکافوی کارمند و کادر ثابت اداری نقصی در آمار تهیه شده مشاهده شود ولی این امیدواری هست که تا در خاتمه این رساله نسبت به رفع نقائص

احتمالی اقدام کافی معمول گردیده باشد. اینک ذیلا آمار موجود در سازمان اوقاف که مربوط به تعداد موقوفات متصرفی ( آن قسمت از موقوفاتی که تولیت بر عهده اوقاف است ) و غیر متصرفی ( آنقسمت از موقوفات که تولیت آنها بر عهده اشخاص است ) همچنین آمار مساجد و مدارس و بقاع متبرکه تفکیک هر منطقه با ذکر در آمد سالانه آنها آورده میشود.

## فصل هفتم

موقوفات عظیم بنیاد پهلوی

از پیدایش دین مبین اسلام که مؤمنان را به نیکوکاری و احسان ترغیب فرموده و آنها را از جمع آوری مال و نگهداری و بلا استفاده گذاردن آن بر حذر داشته چهارده قرن میگذرد. ایرانیان که قبل از پذیرفتن آئین مقدس اسلام پندار نیک ، کردار نیک و گفتار نیک را سر لوحه دینی و دنیائی خود قرار داده بودند پس از تشریف باین دین مبین و بتبعیت از پیمبر گرامی و ائمه معصومین دستورات آن بزرگواران را پیشه خود ساخته و بموقع اجرا در آوردند و از آنجا که کردار

نیک با خون آنان عجیب بود بکارهای نیکو آنچنان همت گماردند که از سایر مسلمین پیشی گرفتند طی قرون گذشته بسیاری از ایرانیان نیکوکار در این کشور کهنسال بوده که برای رضای خدای متعال هر قدر از مال و منالیکه در دوره‌ی کوتاه زندگانی کسب کرده بودند بر خیرات و مبرات وقف کردند از آنکه دارائی قابل توجهی داشت تا آنکسی که هستی او فقط درخت گردویی یا دکانی کوچک بود بمصداق کمال الجود بذل الموجود برای انجام کارهای نیک و استفاده‌ی اینای این مملکت به تصرف وقف دادند . بعبارت دیگر هر کس بقدر وسع و استطاعت مالی خود در کار خیرگامی برپیداشت و این امر اختصاص بشهر یا استان خاصی نداشته بلکه در تمام شهرهای این کشور موقوفاتی با ربات مختلف و با درآمدهای اندک زیاد دیده میشود . که سالیان شمادی وقف شده و درآمدهای عموم مردم این سامان اختصاص یافته است .

وقفنامه‌هاییکه طی قرون گذشته تنظیم و نوشته شده و به ارث رسیده است مثال زنده و بارزست و خوب حکایت میکند که مردم این سر زمین در هر عصر و زمانی باعث توسعه زیادی در فکرهمنوعان خود بوده‌اند . فکر بشر دوستی که امروز با تبلیغات زیاد و هیاهوی فراوان جلوه‌گراست در ایرانیان از زمانهای بسیار دور و درحد اعلای خود تجلی داشته است و در موقعیکه هر مملکت تنها بفکر افرادملت خود بود ایرانیان علاوه بر افکار بلندیکه در امور اجتماعی خویش داشته‌اند و در وقفنامه‌ها منعکس ساخته‌اند جنبه نوع پروری و بشر

دوستی را از سرحدات مملکت خارج کرده و اشاعه داده‌اند و استفاده از درآمد موقوفات را بر غیر ایرانی مجاز شناخته‌اند و با این تفصیل در بیشتر وقفنامه‌های موجود که در آمد وقف قابل ملاحظه بود ، هر چند واقفین امور مختلف اجتماعی را مانند بهداشت ، تعلیم و تربیت ، راهسازی ، پل سازی اطعام مساکین ، نگهداری ایتم ، اقامه عزاداری و اشاعه دین را مدنظر داشته‌اند ولی هیچگاه خاص بسودن مورد را از نظر دور نداشته‌اند هرچند که واقف از جمله‌ی دانشمندان یا رجال یا سلاطین بوده است .

بعبارت دیگر باتمام دوراندیشی و نوع دوستی وقف را برای مصرف معین در نظر گرفته‌اند نه بنحو کلی و این سبب شده است که اگر وقتی برای تعمیم بهداشت یا توسعه فرهنگ شهری بوجود آمده باشد و امروز آشهر از این جهت مستغنی و بی نیاز شده نمیتوان درآمد وقف را به شهر دیگریکه احتیاج به فرهنگ و بهداشت دارد منتقل نمود تا دیگر مردمان نیز از این دو نعمت برخوردار شوند و این یکنوع نزدیک بینی واقفین را میرساند .

شاهنشاهان این کشور که در همهجا پیشقدم و سرمشق افراد ملت خود بوده‌اند و در امر وقف نیز در همه‌گوی سبقت را ربوده‌اند و موقوفاتی بوجود آورده‌اند نیز از این مورد مستثنی نیستند و موقوفات تدارک شده را اختصاص بکارهای معلوم و معینی داده‌اند و از چهارچوب وقفنامه‌هاییکه در دوران آنان نوشته میشده خارج نشده‌اند و حتی اجازه ندادند که آب موقوفه را از باغ به مزرعه یا حمام عمومی

برند برای نمونه قسمتی از وقفنامه شاه عباس کبیر عیناً نقل میشود ۱ .

«... عالیحضرت خاتون سلیمشان ابدت دولت »  
 « الی انقراض الزمان جمیع مسلمانان را ذکور و »  
 « اناثاً مرخص فرموده اند که در اراضی باغات و »  
 « املاك و عمارات و سایر مذکورات که بالمناصفه »  
 « در آن شریکند نماز بگذارند و در کل آنها وضو »  
 « و غسل نمایند و اگر احدی کری ۲ داشته باشد »  
 « نیز مرخص است که هرگاه احتیاج داشته باشد »  
 « بر آب سازد اما هیچ احدی مرخص نیست که »  
 « یقفطره آب بدون جهت شرعی بر زراعت خود برد »  
 « و همچنین از اصحاب حمامات مرخص نیستند »  
 « که بحمامات خود برند الا حمامی که داخل »  
 « موقوفات مذکوره است .... »

با توجه به اینکه ایران کشوریست کم آب و تقریباً خشک که برای آبیاری زراعت لازم همیشه از آبیهای زیر زمین بصورت قنات استفاده میشد و کندن قنات و بیرون آوردن آب از دل کوهها و منابع

۱ - تاریخچه اصفهان نوشته عبدالحسین سبتا از انتشارات اوقاف اصفهان چاپ اصفهان ص ۶۹ .

۲ - کبر عبارت از ظرفی بوده است چوبی و بزرگ که درون آنرا با کوبیدن حلب غیر قابل نفوذ میکردند که آب از آن نفوذ نکند و تقریباً نیم تن گنجایش داشته و در آنمواقع که آب لوله مانند امروز وجود نداشته برای تطهیر حوض منازل استفاده میشد بدینطریق که پس از تخلیه کامل حوض و پاک کردن آن از لای و لجن مجدداً آنرا از آب چاه منزل پر میکردند و چون ممکن بوده که دستها یا سفال آب آلوده و نجس باشد در آخر کار یک کبر آب را بلاانقطاع به آب حوض اضافه میکردند تا از نظر شرعی حوض پاک بوده باشد .

زیر زمین مستلزم مخارج زیادی است که از عهدهی هرکس ساخته نیست زیرا قیمت آن تا بدست آید پول امروز شاید میلیونها ریال بشود و بعلاوه از نظر وسایل حفاری حفر قنات مدتها وقت می خواهد و مصرف اینهمه وقت و پول از عهده همه کس برنمیاید معلوم نیست چرا در یک وقفنامه ای که از سلطانی باقی میماند تا این حد سخت گیری شده است موقعی که از طرف پادشاه زمان وقفی بوجود آید که استفاده آن باید عام باشد باین اندازه مصرف وقف را مخصوص به یک محل معلوم نماید مسلم است که افراد مردم که افق دید تنگتری دارند سخت گیری بیشتری خواهد داشت .

وقفنامه بنیاد پهلوی

بخلاف شاهنشاهی سابق روشن بینی و مال اندیشی و ملت دوستی مخصوصاً دقت در وضع زندگانی افراد جامعه که از خصال برجسته عالیحضرت شاهنشاه آریاسهر است ، در وقفنامه بنیاد پهلوی کاملاً آشکار است . این وقفنامه با کلمات متقن و محکم که کلام الملوك است میرساند که مطلق نظر شهویار عظیم الشان تنها ایجاد و تدارك وقف بروش شاهنشاهان گذشته نبوده بلکه نظر اصلی تعمیم هر مورد از وقف می باشد و گذشته از این در هر مورد نکته سنجی و باریک بینی خاصی مشاهده می شود ، بطوریکه هر گاه موردی از موارد مصرف بعثی منتفی گردید صرف درآمد آن در موارد دیگر میسر است و بخلاف موقوفات گذشته بجائی نخواهد رسید که

مصرف متعذر گردد.

در وهله اول سطحی برلوحه فصول پنجگانه مصارف وقفنامه بنیاد پهلوی همان موقوف علیهم و سایر وقفنامه ها را مشخص میسازد که نشانه نوع پروری و بشر دوستی یک انسان کامل است ولی مطالعه شقوق مختلف، وسعت نظر و دور اندیشی بی سابقه ایرا آشکار میسازد.

در اینجا بمناسبت، نه برسبیل نقل مفاد وقفنامه و فقط برای مزید اطلاع خواننده این رساله به ذکر قسمتی از وقفنامه بنیاد پهلوی می پردازد و توجه خواننده را به حساسیت و عمق این وقفنامه جلب مینماید و تا حدود امکان مصارف یاد شده در این وقفنامه را با سایر وقفنامه های موجود مقایسه مینماید و برای سهولت وصول بمقصود از همان عناوین خود وقفنامه استفاده مینماید.

وقفنامه شاهنشاه آریاسهر شامل ده ماده، دو تبصره، یک مقدمه و پنج فصل است.

شش ماده و دو تبصره مربوط بمقدمه است که در آن علت وقف، متولیان بعدی، نظار و طرز انتخاب آنان، مبلغ حق التولیه و حق النظاره و مصارف وقف تعیین شده است.

ماده شش این وقفنامه مربوط بمصارف است که در آن بعد از دستور مورد رفع نواقص ساختمانهای بنیاد و تکمیل رقبات درآمد وقف را بمصارف پنجگانه ذیل اختصاص داده است:

۱ - بهداشت.

۲ - توسعه فرهنگ.

۳ - کمک بمستمندان.

۴ - امور مذهبی.

۵ - امور اجتماعی.

و هر یک از این مصارف را در یک فصل طی شقوق مختلف توجیه نموده است و ما در اینجا بدون ذکر مفاد اصل وقفنامه، جهاتی که مورد توجه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریاسهر بوده است بترتیبیکه در وقفنامه ذکر شده میاوریم.

#### ۱ - بهداشت

فصل اول مصرف وقفنامه بنیاد پهلوی اختصاص به بهداشت عمومی دارد در کلیه وقفنامه هائیکه در آنها مصرف بهداشت تعیین شده چه در قدیم که از آن بعنوان بیمارستان یا تیمارستان یادگردیده و در حال حاضر و عصر کنونی که بنام مریطخانه یا دارالمجانین اسم برده شده و همیشه یک بیمارستان خاص آنها فقط از نظر محل، طبیب و درمان بیماران مورد توجه واقف بوده است و حال آنکه علاوه بر سه مورد مذکور بهداشت عمومی از تغذیه خوب کودکان شروع میشود و به ساختن بیمارستان و تهیه دارو و ماما و غیره شاید



خاتمه نیاید .

بهداشت خوب مانند تهیه وسایل برای جلوگیری از حریق است و این همان چیزی است که فصل اول مصارف وقفنامه بنیاد پهلوی پیش بینی نموده است و الا تنها ایجاد بیمارستان و استخدام پزشک و خرید دارو مانند آنستکه حریق ایجاد شده و خرابی به بار آرد و بعد در فکر مرمت آن باشند .

در این فصل از وقفنامه از لحظه پیدایش طفل بصورت جنین سخن پیمان آمده است زیرا ابتدا (کمک به مادران باردار بی بضاعت از حیث غذا و دارو) مورد توجه قرار گرفته و سپس (کمک به تغذیه و بهداشت کودکان فقیر و شیرخوارگاهها و پرورشگاهها) و (ایجاد آموزشگاههای پزشکی و پرستاری و مامائی و همراهی با اینگونه مؤسسات) در خصوص (اقدامات مفید و مؤثر برای بالا بردن سطح بهداشت و حفظ سلامت عمومی) و (تهیه مواد داروئی و لوازم معاینه و درمان برای در دسترس قرار دادن بیماران بطور رایگان با قیمت ارزان و کمک نقدی و داروئی بمرضای مستمند) و حتی (کمک به آسیب دیدگان در حوادث غیر مترقبه از قبیل زلزله و حریق و غیره پیش بینی شده است .

با یک نظر دقیق میتوان دریافت که برای حفظ سلامت و بهداشت عمومی از بدو حمل تا تمام مراحل زندگانی یک فرد مورد توجه خاص بوده است و بعلاوه کمک را اختصاصی ننموده و هرگاه کسی بیمارستان ، درمانگاه یا آموزشگاه پرستاری دایر نمود میتواند

از کمک بنیاد پهلوی برخوردار شود . و این بزرگترین مزیت این وقفنامه است .

## ۲ - توسعه فرهنگ

توسعه فرهنگ از نظر عموم واقفین صرفاً این بوده است که مدرسه‌ای افتتاح شود و طلبه‌ای در آن مشغول تحصیل شود . نتیجه این نوع فکر آن شده است که یکنفر بنام طلبه حجره‌ای از یک مدرسه را برای مدت نامحدودی در اختیار بگیرد و تنها فکر او این باشد که در آخر هرماه مبلغی بعنوان حقوق تحصیلی یا کمک خرج و غیره از موقوفه دریافت نماید .

این سبک وقف منتج به نتیجه مطلوب که با سواد شدن ، علم اندوختن و بکار بستن آن که افاضه و استفاضه باشد نمیرسد زیرا فرقی بین کسیکه تحصیل علم کرده یا فقط بحسب ظاهر دانشجو بوده است نیست و این خود عیب بزرگی است که مورد توجه قرار نگرفته است . بعلاوه دوران تحصیلی در هیچیک از وقفنامه‌ها معین نشده و بهمین جهت دانش‌آموز یا دانشجویی بخود اجازه میدهد محلی را که اشغال کرده دیگر تخلیه ننماید و بسا که اگر جایی در مدرسه‌ای باز میشد صاحب استعدادی میتوانست نمود کند و مفید فوایدی باشد .

اما در وقفنامه بنیاد پهلوی نکات برجسته‌ای در توسعه و اشاعه

فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است آنجا که میگوید (تأسیس و کمک به آموزشگاهها و دبستانها و دبیرستانها و دانشکدهها و مخصوصاً فنی و حرفه‌ای) ادوار تحصیل را در نظر گرفته و در تمام این ادوار ممکنست (اعطای کمک هزینه تحصیلی و توزیع کتاب و لباس بین دانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت) بشود و این کمک خاص موقع یا موردی نخواهد بود.

در اینجا سه نکته مورد توجه بوده است یکم اینکه علاوه بر تأسیس فرهنگی که ممکنست از طرف بنیاد پهلوی تدارک شود مدارس هم که از طرف اشخاص تأسیس میگردد میتوانند از کمکهای مالی بنیاد پهلوی برخوردار باشند دوم اینکه بسا دانش آموزی که زمانی در نعمت بوده و بر اثر اتفاق به محنت دچار شده در عین حالیکه صاحب استعداد نیز باشد و بعزت عدم بضاعت نتواند به تحصیل ادامه دهد. از اینجا بنیاد پهلوی بکمک او میشتابد تا این استعداد پرورش یابد و در مملکت منشاء اثر بشود سوم آنکه مدارس صنعتی و حرفه‌ای مورد توجه خاص قرار گرفته است و این میرساند که شاهنشاه عظیم الشان ما تا چه حدی پیش بینی آینده مملکت که بایستی صنعتی شود فرموده اند.

نکته دیگر توجه وقفنامه به اس (کمک به آموزشگاههای اکابر) است و (کمک به تعلیمات عمومی و اجباری و مبارزه با بیسوادی) ذکر این دو مورد در وقفنامه ناظر بر آنست که نه تنها تعلیم نواب و گان مطمح نظر بوده بلکه اصل اینست که در مملکت نتوانیم بیسوادی پیدا کنیم

و در عین حال وقفنامه برای جلب و پرورش استعدادها پیش بینی (اعطاء جوایز بدانشجویانی که حائز رتبه اول میشوند) و (اعزام محصل به خارج از کشور برای کارآموزی و فراگرفتن تعلیمات علمی و عملی و صنعتی و کشاورزی) را نموده که خود تشویق آنعه از دانشجویانی است که هم آنان صرفاً به تحصیل است.

وقفنامه علماء و دانشمندان و مخترعین و مبتکرین را نیز از یاد نبرده و در آن (اعطای جوایز و کمک به نویسندگان و دانشمندان و تشویق باختراع و ابتکار در امور علمی و صنعتی) ذکر گردیده و برای آنکه از کلیه این پیشرفتهای فرهنگی عموم افراد ایرانی باخبر و مطلع شود (طرح و انتشار کتب و مجلات علمی و صنعتی و حرفه‌ای را) در نظر گرفته است و این مترقی‌ترین برنامه فرهنگی است.

### ۳- کمک به مستمندان

حقیقت اسلام در امر کمک به مستمندان وریشه کن ساختن فقر عمومی و از بین بردن تکدی بوده است و بهترین طریق کمک آن خواهد بود که علاوه بر برانداختن فقر طرحی ریخته شود تا برای اشخاصی که میتوانند کار کنند ایجاد کار و سرمایه بشود. کلیه وقفنامه‌ها کمک به مستمندان را از راه تأمین غذای چند روزه آنان در طول یکسال در نظر گرفته‌اند و از این قبیل است

اطعام فقرا در روزهای مخصوصی از سال مانند ایام محرم بسا ماه رمضان و حال آنکه نگهداری طفل کوچکی در محلی برای آنکه مادر طفل بتواند کار کند و تحصیل معاش خود و اطفالش را بنماید بزرگترین کمک به مستمند است زیرا هم کمک باو شده و هم شخصیت او در هم کوبیده نشده است و طفل و مادر طفل میدانند که باید کار کرد و کاریکنند و از دسترنج خود ارتزاق مینمایند.

فصل سوم مصرف موقوفات بنیاد پهلوی بر این اساس پایه گذاری شده است زیرا در آن پرداخت هزینه و نگهداری پرورشگاههای بنیاد پهلوی تأسیس پرورشگاههای دیگر برای تعلیم تربیت کودکان یتیم و بی بضاعت کمک بسایر پرورشگاههای ملی و شهرداری پیش بینی گردیده است.

یکی از جمله کمکهای خیریه و بریه نامبرده شده در این فصل از وقفنامه کمک به نواخانه ها و زندانیان بی بضاعت و اردوهای کار نگهداری یتیمیان و عجزه و کارآموزی به آنان درخور استعدادشان میباشد و بطوریکه میبینیم وقفنامه پیش بینی کرده است که در اول یتیمیان و فقرا در محلی جمع کرده و به آنان کمک مادی بنمایند ولی در عین حال بانان کارهایی که فراخور استعداد آنان است بیاموزند تا خود آنها پس از یاد گرفتن هنری بتوانند از کدیمین اسرار معاش بنمایند و این ابتکار این وقفنامه بخصوص است. عبارت دیگر اولین وقفنامه ایست که با کمک بمستندان نه تنها آنان را از فقر آتی نجات میدهد بلکه زندگانی مرفه و آبرومندی برای آنان را نیز تأمین و میسر میسازد.

#### ۴ - امور مذهبی

شاهنشاه دین گستر که هیچگاه مبانی دین مقدس اسلام را از مد نظر دور نداشته و باولیاء این دین بزرگ سر تعظیم و تکریم فرود آورده اند در وقفنامه بنیاد پهلوی یکی از مصارف پنجگانه را (کمک به تعظیم شعائر اسلامی و ترویج دیانت مقدس اسلام در هر عصر و زمان و بمقتضای وقت) مقرر فرموده اند و برای بزرگداشت دین گرامی خود و ملت خویش (کمک به تأسیس دانشگاه اسلامی) و (تعمیر بقاع متبرکه و مساجد) و (کمک به نشر کتب و تعلیمات دینی) و کمک برای تبلیغات اسلامی خاصه در کشورهای غیر مسلمان) را لازم شمرده اند.

در تمام موقوفات گذشته تنها از تبلیغات دینی و مذهبی فقط موضوع روضه خوانی را ذکر کرده اند بدون آنکه مقتضای زمان مورد نظر باشد و حال آنکه اصل مقصود تنهیم و تفاهم اصول دین اسلام و تشریح شریعت اسلام بوده است که موضوع آن با روضه خواندن جدا است. خواندن روضه و حاداعلای آن ذکر مناقب ائمه هدی و احياناً ذکر مصائب وارده بر اولیای خداست و حال آنکه نشر و تبلیغ حقیقت اسلام محتاج بداشتن وعظی است که قبلاً در دانشگاهی تعلیمات دینی را آنچنانکه هست فرا گرفته باشند تا بتوانند بدیگران

اطعام فقرا در روزهای مخصوصی از سال مانند ایام محرم یا ماه رمضان و حال آنکه نگهداری طفل کوچکی در محلی برای آنکه مادر طفل بتواند کار کند و تحصیل معاش خود و اطفالش را بنماید بزرگترین کمک به مستمند است زیرا هم کمک باو شده و هم شخصیت او در هم کوبیده نشده است و طفل و مادر طفل میدانند که باید کار کرد و کار میکنند و از دسترنج خود ارتزاق مینمایند.

فصل سوم مصرف موقوفات بنیاد پهلوی بر این اساس پایه گذاری شده است زیرا در آن پرداخت هزینه و نگهداری پرورشگاههای بنیاد پهلوی تأسیس پرورشگاههای دیگر برای تعلیم تربیت کودکان یتیم و بی بضاعت کمک بسایر پرورشگاههای ملی و شهرداری پیش بینی گردیده است.

یکی از جمله کمکهای خیریه و بریه نامبرده شده در این فصل از وقفنامه کمک به نواخانه ها و زندانیان بی بضاعت و اردوهای کار نگهداری بینوایان و عجزه و کارآموزی به آنان درخور استعدادشان میباشد و بطوریکه میبینیم وقفنامه پیش بینی کرده است که در اول بینوایان و فقرا در محلی جمع کرده و به آنان کمک مادی بنمایند ولی در عین حال بانان کارهایی که فراخور استعداد آنان است بیاموزند تا خود آنها پس از یاد گرفتن هنری بتوانند از کدیمین اسرار معاش بنمایند و این ابتکار این وقفنامه بخصوص است. عبارت دیگر اولین وقفنامه ایست که با کمک بمستندان نه تنها آنان را از فقر آتی نجات میدهد بلکه زندگانی سرفه و آبرومندی برای آنان را نیز تأمین و میسر میسازد.

#### ۴ - امور مذهبی

شاهنشاه دین گستر که هیچگاه مبانی دین مقدس اسلام را از بد نظر دور نداشته و باولیاء این دین بزرگ سر تعظیم و تکریم فرود آورده اند در وقفنامه بنیاد پهلوی یکی از مصارف پنجگانه را ( کمک به تعظیم شعائر اسلامی و ترویج دیانت مقدس اسلام در هر عصر و زمان و بمقتضای وقت ) مقرر فرموده اند و برای بزرگداشت دین گرامی خود و ملت خویش ( کمک به تأسیس دانشگاه اسلامی ) و ( تعمیر بقاع متبرکه و مساجد ) و ( کمک به نشر کتب و تعلیمات دینی ) و کمک برای تبلیغات اسلامی خاصه در کشورهای غیر مسلمان ) را لازم شمرده اند.

در تمام موقوفات گذشته تنها از تبلیغات دینی و مذهبی فقط موضوع روضه خوانی را ذکر کرده اند بدون آنکه مقتضای زمان مورد نظر باشد و حال آنکه اصل مقصود تفهیم و تفاهم اصول دین اسلام و تشریح شریعت اسلام بوده است که موضوع آن با روضه خواندن جدا است. خواندن روضه و حاداعلای آن ذکر مناقب ائمه هدی و احیاناً ذکر مصائب وارده بر اولیای خداست و حال آنکه نشر و تبلیغ حقیقت اسلام محتاج بداشتن وعظای است که قبلاً در دانشگاهی تعلیمات دینی را آنچنانکه هست فرا گرفته باشند تا بتوانند بدیگران



یاموزند و در عین حال بهترین کتاب را در علم دین تهیه کرده و در دسترس مردم قرار دهند و مخصوصاً در دانشگاه اسلامی افرادی تربیت شوند که بزبانهای بیگانه آشنائی یابند و بتوانند بملل غیر مسلمان حقایق اسلام را تبلیغ نمایند.

## ۵- امور اجتماعی

اگر به پدیده تحقیق نظر افکنیم ملاحظه خواهیم کرد در هیچکدام از وقفنامه‌های معتبر اعصار مختلف بهیچ عنوانی توجه به امور اجتماعی از قبیل تأسیس کتابخانه‌های عمومی و قرائت‌خانه‌ها و مؤسسات پرورشی مانند تربیت بدنی، تشکیل مجامع تبلیغی اندرزگاه و غیره نشده است و حال آنکه یک جامعه بهر وضعی ادامه حیات بدهد محتاج اینگونه تأسیسات میباشد.

هر قوم هر اندازه پیشرفته و مرقی باشد بداشتن کتابخانه و قرائت‌خانه تفریحات سالم ورزش بدنی و روحی نیازمند است و بهترین راه خدمت به یک ملت اینستکه جسم و روح افراد آن مملکت را با ورزشهای جسمی و تقویت قوای دماغی پرورش دهند و این میسر نمیشود مگر آنکه اعظم ملت که مغز او محسوب میشوند بآبرانگیختن و بیاقل لازم روح ملی و ایمان ملت را بسوی اتحاد و استقلال از راه گفتنی‌ها (بوسیله وعظ و خطابه و خواندن از راه نشر کتب مفید سوق

دهند و در آنها روح ملی برای حفظ استقلال بدینند. بنیاد پهلوی تنها موقوفه‌ایستکه در این راه قدم نهاده و تأسیساتی از این قبیل را بر عهده گرفته و علاوه بر آن خود را متعهد ساخته تا چنانچه مؤسساتی بدینمنظور گشایش یابد که اساس آن حفظ سنن ملی و آثار باستانی ملت باشد کمک و مساعدت کند و این بزرگترین مزیت وقفنامه بنیاد پهلوی بر تمام وقفنامه‌های موجود است.

## ۶- تبدیل باحسن

مشکل بزرگی که در تمام موقوفات پیش می‌آید اینستکه در مواقع خرابی ملک یا مستغل موقوفه و از بین رفتن یا قلت عایدی چه باید کرد، هیچ وقفنامه‌ای نمیتوان یافت که برای کسر درآمد یا ازدیاد آن و یا برای زمان بعد از بین رفتن عایدات پیش‌بینی کرده باشد و تکلیف متولیان و نظار بعدی را روشن ساخته باشد بهمین مناسبت اغلب موقوفات بصورت خرابه در می‌آید.

مزیت بزرگ وقفنامه بنیاد پهلوی اینستکه از لحاظ اقتصادی پیش‌بینی لازم را کرده است. به تنها برای کسری عایدات بلکه برای مواردی که عایدات املاک موقوفه ازدیاد پیدا میکند مقرراتی وضع کرده که از نظر اقتصادی بسیار قابل ملاحظه است و مخصوصاً مقرر داشته استکه (چنانکه در رقبات اعیان موقوفه تغییر وضعی از

حیث ازدیاد قیمت تا یک برابر حاصل شود و بیم آن باشد که پس از آن رو بتنزل فاحش برود و یا نقصان قیمت تا صدی ده حاصل شود و بیم تنزل بیشتری باشد در هر یک از دو صورت فروش هریک از رقبات و تبدیل آن به احسن و انفع و خرید رقبه جدید که موجب غبطه وقف باشد جایز است .

با توجه باینکه چون ملکی وقف شد و به قبض وقف درآمد و عواید آن ملک متعلق به عموم ( موقوف علیهم ) است و هرگاه درآمد وقف نقصانی یابد در واقع بزیان موقوف علیهم میباشد و متأسفانه همانطور که گفته شد هیچیک از واقفین برای این مورد دستوری نداده و موضوع را مسکوت گذارده اند که بیشتر خرابیهای املاک موقوفه ناشی از این است فقط وقفنامه بنیاد پهلوی است که اینمورد را کاملاً روشن ساخته و تکلیف قطعی تعیین نموده است بطور کلی مشکلات آینده موقوفه را از جهات مختلف بررسی و طرز عمل را ارائه داده است باید گفت که وقفنامه بنیاد پهلوی تنها وقفنامه کامل العیاری است که تا کنون تحریر یافته و شاید در آینده نیز نظیر نداشته باشد و از آنجا که متن آن از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر انشاء شده در مورد آن باید گفت که کلام الملوك ملوك الكلام است .

درخاتم این رساله یادآور است که اگر بخواهیم این وقفنامه را بررسی کامل بنماییم بایستی در اطراف مزایا و محاسن آن کتابی جداگانه نوشت و آنچه در اینجا برشته تحریر درآمد جزئی ناچیز از کل است .

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- بررسی یسنا - تألیف سرگرد اورنگ  
جشنهای ایران باستان - سرگرد اورنگ  
مد در نوشته سرگرد اورنگ  
صحیح بخاری  
دائرة المعارف فرید وجدی  
تاریخچه وقف در اسلام تألیف دکتر علی اکبر شهبازی  
تحفة النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار - ابن بطوطه  
ترجمه فارسی شرایع الاسلام چاپ دانشگاه تهران  
تحولات حقوق خصوصی نشریه ۱۲۷۴ دانشگاه تهران  
تاریخچه اوقاف اصفهان تألیف عبدالحسین سپنتا  
قصص الخاقانی



قالوا يا ابن الله انما نحن بشرية وانا عبدك يا ابن الله

تنت دفتر کتابخانه ملی

شماره ۱۵۰۴ تاریخ ۵۹/۱۰/۲۶

استاد: ۱۳۸۴/۱۲/۱۷